



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

مناکح حج

قادی

حضرت آية الله العظمى

آقای خلیج سید ابوباقاسم موسوی خونی

تألیف و تصنیف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک حج آیت الله سید ابوالقاسم خوئی

نویسنده:

آیت الله سید ابوالقاسم خوئی

ناشر چاپی:

مدینه العلم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

.....	فهرست	۵
.....	مناسک حج آیت الله سید ابوالقاسم خوئی	۲۳
.....	مشخصات کتاب	۲۳
.....	فهرست	۲۳
.....	پیش در آمد	۳۰
.....	مقدمه	۳۰
.....	وجوب حج	۳۱
.....	اشاره	۳۱
.....	مسأله ۱	۳۲
.....	مسأله ۲	۳۲
.....	مسأله ۳	۳۲
.....	شرایط وجوب حج	۳۲
.....	شرط اول: بلوغ	۳۲
.....	اشاره	۳۲
.....	مسأله ۴	۳۳
.....	مسأله ۵	۳۳
.....	مسأله ۶	۳۳
.....	مسأله ۷	۳۳
.....	مسأله ۸	۳۴
.....	مسأله ۹	۳۴
.....	شرط دوم: عقل	۳۴
.....	شرط سوم: آزادی است. پس بر مملوک (غلام زر خرید) هر چند مستطیع و مأذون از قبل مولای خود باشد، حج واجب نیست. و هر گاه به اذن مولای خود حج نماید حجش صحیح است، ولی کفایت از حجه الاسلام نمی کند و بعد از آزادی چنان چه دارای شرایط باشد دوباره حج نماید.	۳۴
.....	مسأله ۱۰	۳۴
.....	مسأله ۱۱	۳۴
.....	مسأله ۱۲	۳۵
.....	[شرط چهارم: استطاعت]	۳۵
.....	اشاره	۳۵
.....	اول: بعهه وقت	۳۵
.....	دوم: امنیت و سلامتی	۳۵
.....	اشاره	۳۵
.....	مسأله ۱۳	۳۵
.....	مسأله ۱۴	۳۵
.....	مسأله ۱۵	۳۶
.....	مسأله ۱۶	۳۶
.....	مسأله ۱۷	۳۶
.....	شرط سوم: زاد و راحله	۳۶
.....	اشاره	۳۶
.....	مسأله ۱۸	۳۷
.....	مسأله ۱۹	۳۷
.....	مسأله ۲۰	۳۷

۳۷	مسأله ۲۱
۳۷	مسأله ۲۲
۳۸	شرط چهارم: رجوع به کفایت
۳۸	اشاره
۳۹	مسأله ۲۳
۳۹	مسأله ۲۴
۳۹	مسأله ۲۵
۳۹	مسأله ۲۶
۴۰	مسأله ۲۷
۴۰	مسأله ۲۸
۴۰	مسأله ۲۹
۴۰	مسأله ۳۰
۴۰	مسأله ۳۱
۴۱	مسأله ۳۲
۴۲	مسأله ۳۳
۴۲	مسأله ۳۴
۴۲	مسأله ۳۵
۴۲	مسأله ۳۶
۴۲	مسأله ۳۷
۴۲	مسأله ۳۸
۴۳	مسأله ۳۹
۴۳	مسأله ۴۰
۴۳	مسأله ۴۱
۴۴	مسأله ۴۲
۴۵	مسأله ۴۳
۴۵	مسأله ۴۴
۴۵	مسأله ۴۵
۴۵	مسأله ۴۶
۴۶	مسأله ۴۷
۴۶	مسأله ۴۸
۴۶	مسأله ۴۹
۴۶	مسأله ۵۰
۴۷	مسأله ۵۱
۴۷	مسأله ۵۲
۴۷	مسأله ۵۳
۴۷	مسأله ۵۴
۴۷	مسأله ۵۵
۴۸	حج یا مال غصبی
۴۸	مسأله ۵۶
۴۸	مسأله ۵۷
۴۸	مسأله ۵۸

۴۸	حج زن و زوجه
۴۸	مسأله ۵۹
۴۸	مسأله ۶۰
۴۹	نذر مزاحم حج
۴۹	مسأله ۶۱
۴۹	کفایت نایب گرفتن از میقات
۴۹	مسأله ۶۲
۴۹	مسأله ۶۳
۴۹	مسأله ۶۴
۵۰	مسأله ۶۵
۵۰	مسأله ۶۶
۵۰	مسأله ۶۷
۵۰	مسأله ۶۸
۵۰	مسأله ۶۹
۵۱	مسأله ۷۰
۵۱	مسأله ۷۱
۵۱	مسأله ۷۲
۵۱	وصیت به حج
۵۱	مسأله ۷۳
۵۲	مسأله ۷۴
۵۲	مسأله ۷۵
۵۲	مسأله ۷۶
۵۲	مسأله ۷۷
۵۲	مسأله ۷۸
۵۳	مسأله ۷۹
۵۳	مسأله ۸۰
۵۳	مسأله ۸۱
۵۳	مسأله ۸۲
۵۳	مسأله ۸۳
۵۴	مسأله ۸۴
۵۴	مسأله ۸۵
۵۴	مسأله ۸۶
۵۴	مسأله ۸۷
۵۴	مسأله ۸۸
۵۵	مسأله ۸۹
۵۵	مسأله ۹۰
۵۵	مسأله ۹۱
۵۵	مسأله ۹۲
۵۵	مسأله ۹۳
۵۵	مسأله ۹۴
۵۶	مسأله ۹۵

- مسأله ۹۶ -..... ۵۶
- مسأله ۹۷ -..... ۵۶
- مسأله ۹۸ -..... ۵۶
- مسأله ۹۹ -..... ۵۸
- مسأله ۱۰۰ -..... ۵۸
- مسأله ۱۰۱ -..... ۵۸
- مسأله ۱۰۲ -..... ۵۸
- احکام نیابت ۵۹
- مسأله ۱۰۳ -..... ۵۹
- اشاره ۵۹
- اول: بلوغ، یعنی نایب باید بالغ باشد. پس حج بچه نابالغ به جای دیگری کفایت نمی کند، البته در خججه الاسلام وحججهای واجب دیگر، هر چند آن بچه متمیز باشد که خوب وبد را تشخیص دهد. بلی بعید نیست که نیابت وی در حج مستحبی با اذن ولی صحیح باشد. ۵۹
- دوم: عقل، یعنی نایب باید عاقل باشد، پس نیابت دیوانه از دیگری صحیح نخواهد بود، خواه دیوانه همیشگی یا ادواری (گاه به گاه) باشد اگر عمل در وقت دیوانگی باشد واما نایب شدن سفیه عیبی ندارد. ۵۹
- سوم: ایمان، یعنی نایب باید مؤمن (علاوه بر خدا وپیغمبر، دوازده امام را نیز قبول داشته) باشد. پس نیابت غیر مؤمن کافی نیست، هر چند عمل را برطبق مذهب ما به جا آورد. ۵۹
- چهارم: آن که ذمه، نایب در سال نیابت مشغول به حج واجب نباشد که وجوب آن منجز وحتمی باشد. ودر صورتی که جاهل بوجوب باشد یعنی نداند که حج بر خودش واجب است یا می دانسته ولی غافل است و فراموش کرده، که در این دو صورت نیابت وی عیبی ندارد. واین شرط شر.....
- مسأله ۱۰۴ -..... ۵۹
- مسأله ۱۰۵ -..... ۵۹
- مسأله ۱۰۶ -..... ۵۹
- مسأله ۱۰۷ -..... ۶۰
- مسأله ۱۰۸ -..... ۶۰
- مسأله ۱۰۹ -..... ۶۰
- مسأله ۱۱۰ -..... ۶۰
- مسأله ۱۱۱ -..... ۶۰
- مسأله ۱۱۲ -..... ۶۱
- مسأله ۱۱۳ -..... ۶۱
- مسأله ۱۱۴ -..... ۶۱
- مسأله ۱۱۵ -..... ۶۱
- مسأله ۱۱۶ -..... ۶۱
- مسأله ۱۱۷ -..... ۶۲
- مسأله ۱۱۸ -..... ۶۲
- مسأله ۱۱۹ -..... ۶۲
- مسأله ۱۲۰ -..... ۶۲
- مسأله ۱۲۱ -..... ۶۳
- مسأله ۱۲۲ -..... ۶۳
- مسأله ۱۲۳ -..... ۶۳
- مسأله ۱۲۴ -..... ۶۳
- مسأله ۱۲۵ -..... ۶۳
- مسأله ۱۲۶ -..... ۶۴
- مسأله ۱۲۷ -..... ۶۴
- مسأله ۱۲۸ -..... ۶۴
- مسأله ۱۲۹ -..... ۶۵
- حج مستحبی ۶۵

- مسأله ۱۳۰ ۶۵
- مسأله ۱۳۱ ۶۵
- مسأله ۱۳۲ ۶۵
- مسأله ۱۳۳ ۶۵
- مسأله ۱۳۴ ۶۵
- اقسام عمره ۶۶
- مسأله ۱۳۵ ۶۶
- مسأله ۱۳۶ ۶۶
- مسأله ۱۳۷ ۶۶
- مسأله ۱۳۸ ۶۷
- مسأله ۱۳۹ ۶۷
- مسأله ۱۴۰ ۶۸
- مسأله ۱۴۱ ۶۸
- مسأله ۱۴۲ ۶۸
- اقسام حج ۶۸
- مسأله ۱۴۳ ۶۸
- اشاره ۶۸
- قسم اول، یعنی حج تمتع وظیفه کسی است که فاصله وطنش تا مسجدالحرام بیش از شانزده فرسخ ۶۸
- قسم دوم وسوم، یعنی حج افراد و حج قرآن وظیفه کسی است که اهل خود مکه یا اطراف آن باشد، به شرطی که فاصله بین وطنش تا مسجدالحرام کمتر از شانزده فرسخ باشد. ۶۹
- مسأله ۱۴۴ ۶۹
- مسأله ۱۴۵ ۶۹
- مسأله ۱۴۶ ۷۰
- حج تمتع ۷۰
- مسأله ۱۴۷ ۷۰
- اعمال عمره تمتع ۷۰
- مسأله ۱۴۸ ۷۰
- اشاره ۷۰
- اول : احرام از یکی از میقات ها، وتفصیل آنها را خواهی دانست. ۷۰
- دوم: طواف دور خانه خدا. ۷۰
- سوم: خواندن دو رکعت نماز طواف. ۷۰
- چهارم: سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه که نام دو جای معین در جنب مسجد الحرام است. ۷۱
- پنجم: تقصیر، یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن، وهنگامی که شخص این اعمال پنجگانه را به ۷۱
- مسأله ۱۴۹ ۷۱
- اعمال حج تمتع ۷۱
- اشاره ۷۱
- اول: بستن احرام از مکه به تفصیل و شرحی که خواهد آمد. ۷۱
- دوم: وقوف (بودن) در عرفات از یک ساعت بعد از ظهر روز نهم ذی الحجه (روز عرفه) یا از اول ظهر تا مغرب، و عرفات نام جایی است در چهار فرسخی مکه. ۷۱
- سوم: بودن در مزدلفه (مشعر) که بین عرفات ومکه است، از طلوع فجر روز عید قربان (دهم ذی الحجه) تا طلوع آفتاب. ۷۱
- چهارم: رمی جمره عقبه (زدن سنگریزه) در منی روز عید قربان. ومنی تقریباً یک فرسخ تا مکه فاصله دارد. ۷۱
- پنجم: قربانی کردن در منیروز عید. ۷۱
- ششم: تراشیدن سر یا گرفتن مقداری از مو یا ناخن در منی، و به این عمل آنچه بسبب احرام بر وی حرام شده بود حلال می شود، مگر زن وبوی خوش وشکار بنا بر احتیاط. ۷۱

هفتم: طواف دور خانه خدا به عنوان زیارت پس از بازگشت به مکه.	۷۱
هشتم: به جا آوردن دو رکعت نماز طواف.	۷۱
نهم: سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه، و یا این	۷۱
دهم: طواف نساء.	۷۲
یازدهم: به جا آوردن نماز طواف نساء، و به این عمل زن نیز حلال می شود.	۷۲
دوازدهم: بیئوته (ماندن شب) در منی شب یازدهم و شب دوازدهم، بلکه شب سیزدهم در بعضی از صور که بیانش می آید.	۷۲
سیزدهم: رمی سه جمره (اولی و وسطی و عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم، بلکه در روز سیزدهم بنا بر احتیاط در صورتی که شب سیزدهم را در منی مانده باشد.	۷۲
شرایط حج تمتع	۷۲
مسئله ۱۵۰	۷۲
اشاره	۷۲
اول: نیت، که قصدش این باشد که حج تمتع را به جا می آورد. پس اگر نیت حج دیگری نمود یا در نیت تردید داشت، حجش صحیح نخواهد بود.	۷۲
دوم: آن که عمره و حج هر دو با هم در ماه های حج (شوال ذی القعدة و ذی الحجه) باشد. پس اگر یک جزء از عمره را قبل از ماه شوال به جا آورده باشد، عمره اش صحیح نخواهد بود.	۷۲
سوم: آن که عمره و حج در یک سال به جا آورده شوند. پس اگر عمره را به جا آورد و حج را به سال بعد تأخیر نمود، تمتع صحیح نخواهد بود. و فرقی نیست در این حکم بین اینکه تا سال بعد در مکه بماند یا آن که به وطن خود مراجعت نموده و دوباره به مکه بیاید. همچنان که فرقی	۷۲
چهارم: آن که احرام حج در حال اختیار از خود مکه باشد. و بهترین موضع مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل است. و چنان چه نتواند از خود مکه احرام ببندد، از هر جا که بتواند باید محرم شود.	۷۲
پنجم: آن که مجموع اعمال عمره تمتع و حج تمتع را یک نفر انجام دهد از طرف یک نفر. پس اگر دو نفر برای انجام حج تمتع از طرف مرده یا زنده ای اجیر شوند که یکی عمره و دیگری حج را انجام دهد، صحیح نخواهد بود. و همچنین اگر یک نفر حج نماید و عمره را به جای کسی و	۷۲
مسئله ۱۵۱	۷۲
مسئله ۱۵۲	۷۲
مسئله ۱۵۳	۷۳
مسئله ۱۵۴	۷۳
اشاره	۷۳
اول: آن که بازگشتن به مکه پیش از گذشتن یک ماه از انجام عمره است، که در این	۷۳
دوم: آن که بازگشت وی به مکه پس از گذشتن یک ماه باشد. در این صورت لازم است عمره را دوباره انجام دهد.	۷۴
مسئله ۱۵۵	۷۴
مسئله ۱۵۶	۷۴
مسئله ۱۵۷	۷۴
حج افراد	۷۴
اشاره	۷۵
مسئله ۱۵۸	۷۵
اشاره	۷۵
اول: آن که حج افراد لازم نیست متصل به عمره و در یک سال باشد، ولی حج تمتع همان طور که گفته شد لازم است متصل و بعد از عمره و در یک سال	۷۵
دوم: آن که در حج افراد قربانی لازم نیست، ولی در حج تمتع چنان که گفته شد، قربانی لازم است.	۷۵
سوم: آن که در حج افراد جایز است در حال اختیار طواف وسیعی حج را بر و قوفین مقدم نمود، ولی در حج تمتع نمی شود این کار را کرد.	۷۵
چهارم: آن که احرام حج افراد باید از یکی از جاهایی که گفته شد باشد، و اما احرام حج تمتع باید از خود مکه باشد.	۷۵
پنجم: آن که عمره حج افراد را می شود پیش از حج یا بعد از آن به جا آورد، ولی در حج تمتع واجب است عمره پیش از حج باشد.	۷۵
ششم: آن که بعد از احرام حج افراد می شود طواف مستحبی نمود. و در حج تمتع پس از احرام	۷۵
مسئله ۱۵۹	۷۶
مسئله ۱۶۰	۷۶
حج قرآن	۷۶
مسئله ۱۶۱	۷۶
اشاره	۷۶

توضیح: آن که چون در حج قرآن باید قربانی همراه حاجی باشد، باید بر او علامت بگذارد یعنی اگر شتر است کوهان او را بشکافد و اگر گوسفند باشد گوش او را دریده یا پشت و سر و گردن او را رنگ کند، که این را اشعار گویند یا آن که چیزی بر گردن حیوان مانند زنگوله یا چیزی دیه

۷۶	میقات های احرام
۷۶	اشاره
۷۷	۱ - مسجد شجره
۷۷	اشاره
۷۷	مسأله ۱۶۲
۷۷	۲ - وادی عتیق
۷۷	اشاره
۷۷	مسأله ۱۶۳
۷۷	۳ - جحفه
۷۸	۴ - یلملم
۷۸	۵ - قرن المنازل
۷۸	۶ - مکه مکرمه
۷۸	۷ - منزل خود شخص
۷۸	۸ - جبرانه
۷۸	۹ - محاذات مسجد شجره
۷۹	احکام میقات ها
۷۹	مسأله ۱۶۴
۸۰	مسأله ۱۶۵
۸۰	مسأله ۱۶۶
۸۰	مسأله ۱۶۷
۸۰	مسأله ۱۶۸
۸۰	اشاره
۸۰	اول: آن که می تواند به میقات برگردد، که در این صورت واجب است به میقات برگشته و از آن احرام ببیند، خواه برگشتنش از داخل حرم یا از خارج آن باشد، پس اگر چنین کاری کرد، عملش بدون اشکال صحیح خواهد بود.
۸۱	دوم: آن که مکلف در حرم باشد و نتواند به برگردد، در این صورت لازم است از جای خود احرام ببیند.
۸۱	سوم: آن که در حرم باشد و نتواند به میقات یا بیرون حرم برود، هر چند به جهت بیم فوت حج باشد، و در این صورت لازم است از جای خود احرام ببیند.
۸۱	چهارم: آن که خارج حرم باشد و نتواند به میقات برگردد، در این صورت لازم است از جای خود احرام ببیند.
۸۱	مسأله ۱۶۹
۸۱	اشاره
۸۱	اول: آن که بتواند به میقات برگردد، که در این صورت واجب است به میقات برگشته و از همانجا احرام ببیند.
۸۱	دوم: آن که در حرم باشد و برگشتن به میقات غیر ممکن و به خارج حرم ممکن باشد، که در این صورت لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود، و اولی در این صورت این است که هر چه بتواند از حرم دور شود و احرام ببیند.
۸۱	سوم: آن که در حرم باشد و برگشتن به خارج حرم برایش ممکن نباشد، که در این صورت لازم است از جای خود احرام ببیند، هر چند وارد مکه شده باشد.
۸۱	چهارم: آن که در خارج حرم باشد و نتواند به میقات برگردد، که در این صورت لازم است از جای خود محرم شود، و در تمام این چند صورت حکم به صحت عمل مکلف می شود، اگر وظایفی را که گفته شد انجام بدمد.
۸۱	مسأله ۱۷۰
۸۲	مسأله ۱۷۱
۸۲	مسأله ۱۷۲
۸۲	مسأله ۱۷۳
۸۴	مسأله ۱۷۴
۸۴	مسأله ۱۷۵
۸۴	مسأله ۱۷۶
۸۴	کیفیت احرام
۸۴	اشاره

۸۴	اول: نیت
۸۴	اشاره
۸۵	مسأله ۱۷۷
۸۵	مسأله ۱۷۸
۸۵	دوم: تلبیه
۸۵	اشاره
۸۶	مسأله ۱۷۹
۸۶	مسأله ۱۸۰
۸۶	مسأله ۱۸۱
۸۶	مسأله ۱۸۲
۸۷	مسأله ۱۸۳
۸۷	مسأله ۱۸۴
۸۷	مسأله ۱۸۵
۸۷	مسأله ۱۸۶
۸۷	مسأله ۱۸۷
۸۸	سوم: پوشیدن دو جامهء احرام
۸۸	اشاره
۸۸	مسأله ۱۸۸
۸۸	مسأله ۱۸۹
۸۸	مسأله ۱۹۰
۸۸	مسأله ۱۹۱
۸۸	مسأله ۱۹۲
۸۹	مسأله ۱۹۳
۸۹	مسأله ۱۹۴
۸۹	مسأله ۱۹۵
۸۹	مسأله ۱۹۶
۸۹	مسأله ۱۹۷
۸۹	مسأله ۱۹۸
۸۹	تروک احرام
۸۹	اشاره
۹۱	۱ - شکار حیوان صحرايي
۹۱	مسأله ۱۹۹
۹۱	مسأله ۲۰۰
۹۲	مسأله ۲۰۱
۹۲	مسأله ۲۰۲
۹۲	مسأله ۲۰۳
۹۲	مسأله ۲۰۴
۹۲	مسأله ۲۰۵
۹۲	مسأله ۲۰۶
۹۳	کفارات شکار
۹۳	اشاره

۹۳	مسأله ۲۰۷
۹۳	مسأله ۲۰۸
۹۳	مسأله ۲۰۹
۹۳	مسأله ۲۱۰
۹۴	مسأله ۲۱۱
۹۴	مسأله ۲۱۲
۹۴	مسأله ۲۱۳
۹۴	مسأله ۲۱۴
۹۴	مسأله ۲۱۵
۹۴	مسأله ۲۱۶
۹۵	مسأله ۲۱۷
۹۵	مسأله ۲۱۸
۹۵	۲ - نزدیکی با زنان
۹۵	مسأله ۲۱۹
۹۵	مسأله ۲۲۰
۹۶	مسأله ۲۲۱
۹۷	مسأله ۲۲۲
۹۷	مسأله ۲۲۳
۹۷	مسأله ۲۲۴
۹۷	مسأله ۲۲۵
۹۸	۳ - بوسیدن زن
۹۸	مسأله ۲۲۶
۹۸	مسأله ۲۲۷
۹۸	۴ - لمس زن
۹۸	مسأله ۲۲۸
۹۸	۵ - نگاه کردن به زن وملاحظه با او
۹۸	مسأله ۲۲۹
۹۸	مسأله ۲۳۰
۹۹	مسأله ۲۳۱
۹۹	۶ - استمناء
۹۹	مسأله ۲۳۲
۹۹	۷ - عقد نکاح
۹۹	مسأله ۲۳۳
۹۹	مسأله ۲۳۴
۱۰۰	مسأله ۲۳۵
۱۰۰	مسأله ۲۳۶
۱۰۰	۸ - استعمال بوی خوش
۱۰۰	مسأله ۲۳۷
۱۰۰	مسأله ۲۳۸
۱۰۰	مسأله ۲۳۹
۱۰۱	مسأله ۲۴۰

- مسأله ۲۴۱ ۱۰۱
- ۹ - پوشیدن لباس دوخته بر مردان ۱۰۱
- مسأله ۲۴۲ ۱۰۱
- مسأله ۲۴۳ ۱۰۱
- مسأله ۲۴۴ ۱۰۱
- مسأله ۲۴۵ ۱۰۱
- ۱۰ - سر به کشیدن ۱۰۲
- مسأله ۲۴۶ ۱۰۲
- ۱۱ - نگاه کردن در آینه ۱۰۲
- مسأله ۲۴۷ ۱۰۲
- ۱۲ - پوشیدن چکمه و جوراب ۱۰۲
- مسأله ۲۴۸ ۱۰۲
- ۱۳ - دروغ و دشنام ۱۰۳
- مسأله ۲۴۹ ۱۰۳
- اول: آن که بری اثبات فضیلت و برتری برای خود باشد که توهین دیگری را دربر داشته باشد. این عمل فی نفسه حرام است. ۱۰۳
- ۱۴ - جدال نمودن ۱۰۳
- مسأله ۲۵۰ ۱۰۳
- مسأله ۲۵۱ ۱۰۳
- اشاره ۱۰۳
- اول: آن که ضرورتی مانند اثبات حق یا از بین بردن باطلی اقتضای قسم خوردن کند، که در این صورت قسم خوردن حتی به دو کلمه مذکور عیبی ۱۰۳
- دوم: آن که مراد قسم خوردن نباشد بلکه قصدش اظهار محبت یا تعظیم باشد، مثل اینکه بگوید تو را به خدا این کار را نکن و مانند آن. ۱۰۴
- مسأله ۲۵۲ ۱۰۴
- ۱۵ - کشتن جانور بدن ۱۰۴
- مسأله ۲۵۳ ۱۰۴
- ۱۶ - زینت نمودن ۱۰۴
- مسأله ۲۵۴ ۱۰۴
- مسأله ۲۵۵ ۱۰۴
- مسأله ۲۵۶ ۱۰۴
- ۱۷ - مالیدن روغن به بدن ۱۰۵
- مسأله ۲۵۷ ۱۰۵
- مسأله ۲۵۸ ۱۰۵
- ۱۸ - جدا نمودن مو از بدن ۱۰۵
- مسأله ۲۵۹ ۱۰۵
- اشاره ۱۰۵
- اول: آن که شیش بدن محرم زیاد شود و متأنی باشد از آن. ۱۰۵
- دوم: آن که ضرورت ایجاب کند که مو جدا شود، آن که بلندی مو وزیادی اش باعث سردرد یا ناراحتی دیگر شود. ۱۰۵
- سوم: آن که مو در پلک چشم روییده باشد که محرم را ناراحت کند. ۱۰۵
- مسأله ۲۶۰ ۱۰۵
- مسأله ۲۶۱ ۱۰۶
- ۱۹ - پوشاندن سر بر مردان ۱۰۶
- مسأله ۲۶۲ ۱۰۶

۱۰۶	مسأله ۲۶۳
۱۰۶	مسأله ۲۶۴
۱۰۶	مسأله ۲۶۵
۱۰۶	۲۰ - پوشانیدن رو بر زنان
۱۰۶	مسأله ۲۶۶
۱۰۷	مسأله ۲۶۷
۱۰۷	مسأله ۲۶۸
۱۰۷	۲۱ - زیر سایه رفتن مردان
۱۰۷	مسأله ۲۶۹
۱۰۷	مسأله ۲۷۰
۱۰۸	مسأله ۲۷۱
۱۰۸	مسأله ۲۷۲
۱۰۸	مسأله ۲۷۳
۱۰۸	۲۲ - بیرون آوردن خون از بدن
۱۰۸	مسأله ۲۷۴
۱۰۸	۲۳ - ناخن گرفتن
۱۰۸	مسأله ۲۷۵
۱۰۹	مسأله ۲۷۶
۱۰۹	مسأله ۲۷۷
۱۰۹	۲۴ - دندان کندن
۱۰۹	مسأله ۲۷۸
۱۰۹	۲۵ - برداشتن سلاح
۱۰۹	مسأله ۲۷۹
۱۰۹	مسأله ۲۸۰
۱۰۹	مسأله ۲۸۱
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	۱ - شکار در حرم
۱۱۰	مسأله ۲۸۲
۱۱۰	۲ - کندن درخت و گیاه حرم
۱۱۰	مسأله ۲۸۳
۱۱۱	مسأله ۲۸۴
۱۱۱	مسأله ۲۸۵
۱۱۱	جای کشتن کفارات
۱۱۱	مسأله ۲۷۶
۱۱۱	مسأله ۲۸۷
۱۱۱	طواف
۱۱۱	اشاره
۱۱۲	اول : نیت
۱۱۲	دوم: [طهارت از حدث]
۱۱۲	اشاره
۱۱۲	مسأله ۲۸۸

- مسأله ۲۸۹..... ۱۱۳
- مسأله ۲۹۰..... ۱۱۳
- مسأله ۲۹۱..... ۱۱۳
- مسأله ۲۹۲..... ۱۱۳
- اشاره..... ۱۱۳
- حیض شدن در عمره تمتع..... ۱۱۳
- مسأله ۲۹۳..... ۱۱۳
- اشاره..... ۱۱۳
- اول: آن که حیض هنگام احرام پیش از بستن احرام باشد، در این صورت حج تمتعش بدل به حج افراد شده و بر او واجب است در صورت تمکن بعد از فراغت از حج، عمره مفرده به جا آورد..... ۱۱۴
- دوم: آن که حیض بعد از بستن احرام..... ۱۱۴
- مسأله ۲۹۴..... ۱۱۴
- مسأله ۲۹۵..... ۱۱۵
- مسأله ۲۹۶..... ۱۱۵
- مسأله ۲۹۷..... ۱۱۵
- مسأله ۲۹۸..... ۱۱۵
- مسأله ۲۹۹..... ۱۱۵
- شرط سوم: [طهارت از خبث]..... ۱۱۶
- اشاره..... ۱۱۶
- مسأله ۳۰۰..... ۱۱۶
- مسأله ۳۰۱..... ۱۱۶
- مسأله ۳۰۲..... ۱۱۶
- مسأله ۳۰۳..... ۱۱۷
- شرط چهارم [مختون بودن مردان]..... ۱۱۷
- اشاره..... ۱۱۷
- مسأله ۳۰۴..... ۱۱۷
- مسأله ۳۰۵..... ۱۱۷
- شرط پنجم از شرط طواف، پوشاندن عورت است بنا بر احتیاط. وسائر بایستی میاج باشد. واحتیاط این است که ساتر دارای جمیع شرایط لباس نمازگزار باشد..... ۱۱۷
- واجبات طواف..... ۱۱۸
- هفت چیز در طواف معتبر و واجب است:..... ۱۱۸
- اول: آن که از حجر الاسود شروع شود،..... ۱۱۸
- دوم: آن که هر شوط ودوری به حجر الاسود ختم شود. ودر شوط آخر احتیاطاً قدری از حجر بگذرد وزیادی را مقدمه علمیه محسوب دارد..... ۱۱۸
- سوم: آن که کعبه (خانه خدا) در جمیع احوال طواف طرف چپ خود قراردهد. وچنان چه کعبه به جهت بوسیدن ارکان یا به جهت ازدحام رو به رو یا پشت سر یا طرف راست قرار گرفت، آن مقدار از..... ۱۱۸
- چهارم: آن که حجر اسماعیل را داخل مطاف قرار دهد، به این معنی که دور حجر اسماعیل بگردد وداخل حجر نرود..... ۱۱۸
- پنجم: آن که طواف کننده از بیرون دور خانه خدا دور بزند نه درون خانه خدا، ودور تا دور خانه خدا به طور شیب بنایی شده که به آن شاذرون می گویند که نبایستی طواف کننده روی آن راه برود..... ۱۱۸
- ششم: آن که هفت دور متوالی وی در بی دور..... ۱۱۸
- مسأله ۳۰۶..... ۱۱۹
- مسأله ۳۰۷..... ۱۱۹
- مسأله ۳۰۸..... ۱۱۹
- مسأله ۳۰۹..... ۱۱۹
- مسأله ۳۱۰..... ۱۱۹
- مسأله ۳۱۱..... ۱۲۰

- مسأله ۳۱۲ ۱۲۰
- مسأله ۳۱۳ ۱۲۰
- مسأله ۳۱۴ ۱۲۰
- نقص در طواف ۱۲۰
- مسأله ۳۱۵ ۱۲۰
- مسأله ۳۱۶ ۱۲۱
- زیادی در طواف ۱۲۱
- مسأله ۳۱۷ ۱۲۱
- اول: آن که طواف کننده مقدار زیادی را به قصد جزئیت طوافی که مشغول است یا طواف دیگری به جا نیاورده باشد، که در این صورت طوافش به این زیادی باطل نخواهد شد. ۱۲۱
- دوم: آن که هنگام شروع به طواف یا در اثنا چنین قصد کند که زیادی، جزء طوافش باشد، یعنی بنا داشته باشد که طواف را هشت شوط یا بیشتر نماید. ۱۲۱
- سوم: آن که زیادی را پس از فراغت از طواف، به قصد جزئیت آن به جا آورد، که در این صورت نیز اظهار بطلان طواف است. ۱۲۱
- چهارم: آن که زیادی را به قصد جزئیت طواف دیگری به جا آورد و طواف دوم را تمام کند، که در این صورت گرچه در طواف زیادی نداشته، ولی احوط بلکه اظهار بطلان طواف اول است به جهت آن که دو طواف واجب را پشت سر هم آورده. ۱۲۱
- پنجم: آن که قصد جزئیت زیادی را برای طواف دیگر بنماید و اتفاقاً نتواند طواف دیگر را به آخر برساند، در این صورت نه زیادی هست و نه قرآن، ولی گاهی طواف در این صورت به جهت عدم تحقق قصد قربت باطل می شود، و آن در صورتی است که ۱۲۱
- مسأله ۳۱۸ ۱۲۲
- شک در عدد اشواط ۱۲۲
- مسأله ۳۱۹ ۱۲۲
- مسأله ۳۲۰ ۱۲۲
- مسأله ۳۲۱ ۱۲۲
- مسأله ۳۲۲ ۱۲۲
- مسأله ۳۲۳ ۱۲۳
- مسأله ۳۲۴ ۱۲۳
- مسأله ۳۲۵ ۱۲۳
- مسأله ۳۲۶ ۱۲۳
- مسأله ۳۲۷ ۱۲۳
- مسأله ۳۲۸ ۱۲۴
- مسأله ۳۲۹ ۱۲۴
- مسأله ۳۳۰ ۱۲۴
- نماز طواف ۱۲۴
- اشاره ۱۲۴
- مسأله ۳۳۱ ۱۲۴
- مسأله ۳۳۲ ۱۲۵
- مسأله ۳۳۳ ۱۲۵
- مسأله ۳۳۴ ۱۲۵
- مسأله ۳۳۵ ۱۲۵
- مسأله ۳۳۶ ۱۲۵
- سعی ۱۲۶
- اشاره ۱۲۶
- مسأله ۳۳۷ ۱۲۶
- مسأله ۳۳۸ ۱۲۶
- مسأله ۳۳۹ ۱۲۶
- مسأله ۳۴۰ ۱۲۷

۱۲۷	مسأله ۳۴۱
۱۲۷	مسأله ۳۴۲
۱۲۷	مسأله ۳۴۳
۱۲۷	احکام سعی
۱۲۷	اشاره
۱۲۷	مسأله ۳۴۴
۱۲۸	مسأله ۳۴۵
۱۲۸	مسأله ۳۴۶
۱۲۸	مسأله ۳۴۷
۱۲۸	مسأله ۳۴۸
۱۲۸	مسأله ۳۴۹
۱۲۹	مسأله ۳۵۰
۱۲۹	شک در سعی
۱۲۹	مسأله ۳۵۱
۱۲۹	مسأله ۳۵۲
۱۲۹	مسأله ۳۵۳
۱۲۹	تفسیر
۱۲۹	اشاره
۱۳۰	مسأله ۳۵۴
۱۳۰	مسأله ۳۵۵
۱۳۰	مسأله ۳۵۶
۱۳۰	مسأله ۳۵۷
۱۳۰	مسأله ۳۵۸
۱۳۰	مسأله ۳۵۹
۱۳۱	مسأله ۳۶۰
۱۳۱	مسأله ۳۶۱
۱۳۱	واجبات حج
۱۳۱	۱ - احرام حج
۱۳۱	اشاره
۱۳۱	اول احرام است، و بهترین وقت آن روز ترویجه (هشتم ذی الحجه) است، و سه روز بیشتر از آن هم جایز است، خصوصاً برای پیرمردان و بیماران ..
۱۳۱	مسأله ۳۶۲
۱۳۱	مسأله ۳۶۳
۱۳۲	مسأله ۳۶۴
۱۳۲	مسأله ۳۶۵
۱۳۲	مسأله ۳۶۶
۱۳۲	مسأله ۳۶۷
۱۳۲	مسأله ۳۶۸
۱۳۳	۲ - وقوف در عرفات
۱۳۳	اشاره
۱۳۳	مسأله ۳۶۹
۱۳۳	مسأله ۳۷۰

.....	مسأله ۳۷۱	۱۳۳
.....	مسأله ۳۷۲	۱۳۳
.....	مسأله ۳۷۳	۱۳۳
.....	مسأله ۳۷۴	۱۳۴
.....	مسأله ۳۷۵	۱۳۴
.....	اشاره	۱۳۴
<p>اول: آن که احتمال برود که حکم او مطابق واقع است، که در این صورت پیروی از آن ها ووقوف با آن ها و ترتیب جمیع آثار ثبوت ماه که راجع به اعمال حج است واجب می شود، وبنابر اظهار همین مقدار در حج کافی است، وکسی که مخالفت تقیه نموده وبنگوید احتیاط در مخالفت آ</p> <p>دوم: آن که علم به خلاف فرض شود، که انسان بداند روزی که به حکم قاضی روز عرفه (نهم) است، واقعاً روز تروبه و هشتم باشد، که در این صورت ووقوف با آن ها کافی نخواهد بود، ودر این حال اگر مکلف تمکن از عمل به وظیفه را داشته باشد ولو به وقوف اضطراری در مزدلفه بدو</p>			
.....	۳ - وقوف در مزدلفه	۱۳۴
.....	اشاره	۱۳۵
.....	مسأله ۳۷۶	۱۳۵
.....	مسأله ۳۷۷	۱۳۵
.....	مسأله ۳۷۸	۱۳۵
.....	مسأله ۳۷۹	۱۳۵
.....	مسأله ۳۸۰	۱۳۵
.....	درک ووقوفین	۱۳۶
.....	اشاره	۱۳۶
<p>اول: آن که هیچ یک از وقفهای اختیاری اضطراری را درک نکند، که در این صورت حجش باطل، و لازم است با همان احرام حج، عمره مفرده به جا آورد، وواجب است در صورتی که استطاعتش</p> <p>دوم: آن که وقوف اختیاری عرفات و اضطراری مزدلفه را درک نماید.</p> <p>سوم: آن که وقوف اضطراری عرفات و اختیاری مزدلفه را درک نماید، که در این صورت حجش بی اشکال صحیح است.</p> <p>چهارم: آن که وقوف اضطراری هر یک از عرفات و مزدلفه را درک نماید، که اظهار در این صورت این است که حجش صحیح باشد، گرچه احوط در صورتی که شرایط وجوب حج باقی یا حج قبلاً بر ذمه اش مستقر شده باشد، در سال آینده حج به جا آورد.</p> <p>پنجم: آن که فقط وقوف اختیاری در مزدلفه را درک کند، که در این صورت نیز حجش صحیح است.</p> <p>ششم: آن که فقط وقوف اضطراری مزدلفه</p> <p>هفتم: آن که فقط وقوف اختیاری عرفات را درک نماید، که اظهار در این صورت باطل بودن حج و انقلاب آن به عمره مفرده است مگر آن که شب، وقوف در مزدلفه بنماید واز روی جهل به مسئله قبل از فجر از آن جا افزانه (کوچ) کند چنان چه قبلاً گذشت، ولی در صورت امکان با</p> <p>هشتم: آن که فقط وقوف اضطراری عرفات</p>			
.....	واجبات منی	۱۳۷
.....	۴ - رمی جمره عقیه	۱۳۷
.....	اشاره	۱۳۷
.....	مسأله ۳۸۱	۱۳۸
.....	مسأله ۳۸۲	۱۳۸
.....	مسأله ۳۸۳	۱۳۸
.....	مسأله ۳۸۴	۱۳۸
.....	مسأله ۳۸۵	۱۳۸
.....	۵ - ذبح و نحر در منی	۱۳۹
.....	اشاره	۱۳۹
.....	مسأله ۳۸۶	۱۳۹
.....	مسأله ۳۸۷	۱۳۹
.....	مسأله ۳۸۸	۱۳۹
.....	مسأله ۳۸۹	۱۴۰
.....	مسأله ۳۹۰	۱۴۰
.....	مسأله ۳۹۱	۱۴۰

۱۴۰	مسأله ۳۹۲
۱۴۱	مسأله ۳۹۳
۱۴۱	مسأله ۳۹۴
۱۴۱	مسأله ۳۹۵
۱۴۱	مسأله ۳۹۶
۱۴۱	مسأله ۳۹۷
۱۴۱	مسأله ۳۹۸
۱۴۲	مسأله ۳۹۹
۱۴۲	مسأله ۴۰۰
۱۴۲	مسأله ۴۰۱
۱۴۲	مسأله ۴۰۲
۱۴۲	مسأله ۴۰۳
۱۴۲	مصرف قربانی
۱۴۳	مسأله ۴۰۴
۱۴۳	مسأله ۴۰۵
۱۴۳	مسأله ۴۰۶
۱۴۳	مسأله ۴۰۷
۱۴۳	۶- حلق یا تقصیر
۱۴۳	اشاره
۱۴۴	مسأله ۴۰۸
۱۴۴	مسأله ۴۰۹
۱۴۴	مسأله ۴۱۰
۱۴۴	مسأله ۴۱۱
۱۴۴	مسأله ۴۱۲
۱۴۵	مسأله ۴۱۳
۱۴۵	مسأله ۴۱۴
۱۴۵	۷- ۸- ۹- اطواف حج و نماز آن وسیعی
۱۴۵	اشاره
۱۴۵	مسأله ۴۱۵
۱۴۵	مسأله ۴۱۶
۱۴۵	مسأله ۴۱۷
۱۴۶	مسأله ۴۱۸
۱۴۶	مسأله ۴۱۹
۱۴۶	مسأله ۴۲۰
۱۴۶	مسأله ۴۲۱
۱۴۶	۱۰- ۱۱- طواف نساء و نماز آن
۱۴۶	اشاره
۱۴۶	مسأله ۴۲۲
۱۴۷	مسأله ۴۲۳
۱۴۷	مسأله ۴۲۴
۱۴۷	مسأله ۴۲۵

۱۴۷	مسأله ۴۲۶
۱۴۷	مسأله ۴۲۷
۱۴۸	مسأله ۴۲۸
۱۴۸	مسأله ۴۲۹
۱۴۸	مسأله ۴۳۰
۱۴۸	۱۲ - بیوتنه در منی - اشاره
۱۴۸	اشاره
۱۴۸	مسأله ۴۳۱
۱۴۹	مسأله ۴۳۲
۱۴۹	مسأله ۴۳۳
۱۴۹	مسأله ۴۳۴
۱۴۹	مسأله ۴۳۵
۱۵۰	۱۳ - رمی جمرات - اشاره
۱۵۰	اشاره
۱۵۰	مسأله ۴۳۶
۱۵۰	مسأله ۴۳۷
۱۵۰	مسأله ۴۳۸
۱۵۰	مسأله ۴۳۹
۱۵۱	مسأله ۴۴۰
۱۵۱	مسأله ۴۴۱
۱۵۱	مسأله ۴۴۲
۱۵۱	احکام مصدود
۱۵۱	مسأله ۴۴۳
۱۵۱	مسأله ۴۴۴
۱۵۲	مسأله ۴۴۵
۱۵۲	مسأله ۴۴۶
۱۵۲	مسأله ۴۴۷
۱۵۲	مسأله ۴۴۸
۱۵۲	مسأله ۴۴۹
۱۵۳	مسأله ۴۵۰
۱۵۳	مسأله ۴۵۱
۱۵۴	مسأله ۴۵۲
۱۵۴	مسأله ۴۵۳
۱۵۴	مسأله ۴۵۴
۱۵۴	مسأله ۴۵۵
۱۵۵	مسأله ۴۵۶
۱۵۵	مسأله ۴۵۷
۱۵۵	مسأله ۴۵۸
۱۵۵	مسأله ۴۵۹
۱۵۵	آداب ومستحبات حج - اشاره
۱۵۵	اشاره

۱۵۶	مستحیات سفر
۱۵۶	مستحیات احرام
۱۵۹	مکروهات احرام
۱۶۰	مستحیات دخول حرم
۱۶۰	مستحیات دخول مکه، معظمه
۱۶۰	آداب مسجد الحرام
۱۶۴	آداب و مستحیات طواف
۱۶۶	مستحیات نماز طواف
۱۶۶	مستحیات سعی
۱۷۰	مستحیات احرام تا وقوف به عرفات
۱۷۱	مستحیات وقوف به عرفات
۱۷۵	مستحیات وقوف به مزدلفه
۱۷۷	مستحیات رمی جمرات
۱۷۸	مستحیات هُذی
۱۷۹	مستحیات حلق
۱۷۹	مستحیات طواف حج و نماز آن وسیعی
۱۸۱	مستحیات دیگر مکه، معظمه
۱۸۳	طواف وداع
۱۸۴	زیارت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)
۱۸۴	زیارت حضرت صدیقه (علیها السلام)
۱۸۵	دعاء امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه
۲۲۱	درباره مرکز

مناسک حج آیت الله سید ابوالقاسم خوئی

مشخصات کتاب

سرشناسه: خوئی، ابوالقاسم، ۱۳۷۱ - ۱۲۷۸

عنوان و نام پدیدآور: مناسک حج / فتاوی ابوالقاسم موسوی خوئی

مشخصات نشر: قم: مدینه العلم، ۱۴۱۲ق. = ۱۳۷۰.

مشخصات ظاهری: ۴۱۱ ص. نمونه

شابک: بها:رایگان

موضوع: حج

رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۸/خ م۹ ۸ ۱۳۷۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۱-۱۷۲۱

برگرفته از:

<http://alkhoei.net/arabic/khlib/viewbook/fullbook/viewbook.php?bid=۱۳۱>

فهرست

پیش در آمد

مقدمه

وجوب حج

شرایط وجوب حج

بلوغ.

عقل

ستطاعت

امنیت و سلامتی

زاد و راحله

رجوع به کفایت

حج با مال غصبی

حج زن و زوجه

کفایت نایب گرفتن از میقات

وصیت به حج

احکام نیابت

حج مستحبی

اقسام عمره

اقسام حج

حج تمتع

اعمال عمرهء تمتع

اعمال حج تمتع

شرایط حج تمتع

حج افراد

حج قرآن

میقات های احرام

۱ - مسجد شجره

۲ - وادی عتیق

۳ - جحفه

۴ - یلملم

۷ - منزل خود شخص

۹ - محاذات مسجد شجره

۱۰ - آذنی الحل

کیفیت احرام

نیت، ی

تلبیه

پوشیدن دو جامهء احرام

تروک احرام

شکار حیوان صحرائی

کفّارات شکار

نزدیکی با زنان

بوسیدن زن

لمس زن

استمناء

عقد نکاح

استعمال بوی خوش

پوشیدن لباس دوخته بر مردان

سرمه کشیدن

نگاه کردن در آینه

پوشیدن چکمه و جوراب

دروغ و دشنام

جدال نمودن

کشتن جانور بدن

زینت نمودن

مالیدن روغن به بدن

جدا نمودن مو از بدن

پوشانیدن سر بر مردان

پوشانیدن رو بر زنان

زیر سایه رفتن مردان

بیرون آوردن خون از بدن

دندان کندن

۱ - شکار در حرم

۲ - کندن درخت و گیاه حرم

جای کشتن کفارات

طواف

: نیت

حیض شدن در عمره تمتع

حیض هنگام احرام

از شرایط طواف، طهارت

واجبات طواف

نقص در طواف

زیادی در طواف

شک در عدد

اشواط

نماز طواف

سعی

سعی یعنی چه؟

احکام سعی

شک در سعی

تقصیر

واجبات حج

۱ - احرام حج

۲ - وقوف در عرفات

۳ - وقوف در مزدلفه

درک و قوفین

واجبات منی

۲ - ذبح ونحر در منی

مصرف قربانی

۳ - حلق یا تقصیر

طواف حج و نماز آن و سعی

طواف نساء و نماز آن

بیتوته در منی

رمی جمرات

احکام م‌صدود

احکام محصور

آداب و مستحبات حج

مستحبات سفر

مستحبات احرام

مکروهات احرام

مستحبات دخول حرم

مستحبات دخول مکة معظمه

آداب مسجد الحرام

آداب و مستحبات طواف

مستحبات نماز طواف

مستحبات سعی

مستحبات احرام تا وقوف به عرفات

مستحبات وقوف به عرفات

مستحبات وقوف به مزدلفه

مستحبات رمی جمرات

مستحبات هدی

مستحبات حلق

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

مستحبات منی

مستحبات دیگر مکّه معظمه

طواف وداع

زیارت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بعد از حج

زیارت حضرت صدیقه (علیها السلام)

زیارت جامعه

دعاء امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه

دعاء امام زین العابدین (علیه السلام) در روز عرفه

****مناسک حج (فارسی): ۱

****مناسک حج (فارسی): ۲

****مناسک حج (فارسی): ۳

پیش در آمد

(بسم الله الرحمن الرحيم)

مسائلی که در این جزوه درج شده مطابق نظر این جانب است و عمل به آن مجزی است انشاء الله تعالی.

محرم الحرام سنه ۱۳۹۶ هـ -

ابوالقاسم الموسوی الخوئی (رحمه الله علیه)

****مناسک حج (فارسی): ۴

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

****مناسک حج (فارسی): ۵

مقدمه

(بسم الله الرحمن الرحيم)

(الحمد لله رب العالمين وَ صَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَ أَفْضَلِ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ عَرْتَهُ الطَّاهِرِينَ. وَ اللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

(

و بعد، این رساله ای است در مناسک حج که اغلب مسائل مورد ابتلا را دربر دارد و رساله منظم و مرتبی است که فهمیدن و مراجعه به آن آسان، و مستحبات را از واجبات جدا نموده ایم تا سبب اشتباه مؤمنان نگردد. و امیدواریم خداوند متعال این عمل را ذخیره آخرت ما قرار دهد.

*****مناسک حج (فارسی): ۶

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

*****مناسک حج (فارسی): ۷

وجوب حج

اشاره

بر هر مکلفی که دارای شرایط ذیل باشد، حج واجب است و وجوبش از کتاب و سنّت قطعی، ثابت شده. و حج یکی از ارکان دین و وجوبش از ضروریات است و ترک آن با اعتراف به ثبوتش از گناهان بزرگ است، همچنان که انکار اصل فریضه در صورتی که مستند به شبهه نباشد کفر است. خداوند متعال در کتاب مجید خود فرموده { : [وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ] ی } عنی خداوند متعال حج بیت را بر کسانی که مستطیع و متمکن از رفتن به سوی او هستند، واجب فرموده و هر کس از این واجب رو

*****مناسک حج (فارسی): ۸

گردانده و منکر آن شود، (به خود ضرر زده است) و خداوند از تمام موجودات بی نیاز است.

و شیخ کلینی (علیه الرحمه) به طریق معتبر از حضرت صادق (سلام الله علیه) روایت نموده که حضرت فرمود: هر کس از دنیا برود و حجه الاسلام را بجا نیاورده باشد، بدون اینکه محتاج یا بیمار شده باشد که از آن باز ماند یا آن که حکومت از رفتنش جلوگیری

کرده باشد، چنین کس در حال مردن یهودی یا نصرانی خواهد بود.

این آی کریمه و این حدیث شریف در اهمیت حج و وجوبش کافی است و روایات بسیاری در این دو موضوع وارد شده که این مختصر گنجایش آنها را ندارد و از جهت اختصار به همین قدر اکتفا شد.

بدان که حج واجب بر مکلف در اصل شریعت، یک مرتبه در تمام عمر است و آن را حجت

*****مناسک حج (فارسی): ۹

الاسلام می نامند.

مسئله ۱

وجوب حج پس از تحقق شرایطش فوری است و باید در سال استطاعت انجام شود، و اگر کسی از روی نافرمانی و عصیان یا به جهت عذری آن را ترک کرد در سال آینده و همچنین سالهای بعد واجب خواهد شد. و بعید نیست که تأخیر آن بدون عذر از گناهان کبیره باشد.

مسئله ۲

هرگاه استطاعت حاصل شد و به جا آوردن حج متوقف بر مقدمات و تهیه و سائلی بود، باید فوراً به تحصیل آن پرداخته و خود را آماده و مهیا نماید، و هرگاه قافله های متعددی باشد که یکی پس از دیگری حرکت می کنند، پس مکلف اگر اطمینان دارد با اولین قافله اگر حرکت ننماید، می تواند با قافله بعدی به حج برسد تأخیر جایز است، والا باید در اولین فرصت حرکت کند.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۰

مسئله ۳

هرگاه متمکن از رفتن با اولین کاروان و قافله بود و نرفت به اعتماد اینکه با تأخیر نیز حتماً ترک خواهد کرد، ولی اتفاقاً با قافله بعدی نتوانست برود یا آن که به علت تأخیر، حج را درک نمود حج بر ذمه اش واجب و مستقر خواهد بود، هر چند در تأخیر معذور باشد.

شرایط وجوب حج

شرط اول: بلوغ.

اشاره

پس بر غیر بالغ اگرچه نزدیک به بلوغ باشد حج واجب نیست. وچنان چه بچه ای حج کند جای حجه‌الاسلام را نمی گیرد، هر چند حجش صحیح می باشد بنا بر اظهر.

مسئله ۴

هر گاه نابالغ به حج رود و قبل از

*****مناسک حج (فارسی): ۱۱

احرام از میقات بالغ شود و مستطیع باشد، حجش بی اشکال حجه‌الاسلام خواهد بود. وچنان چه بعد از بستن احرام بالغ شود جائز نیست حجش را به عنوان استحباب تمام نماید یا عدول به حجه‌الاسلام کند، بلکه واجب است به یکی از میقاتها رفته و از آن جا برای حجه‌الاسلام احرام ببندد. و هر گاه متمکن از رفتن به میقات نباشد جای احرام بستن چنین شخصی تفصیلی دارد که بعداً بیان خواهد شد ان شاء الله.

مسئله ۵

هر گاه به عقید اینکه هنوز بالغ نشده حج استحبابی به جا آورد و بعد از ادای حج معلوم شد که بالغ بوده، این حج کافی از حجه‌الاسلام می باشد.

مسئله ۶

طفل ممیز مستحب است حج نماید. و در صحت آن اذن ولی معتبر نیست.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۲

مسئله ۷

مستحب است ولی طفل ممیز (خواه پسر خواه دختر باشد) او را محرم نماید، به این معنی که جامه های احرام را به او پوشانده و او را وادار به تلبیه گفتن نماید و تلبیه را به او تلقین کند، اگر قابل تلقین باشد، به این معنی که بتواند هر چه به او بگویند بگوید، والا- خود به جای او تلبیه بگوید، و باز دارد او را از آنچه بر محرم لازم است از او اجتناب نماید. و جایز است کندن رخت او را تا رسیدن به «فخ» تأخیر بیندازد، اگر راهش از آن طرف باشد، و او را وادارد که آنچه از اعمال حج را می تواند به جا آورد، و آنچه نمی تواند خود به نیابت او به جا آورد، و او را دور خانه خدا طواف داده بین صفا و مروه سعی دهد و در عرفات و مشعر نیز وقوفش دهد و وادار کند رمی را شخصاً انجام دهد اگر بتواند، والا خود به جای او رمی کند. و همچنین نماز طواف و تراشیدن سر و بقیه

*****مناسک حج (فارسی): ۱۳

مسئله ۸

نفته (هزینه) حج بچه، آنچه مازاد بر نفقه عادی است بر ولی است نه بر خودش. بلی اگر حفظ بچه متوقف بر همراه بردن اوست به سفر، یا سفر مصلحت او باشد، جایز است از مال خودش خرجش کنند.

مسئله ۹

پول قربانی بچه بر ولی اوست، و همچنین کفاره شکار. و اما کفاراتی که با به جا آوردن عمدی موجباتشان واجب می شوند، ظاهر این است که به بچه واجب نمی شود، نه بر ولی و نه در مال بچه.

شرط دوم: عقل

است. بر دیوانه هر چند آذواری باشد، حج واجب نیست. بلی اگر در ماههای حج، دیوانه عاقل شد و مستطیع بود و تمکن از به جا آوردن اعمال حج داشت بر او واجب می شود، هر چند در اوقات دیگر دیوانه باشد.

****مناسک حج (فارسی): ۱۴

شرط سوم: آزادی است. پس بر مملوک (غلام زر خرید) هر چند مستطیع و مأذون از قبل مولای خود باشد، حج واجب نیست. و هر گاه به اذن مولای خود حج نماید حجتش صحیح است، ولی کفایت از حجه الاسلام نمی کند و بعد از آزادی چنان چه دارای شرایط باشد باید دوباره حج نماید.

مسئله ۱۰

مملوکی که به اذن مولای خود حج نمود هر گاه در حج کاری را که موجب کفاره باشد انجام دهد، کفاره آن بر مولایش خواهد بود در غیر شکار، و در شکار بر خودش.

مسئله ۱۱

هر گاه مملوک به اذن مولای خود حج نموده و قبل از رفتن به مشعر آزاد شد، حجتش کفایت از حجه الاسلام می کند. بلکه ظاهر این است که وقوف به عرفات در حال آزادی نیز کفایت می کند هر چند مشعر را درک نکرده باشد. و در اجزاء آن

****مناسک حج (فارسی): ۱۵

استطاعت حین آزادی معتبر است. پس اگر هنگام آزاد شدن مستطیع نباشد، حجتش به جای حجه الاسلام شمرده نخواهد شد. و در حکم به اجزاء فرقی بین اقسام حج نیست و هر یک از حج قران یا افراد یا تمتع کفایت می کند، در صورتی که آنچه به جا آورده مطابق وظیفه واقعی اش بوده است.

مسأله ۱۲

هرگاه آزادی بنده قبل از مشعر باشد، در حج تمتع قربانی بر وی می باشد. واگر تمکن نداشت عوض قربانی به دستوری که بعداً گفته خواهد شد روزه بگیرد. وچنان چه قبل از مشعر آزاد نشده باشد مولایش مخیر است که عوض او قربانی یا او را وادار به روزه نماید.

[شرط چهارم: استطاعت]

اشاره

شرط چهارم: استطاعت است. ودر آن چند چیز معتبر است:

اول: سعه وقت

، به این معنی که وقت کافی

****مناسک حج (فارسی): ۱۶

برای رفتن به مکه و به جا آوردن اعمال واجب در آن جا باشد. بنابراین اگر به دست آمدن مال وقتی باشد که برای این اعمال کافی نباشد، یا کافی باشد ولی با مشقت زیاد که عادهء تحمل نشود، واجب نخواهد بود ودر چنین صورت واجب است مال را تا سال بعد نگهداری نماید. پس اگر استطاعت باقی بود حج در سال بعد واجب خواهد بود والا واجب نیست.

دوم: امنیت و سلامتی

اشاره

، به این معنی که در رفتن و برگشتن و بودن در آنجا، خطری بر جان و مال و ناموسش نباشد، همچنان که مباشرت حج بر شخص مستطیعی که شخصاً نمی تواند به جهت پیری یا بیماری یا عذر دیگری به حج برود نیست، ولی نایب گرفتن بر او واجب است چنان که خواهد آمد.

مسأله ۱۳

اگر برای حج دو راه باشد یکی مأمون و بی خطر و دیگری غیر مأمون و با خطر

****مناسک حج (فارسی): ۱۷

و جوب حج ساقط نمی شود، بلکه واجب است از راه بی خطر برود هر چند دور باشد.

مسأله ۱۴

اگر در بلد خود مالی داشته باشد که به حج رفتن تلف شود، حج بر او واجب نخواهد بود و همچنین است اگر چیزی باشد که شرعاً مانع از رفتن به حج باشد، همچنان که اگر حج رفتن سبب ترک واجب اهمّ - از او شود، مانند نجات غریق یا نجات کسی از سوختن، یا آن که حجش متوقف بر این باشد که فعل حرامی انجام دهد که اجتناب از آن اهمّ از حج باشد که در تمام این صور حج واجب نیست.

مسأله ۱۵

هر گاه با اینکه حجش مستلزم ترک واجب اهم یا به جا آوردن فعل حرام باشد به حج رود، در این صورت هر چند از جهت ترک واجب یا فعل حرام معصیت کار می شود، ولی ظاهر این است

****مناسک حج (فارسی): ۱۸

که حجش مجزی از حجه الاسلام خواهد بود، البته اگر شرایط دیگر را دارا باشد. و فرقی نیست بین کسی که حج از سالها قبل بر ذمه اش مستقر بوده و کسی که حج در همان سال استطاعت بر او واجب شده.

مسأله ۱۶

هر گاه در راه حج دشمنی باشد که دفع او جز به پرداخت مال زیاد ممکن نباشد، پرداخت مال واجب نیست و وجوب حج ساقط خواهد شد.

مسأله ۱۷

هر گاه راه حج منحصر به دریا باشد، وجوب حج ساقط نخواهد شد مگر در صورت ترس از غرق یا بیماری. و چنان چه با ترس از این چیزها حج نمود بنا بر اظهر حجش صحیح خواهد بود.

شرط سوم : زاد و راحله

اشاره

است. و معنی زاد، داشتن توشه راه است که آنچه در سفر محتاج است

****مناسک حج (فارسی): ۱۹

داشته باشد یا پولی داشته باشد که توشه خود را تهیه نماید. و معنی راحله، داشتن وسیله سواری که بدان وسیله برود و برگردد. و لازم است زاد و راحله لایق به حال شخص باشد.

مسأله ۱۸

داشتن راحله یا وسیله سواری مختص به صورت احتیاج نیست، بلکه مطلقاً شرط است هرچند محتاجش نباشد، مانند اینکه بدون مشقت قدرت پیاده روی داشته باشد، و پیاده روی هم منافی شرف و آبرویش نباشد.

مسأله ۱۹

میزان و معیار در زاد و راحله، وجود فعلی آنهاست، و کسی که می تواند آنها را با کار و کاسبی تحصیل نماید حج واجب نیست. و فرقی در اشتراط راحله بین دور و نزدیک نیست.

مسأله ۲۰

استطاعتی که در وجوب حج معتبر است استطاعت از جایی است که در اوست نه

****مناسک حج (فارسی): ۲۰

از بلد و وطنش. پس هرگاه مکلف مثلاً برای تجارت یا غیر آن به مدینه منوره یا جده رفت و در آن جا دارای زاد و راحله یا قیمت آنها باشد که بتواند با آن حج نماید حج بر او واجب خواهد بود، هرچند اگر در بلد خود می بود مستطیع نمی شد.

مسأله ۲۱

اگر مکلف ملکی داشته باشد، و به قیمت خودش فروش نرود و چنان چه بخواهد حج نماید باید به کمتر از قیمت بفروشد که باعث ضرر کلی شود، فروشش واجب نیست. و اما اگر هزینه و مخارج بالا برود و مثلاً کرایه ماشین در سال استطاعت گرانتر از سال بعد باشد، تأخیر جایز نیست و باید همان سال برود.

مسأله ۲۲

داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود داشته باشد. اما اگر نخواسته باشد برگردد یا خواسته

****مناسک حج (فارسی): ۲۱

باشد در جای دیگر غیر از وطن خود ساکن شود، باید هزینه رفتن به آن جا را داشته باشد و دارا بودن هزینه بازگشت به وطن لازم نیست. بلی اگر جایی که می خواهد در آن جا بماند دورتر از وطنش باشد که هزینه رفتن به آن جا بیشتر از هزینه بازگشت به وطن باشد، در این صورت داشتن هزینه تا آن جا شرط نیست، بلکه داشتن هزینه بازگشت به وطن در وجوب حج کافی است.

اشاره

است. یعنی مکلف بایستی طوری باشد که پس از برگشتن از حج، بتواند خود و عائله خود را اداره نماید و دچار تهیدستی و فقر نگردد. پس اگر دارای مبلغی است که وسیله کسب و سرمایه است که چنان چه آن مبلغ را صرف حج نماید، پس از بازگشت محتاج خواهد بود و بداند که راه دیگری برای زندگی مناسب

*****مناسک حج (فارسی): ۲۲

شأن خود نخواهد داشت بر چنین شخصی حج واجب نیست. پس از آنچه ذکر شد ظاهر می شود که فروختن چیزهای ضروری زندگی مانند منزل مناسب شأن و رختهایی که برای زینت و آبرو دارد، و اثاث منزل، و ابزار کار که برای زندگی به آنها احتیاج دارد و مانند آنها، مثل کتاب نسبت به اهل علم که برای تحصیلاتش لازم است، واجب نیست، و خلاصه آنچه در زندگی انسان مورد حاجت است و صرفش در راه حج سبب بیچارگی و مشقت شود، فروشش واجب نیست. بلی اگر آنها بیشتر از حاجتش باشند واجب است مازاد را برای هزینه حج بفروشد. بلکه کسی که دارای منزلی است که مثلاً

دویست هزار تومان می‌ارزد و می‌تواند آن را فروخته و منزل دیگری به کمتر خریداری نموده و بدون مشقت در آن زندگی کند و تفاوت دو قیمت وافی به هزینه حج و هزینه زندگی زن

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳

و بچه‌های وی باشد، لازم است این عمل را انجام داده و به حج برود.

مسئله ۲۳

هرگاه انسان مالی داشته که به جهت احتیاج به آن فروشش برای حج واجب نبوده، بعداً از آن مستغنی شده و دیگر حاجتی به آن ندارد، واجب است آن را فروخته و حج نماید، مثلاً خانمی که دارای زینت و زیوری بوده که محل حاجتش بوده، و فعلاً به علت بزرگی و پیری یا به علت دیگر مورد حاجتش نیست، واجب است آن را فروخته و قیمتش را در حج صرف نماید.

مسئله ۲۴

هرگاه انسان منزل ملکی داشته باشد و منزل دیگری نیز باشد که می‌تواند بدون ناراحتی و مشقت در آن بنشیند و سکنی نماید مانند منزل وقفی که منطبق بر او باشد، واجب است منزل خود را در صورتی که قیمتش کفاف هزینه حج را بدهد یا به

*****مناسک حج (فارسی): ۲۴

ضمیمه پولی که دارد وافی شود، فروخته و به حج برود، و این حکم نسبت به کتابهای علمی و سایر وسایل زندگی جاری است.

مسئله ۲۵

هرگاه کسی مقداری پول داشته باشد که کفاف هزینه حج را می‌دهد و خود احتیاج به ازدواج یا خرید منزل برای خود دارد یا محتاج به وسایل دیگری است، در صورتی که صرف آن پول در راه حج باعث ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود، حج بر او واجب نمی‌شود، و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می‌شود.

مسئله ۲۶

هرگاه انسان طلبی دارد که وقتش رسیده واجب است مطالبه کند و چنانچه بدهکار بد حساب و بد بده باشد، واجب است او را مجبور به پرداخت کند و اگر تحصیل آن متوقف بر مراجعه به دادگاه باشد لازم است مراجعه نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵

و همچنین است اگر مدت طلب سر نرسیده ولی چنانچه از بدهکار مطالبه شود خواهد پرداخت. و اما اگر بدهکار نادار یا بد

بده باشد و اجبارش غیر ممکن یا باعث ناراحتی و دردسر طلبکار شود، یا طلب هنوز مدت داشته باشد و بدهکار قبل از وقت نمی پردازد، در این چند صورت چنان چه بتواند طلب خود را به مبلغی که به تنهایی به ضمیمه مال دیگر وافی به مصارف حج باشد، بفروشد و در این کار ضرر و مشقتی به او متوجه نگردد، واجب است بفروشد و چنان چه موجب ضرر شود واجب نخواهد بود.

مسئله ۲۷

هر صاحب صنعتی مانند آهنگر و بنا و نجار و خیاط و مانند اینها از کسانی که کسبشان کفاف مخارج خود و عائله شان را می دهد، در صورتی که از بابت ارث یا غیر آن مالی به دست آورند که جوابگوی مخارج حج و زندگیشان باشد در موقع

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶

رفتن و برگشتن، حج بر آنها واجب می شود.

مسئله ۲۸

کسی که از وجوه شرعیه مانند خمس و زکاه و امثال اینها زندگی خود را اداره می کند و بر حسب عادت مخارجش بدون مشقت مضمون و حتمی باشد، در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج عیالش باشد، بعید نیست حج بر او واجب باشد. و همچنین است کسی که شخص دیگر در تمام مدت زندگی او، مخارجش را متکفل باشد. همچنین کسی که اگر آنچه دارد در راه حج صرف کند زندگی بعد از حجش با قبل از آن تفاوتی نکند.

مسئله ۲۹

در استطاعت ملکیت لازم و ثابت لازم نیست، بلکه ملکیت متزلزل نیز کافی است پس هرگاه با کسی مصالحه ای کند که طرف برای خود تا مدت معینی خیار گذاشته باشد و مال المصالحه به مقدار

*****مناسک حج (فارسی): ۲۷

مصارف حجش باشد، حج بر او واجب خواهد بود. و همچنین است در هبهء جائزه.

مسئله ۳۰

بر مستطیع لازم نیست که حتماً از مال خود به حج برود، پس هرگاه به گدایی یا با مال دیگری حج کند کافی است. بلی اگر جامه های احرام یا پول قربانی اش غصبی باشد کافی نخواهد بود.

مسئله ۳۱

تحصیل استطاعت به کسب یا غیر آن واجب نیست. پس هر گاه کسی مالی به انسان هبه کند که در صورت قبول آن مستطیع خواهد شد، قبولش لازم نیست، و همچنین است اگر کسی از او بخواهد که خود را برای خدمتی اجیر کند که با اجرتش مستطیع خواهد شد، هر چند آن خدمت هم لایق به حالش باشد. بلی اگر خود را اجیر خدمت در راه حج نمود و بدان مستطیع شد، حج بر او واجب

****مناسک حج (فارسی): ۲۸

خواهد شد.

مسأله ۳۲

اگر کسی خود را اجیر نیابت حج کند و با پول نیابت مستطیع شود، در صورتی که حج نیابی مقید به همان سال باشد حج نیابی را باید مقدم بدارد. پس چنان چه استطاعتش تا سال بعد باقی ماند، حج بر او واجب خواهد بود و چنان چه باقی نماند، واجب نخواهد بود، و اما اگر حج نیابی مقید به همان سال نباشد، حج خود را مقدم بدارد. مثال: زید به عمرو می گوید مبلغ بیست هزار تومان دارم که می خواهم برای پدر یا مادرم در حج نیابت بگیرم و عمرو حاضر می شود برای این عمل اجیر شود و فرض کنیم مصارف حج ده هزار تومان است که عمرو با این مبلغ می تواند دو مرتبه حج کند، در این صورت عمرو مستطیع خواهد شد. پس اگر زید حج را مقید به همان سال نمود عمرو همان سال را به نیابت

****مناسک حج (فارسی): ۲۹

پدر زید حج می نماید و چنان چه استطاعتش تا سال بعد باقی ماند، لازم است سال بعد برای خودش حج نماید و چنان چه باقی نماند، چیزی بر او واجب نخواهد بود. ولی اگر زید حج پدر خود را به همان سال مقید نکرد، عمرو

باید اول حج خود را به جای آورده و سال بعد به نیابت پدر زید حج نماید.

مسئله ۳۳

هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به مقدار مخارج حج باشد و قدرت پرداخت آن را بعد از آن داشته باشد، حج بر او واجب خواهد بود.

مسئله ۳۴

هرگاه انسان هزینه حج را داشته باشد، و بدهکار نیز باشد و صرف آن مقدار در راه حج منافی با پرداخت بدهیش نباشد حج بر او واجب خواهد بود. و در صورتی که آن پول را صرف حج کند نخواهد توانست بدهی خود را بپردازد، حج واجب

****مناسک حج (فارسی): ۳۰

نخواهد بود، و فرقی نیست بین اینکه بدهی وقتش رسیده باشد یا هنوز مدت داشته باشد، و بین اینکه بدهی قبل از بدست آوردن آن پول باشد یا بعد از آن.

مسئله ۳۵

هرگاه انسان خمس یا زکات بدهکار باشد، و مقداری پول داشته باشد که اگر خمس یا زکات را بدهد مابقی کفاف هزینه حج را نخواهد داد، واجب است خمس یا زکات را بدهد و حج بر او واجب نخواهد بود. و فرقی نیست بین آن که خمس و زکات در عین مالش باشد یا بر ذمه اش.

مسئله ۳۶

کسی که حج بر او واجب شده، و خمس یا زکات و یا حقوق واجب دیگر بدهکار است، لازم است آنها را بدهد، و تا آنها را نپردازد جایز نیست به حج برود. و هرگاه جامه های احرام یا پول و قربانی اش از مالی باشد که حق به او تعلق گرفته حجش صحیح نخواهد بود.

****مناسک حج (فارسی): ۳۱

مسئله ۳۷

هرگاه انسان مقداری پول داشته باشد، و نداند که کفاف مخارج حج را می دهد یا نه حج بر او واجب نیست، و لازم نیست فحص و تحقیق کند، هر چند فحص و تحقیق احوط است.

مسئله ۳۸

هرگاه انسان مالی دارد که در دسترسش نیست و به تنهایی یا با مالی که در دسترسش است کفاف مخارج حج را می دهد، اگر نتواند در آن مال هرچند با وکالت دادن در فروشش باشد تصرف کند، حج بر او واجب نخواهد بود، وچنان چه بتواند واجب خواهد بود.

مسئله ۳۹

هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد، حج بر او واجب می شود، و جایز نیست در آن مال تصرفی کند که از استطاعت خارج شود و نتواند تدارک کند. و این تصرف خواه پیش از تمکن از سفر باشد یا بعد از آن فرقی

****مناسک حج (فارسی): ۳۲

ندارد. بلکه ظاهر این است که قبل از ماههای حج تصرف جایز نیست. بلی اگر تصرف کرد و آن را فروخت و یا بخشید یا بنده ای بود و آزادش کرد، تصرفش صحیح است هرچند گناهکار خواهد بود.

مسئله ۴۰

ظاهر این است که مالک بودن زاد و راحله معتبر نیست. پس هرگاه نزد انسان مالی باشد که تصرفش در آن جایز باشد، حج بر او واجب می شود. البته در صورتی که کفاف مخارج حج را بدهد و شرایط دیگر را نیز دارا باشد.

مسئله ۴۱

همچنان که داشتن توشه و وسیله سواری و مخارج حج برای رفتن در اول لازم است، برای برگشتن و تا آخر نیز لازم است. یعنی باید انسان دارای آنها باشد چه هنگام رفتن و چه هنگامی که مشغول اعمال حج است و چه هنگام بازگشت به وطن. پس اگر مالی که داشت در بلد خودش یا در راه تلف

****مناسک حج (فارسی): ۳۳

شد، حج بر او واجب نخواهد بود و این امر کشف می کند از اینکه از اول استطاعت نداشته. و مانند این است هرگاه بدهی قهری پیدا کند. مثل اینکه از روی خطا مال کسی را تلف کند و اگر دارایی خود را صرف حج نماید، نتواند عوض او را به صاحبش بدهد. بلی تلف کردن عمدی و جوب حج را از بین نمی برد بلکه حج بر او مستقر خواهد بود و لازم است حج را هرچند به سختی و گدایی باشد به جا آورد. اینها که گفته شد فقط در مورد تلف زاد و راحله است. و اما تلف مالی که در بلد خود برای زندگی جا گذاشته، کاشف از این نیست که از اول مستطیع نبوده، بلکه در این صورت حجش کافی و بعد از آن حجی بر او نیست.

اگر انسان مالی داشته باشد که به مقدار مصارف حج باشد ولی عقیده اش این بوده

****مناسک حج (فارسی): ۳۴

که کافی نیست، یا غفلت داشته، یا غافل از وجوب حج بوده غفلتی که معذور بوده، حج بر او واجب نیست. واما اگر شك داشته یا غافل از وجوب حج باشد و منشأ غفلتش تقصیر بوده سپس دانسته یا یادش آمد بعد از آن که مالش تلف شده و متمکن از حج نشده، ظاهر این است که حج بر

ذمهء وی مستقر شده اگر دارای سایر شرایط بوده.

مسأله ۴۳

همچنان که استطاعت به داشتن زاد ورا حله محقق می شود، به بذل، یعنی کسی مصارف یا هزینهء حج را به انسان بدهد، نیز محقق می شود. و در بذل فرقی نیست بین آن که یک نفر تمام مخارج را بدهد یا چند نفر که هر کدام قسمتی را به عهده بگیرند. و چنان چه کسی را دعوت به حج نموده و ملتزم به زاد ورا حله و مخارج زندگی عائله وی شوند، حج بر او واجب می شود. و همچنین است اگر به او مالی

****مناسک حج (فارسی): ۳۵

داده شده که در حج صرف نماید و آن مال کفاف هزینهء حج و زندگی عائلهء وی را بدهد. و فرقی بین اباحه (در اختیار گذاشتن) و تملیک و دادن عین مال یا قیمت آن نیست. مثل اینکه شخصی ماشین خود را که مثلاً بیست هزار تومان ارزش دارد در اختیار انسان گذاشته یا می بخشد که آن را در راه حج صرف کند یا قیمت آن را به انسان به همین منظور می پردازد.

مسأله ۴۴

هر گاه شخصی برای شخصی مالی وصیت کند که با آن مال حج نماید، در صورتی که آن مال به مقدار هزینهء حج و خرج زندگی عائلهء وی باشد، پس از مردن موصی حج بر موصی له واجب می شود. و همچنین است اگر شخصی مالی را برای حج وقف یا نذر یا وصیت نماید، و متولی وقف یا ناظر یا وصی، آن مال را به انسان بذل نماید حج بر او واجب خواهد بود.

****مناسک حج (فارسی): ۳۶

مسأله ۴۵

رجوع به کفایت که معنای آن در شرط چهارم بیان شد، در استطاعت بذلی شرط نیست. بلی اگر انسان مالی از خود داشته باشد که کمتر از مصارف و هزینهء حج است و شخصی کمبود او را بذل نماید، واجب است قبول کند ولی در این صورت رجوع به کفایت شرط است. مثلاً انسان ده هزار تومان دارد و مصارف حج پانزده هزار تومان است و اگر خواسته باشد رجوع به کفایت کند باید بیست هزار تومان داشته باشد، در صورتی که باذل پنج هزار تومان به عنوان کمبود به او بدهد، چون رجوع به کفایت ندارد حج واجب نخواهد بود ولی اگر باذل دهد هزار تومان بدهد واجب می شود.

مسأله ۴۶

اگر شخصی مالی به انسان هبه نماید (ببخشد) که با آن به حج برود واجب است قبول کند. و اگر واهب (بخشنده) اختیار را به انسان

****مناسک حج (فارسی): ۳۷

بدهد و بگوید می خواهی با این مال حج برو و نمی خواهی نرو و یا مالی را ببخشد و نامی از حج نبرد، قبولش واجب نیست.

مسئله ۴۷

در مسأله (۳۴) گفته شد که بدهکاری در یک صورت مانع از استطاعت است. در این جا می گوئیم در استطاعت بذلی، دین و بدهکاری مانع نیست. بلی اگر وقت پرداخت بدهی سررسیده باشد و طلبکار هم مطالبه کند و بدهکار قدرت پرداخت بدهی خود را داشته باشد، اگر به حج نرود حج بر او واجب نخواهد شد.

مسئله ۴۸

هر گاه جماعتی مالی را در میان بگذارند که یکی از آنها به حج برود، چنان چه یکی سبقت و پیشدستی نموده و مال را برداشت و قبض نمود، تکلیف از دیگران ساقط می شود. و چنان چه همه ترک کردند و هر یک از آنها می توانست قبض کند حج

****مناسک حج (فارسی): ۳۸

بر همه واجب و مستقر می شود.

مسئله ۴۹

با بذل، جز حجی که وظیفهء مبذول له بوده در صورت استطاعت، واجب نمی شود. پس اگر وظیفهء مبذول له حج تمتع بوده و حج قران یا افراد (معنای این دو بعداً بیان خواهد شد) به او بذل شود، بر او واجب نیست قبول کند و بالعکس، یعنی کسی که وظیفه اش حج قران یا افراد است اگر حج تمتع به او بذل شود، قبولش واجب نیست. و همچنین است یعنی قبول واجب نیست بر کسی که حجهء الاسلام را به جا آورده باشد. و اما کسی که حجهء الاسلام بر ذمهء وی آمده یعنی مستطیع شده و حج نرفته تا اینکه بی پول و نادار شده و به او بذل شود، قبولش واجب است. و همچنین کسی که حج بر او به نذر یا شبه آن واجب شده و تمکن ندارد که این شخص نیز در صورت بذل باید قبول کند.

****مناسک حج (فارسی): ۳۹

مسئله ۵۰

هر گاه به کسی پولی بذل شود که با آن حج نماید و آن مال در بین راه تلف شود و وجوب حج از او ساقط می شود. بلی اگر متمکن از ادامهء سفر از مال خود باشد واجب است ادامه بدهد و حج را به جا آورد و این حج مجزی از حجهء الاسلام خواهد بود. چیزی که هست در این صورت وجوب حج مشروط به رجوع با کفایت است، به این معنی که اگر این شخص پول خود

را در راه حج صرف نماید پس از بازگشت در اداره زندگی خود و عائله در نخواهد ماند، ولی اگر بداند که در خواهد ماند ادامه سفر بر او واجب نخواهد بود.

مسئله ۵۱

در وجوب حج، بذل نقدی معتبر نیست یعنی لازم نیست بخشنده مال را نقد بدهد. بلکه اگر او را وکیل کند که از قبل او پولی قرض کرده و به حج برود که بعد خودش قرض را بپردازد

*****مناسک حج (فارسی): ۴۰

و قرض نمود، حج بر او واجب می شود.

مسئله ۵۲

ظاهر این است که پول قربانی نیز بر باذل یعنی دهنده است. پس اگر مصارف حج را داد و پول قربانی را نداد، حج بر گیرنده واجب نمی شود، مگر در صورتی که خود توانای خرید آن را از مال خود داشته باشد، بلی اگر پرداخت پول قربانی موجود ناراحتی مالی او شود، قبول بر او واجب نخواهد بود. و اما کفارات پس ظاهر این است که بر گیرنده واجب باشد نه بر دهنده.

مسئله ۵۳

حج بذلی یعنی حجی که انسان با پول دیگری که به او داده به جا آورد، کفایت از حجه الاسلام می کند، و اگر گیرنده پس از این حج، خودش مستطیع شد دیگر حجی بر او واجب نخواهد شد.

مسئله ۵۴

باذل (دهنده یا بخشنده) مال

*****مناسک حج (فارسی): ۴۱

می تواند از بدل خود رجوع کند قبل از آن که گیرنده داخل احرام شود یا بعد از آن. لکن اگر بعد از دخول در احرام رجوع کند، بر گیرنده واجب است حج را تا آخر به جا آورد اگر مستطیع باشد فعلاً و باذل ضامن است و آنچه او برای اتمام حج خرج نموده باید بدهد. و چنان چه باذل در بین راه از بدل خود رجوع نمود، باید هزینه بازگشت گیرنده را بدهند.

مسئله ۵۵

هر گاه به کسی از سهم سیل الله زکاه داده شود که در راه حج صرف نماید و در آن مصلحت عامه باشد، حج بر او واجب

است، ولی اگر از سهم سادات، خمس یا از سهم فقرا، زکات داده شود و شرط شود که در راه حج صرف نماید چنین شرطی صحیح نیست پس حج هم واجب نمی شود.

حج با مال غصبی

مسئله ۵۶

چنان چه به انسان مالی داده شود و با او حج نمود بعد معلوم شد که آن مال غصبی بوده،

*****مناسک حج (فارسی): ۴۲

این حج از مجزی از حجت الاسلام نخواهد بود و مالک آن مال، حق دارد به دهنده یا گیرنده رجوع نماید. لکن اگر به گیرنده رجوع کرد، گیرنده به دهنده رجوع می کند اگر غصب بودن را نمی دانسته و چنان چه می دانسته مال غصبی بوده و با آن به حج رفته، حق رجوع به دهنده ندارد.

مسئله ۵۷

اگر کسی برای خود بدون استطاعت یا به جای دیگری تبرعاً یا به اجاره حج نموده، حجش کفایت از حجه السلام نمی کند. در صورتی که مستطیع شود باید حج را به جا آورد.

مسئله ۵۸

چنان چه کسی به اعتقاد اینکه مستطیع نیست، به عنوان استحباب به حج رفت و قصد فرمانبرداری امر فعلی را نمود، بعداً معلوم شد مستطیع بوده حجش کفایت می کند و حج دیگری بر او واجب نیست.

*****مناسک حج (فارسی): ۴۳

حج زن و زوجه

مسئله ۵۹

در صورتی که زن مستطیع شود می تواند بدون اذن شوهر حج نماید و اذن او شرط نیست، همچنان که شوهر نمی تواند زن خود را از حج واجب منع نماید. بلی می تواند در صورتی که وقت وسعت دارد او را نگذارد با اولین قافله حرکت کند. وزنی که از شوهر خود طلاق گرفته و طلاقش رجعی است و عده او تمام نشده، مانند زن شوهردار است.

مسئله ۶۰

هنگامی که بانویی واجب الحج شد، همراه داشتن محرم با خود شرط نیست در صورتی که مأمون بر نفس خود باشد، و در

صورتی که مأمون نباشد و بر خود بترسد لازم است محرمی همراه خود داشته باشد هر چند به اجرت باشد، البته در صورتی که متمکن از اجرت دادن باشد، و آلاً - حج بر او واجب نخواهد بود.

نذر مزاحم حج

مسئله ۶۱

کسی که نذر کرده است هر ساله

****مناسک حج (فارسی): ۴۴

روز عرفه حضرت سید الشهداء را در کربلا زیارت کند مثلاً و بعد از این نذر مستطیع شود، نذرش منحل و حج بر او واجب می شود. و همچنین است هر نذری که مزاحم حج باشد.

کفایت نایب گرفتن از میقات

مسئله ۶۲

شخص مستطیع در صورتی که توانایی حج را داشته باشد باید شخصاً به حج برود، و چنان چه کسی خواسته باشد از قبل او تبرعاً یا با اجرت حج نماید، کفایت نمی کند.

مسئله ۶۳

کسی که حج بر ذمه وی مستقر شده و شخصاً نتوانسته به علت بیماری یا پیری یا مانعی دیگر، حج را به جا آورد یا حج نمودن برایش مشقت و حرج داشته و امید بهبودی و توانایی را بعد از آن ندارد، واجب است برای خود نایب بگیرد. و همچنین کسی که دارا و ثروتمند است و توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد یا دشوار و با مشقت است

****مناسک حج (فارسی): ۴۵

باید نایب بگیرد و وجوب نایب گرفتن مانند وجوب حج فوری است.

مسئله ۶۴

در صورتی که نایب به جای کسی که توانایی نداشت شخصاً به حج برود، حج نمود و منوب عنه در حالتی که عذرش باقی بود فوت نمود، حج نایب کفایت می کند هر چند حج بر ذمه وی مستقر بوده، و اما اگر اتفاقاً قبل از مردن عذر برطرف شد، پس احوط این است که شخصاً در صورت تمکن حج نماید. و چنان چه بعد از محرم شدن نایب عذرش برطرف شود، بر منوب عنه واجب است شخصاً حج نماید و بر نایب واجب نیست عمل حج را تمام نماید.

مسئله ۶۵

کسی که شخصاً از حج نمودن معذور است و تمکن نایب گرفتن هم ندارد، وجوب حج از او ساقط است، ولی واجب است بعد از فوتش قضا شود در صورتی که حج بر او مستقر بوده، و اگر

****مناسک حج (فارسی): ۴۶

مستقر نبوده واجب نیست. و چنان که متمکن از نایب گرفتن بوده و نایب نگرفت تا فوت نمود، واجب است از قبیل او قضایش به جا آورده شود.

مسئله ۶۶

اگر استنابت واجب شد، و نایب نگرفت، ولی شخصی تبرعاً از قبیل او حج به جا آورد، کفایت نمی کند، و نایب گرفتن بر خودش واجب است.

مسئله ۶۷

در نایب گرفتن کفایت می کند که از میقات نایب بگیرد و واجب نیست از بلد خود نایب بگیرد.

مسئله ۶۸

کسی که حج بر ذمه اش مستقر بوده، اگر بعد از احرام در حرم بمیرد کفایت از حجه الاسلام می کند، خواه حجش تمتع خواه قران خواه افراد باشد. و اگر فوتش در اثنای عمره تمتع بوده، کفایت از حجش نیز می نماید، و قضا از او واجب نیست. و اگر قبل از آن بمیرد قضا واجب می شود، هر

****مناسک حج (فارسی): ۴۷

چند فوتش بعد از احرام و قبل از دخول حرم یا بعد از دخول حرم بدون احرام باشد، و ظاهر این است که این حکم اختصاص به حجه الاسلام دارد، پس در حجه که به نذر یا افساد واجب شده جاری نمی شود، بلکه در عمره مفرده نیز جاری نمی شود. پس در هیچ یک از اینها حکم به اجزا نمی شود. و کسی که بعد از احرام در حرم بمیرد و حج از سالهای پیش بر ذمه اش مستقر نبوده بی اشکال حج وی کفایت از حجه الاسلام می کند، و اما اگر قبل از آن بمیرد ظاهر این است قضا از او واجب باشد.

مسئله ۶۹

هرگاه کافری که مستطیع بوده مسلمان شود حج بر او واجب می شود، ولی چنان چه پس از زوال استطاعت مسلمان شود، حج بر او واجب نخواهد بود.

مسئله ۷۰

حج بر مرتد (کسی که از دین

****مناسک حج (فارسی): ۴۸

اسلام برگشته) واجب می شود، ولی در حال ارتداد چنان چه حج نماید حجش صحیح نخواهد بود. و هرگاه توبه کرد و حج نمود حجش صحیح خواهد بود، اگرچه مرتد فطری باشد بنا بر اقوی.

مسئله ۷۱

مسلمان غیر شیعه چنان چه به حج رفته سپس شیعه شود اعاده حج بر او واجب نیست، در صورتی که حج را بر طبق مذهب خود صحیح بجا آورده باشد، اگر چه بر طبق مذهب شیعه صحیح نباشد.

مسئله ۷۲

هرگاه حج بر کسی واجب شد، و در به جا آوردنش اهمال و تأخیر کرد تا استطاعتش از بین رفت، واجب است حج را به هر ترتیبی شده به جا آورد حتی اگر به سختی و گدایی باشد البته به حد عسر و حرج نرسد. و چنان چه قبل از حج بمیرد واجب است از ترکه وی حج را قضا نمایند. و چنان چه کسی

****مناسک حج (فارسی): ۴۹

تبرعاً بدون اجرت به جای او حج نماید صحیح و کافی است.

وصیت به حج

مسئله ۷۳

کسی که حجه الاسلام بر ذمه اش می باشد هنگامی که مرگش نزدیک شود واجب است وصیت کند که حجش را به جا آورند. پس اگر مُرد حجش از اصل ترکه داده می شود اگرچه وصیت نکرده باشد. و همچنین است (یعنی حجش از اصل ترکه خارج می شود) در صورتی که وصیت نموده ولی مقید به ثلث خود نکرده است. و اگر وصیت نموده و مقید به ثلث هم نموده، پس اگر ثلثش (یک سوم دارایی اش) وافی به مخارج حج باشد، واجب است حج را از ثلث اخراج نمایند، و بر سایر چیزهایی که

****مناسک حج (فارسی): ۵۰

وصیت کرده مقدم است. و چنان چه ثلث به مقدار مصارف و هزینه حج نباشد، لازم است کمبود را از اصل ترکه تکمیل نمایند.

مسئله ۷۴

کسی که بمیرد و حجت الاسلام بر ذمه وی باشد و نزد شخصی و دیعه و امانتی داشته باشد، و این شخص احتمال بدهد که چنان چه آن و دیعه را به ورثه اش بر گرداند حج را بر جا نخواهد آورد، بر او واجب است خود از قبل او حج نماید و آن و دیعه را صرف در راه حج نماید و چنان چه چیزی زیاد آمد زیادی را به ورثه او بدهد. و فرقی نیست بین آن که خود شخص به جای او حج نماید یا دیگری را اجیر کند که به جای صاحب مال حج نماید. و ملحق به و دیعه است هر مالی که میت نزد دیگری داشته باشد، از قبیل عاریه یا اجاره یا غضب یا طلب و غیره اینها.

مسئله ۷۵

کسی که بمیرد و حجت الاسلام بر

کسی که بمیرد و حجت الاسلام بر

ذمه وی باشد و مقروض هم باشد و خمس و زکات نیز بر ذمه داشته باشد و ترکه او کفاف تمام اینها را ندهد، اگر مالی که خمس یا زکات به او تعلق گرفته موجود باشد، باید خمس و زکات را بپردازد. و چنان چه خمس و زکات به ذمه وی منتقل شده، حج بر آنها مقدم خواهد بود، همچنان که بر قرض و بدهی نیز مقدم است.

مسئله ۷۶

کسی که مرده و حجه الاسلام بر او بوده، و ورثه پیش از استیجار برای حج نمی توانند در ترکه تصرف کنند، خواه هزینه حج برابر ترکه باشد یا کمتر از آن، بنا بر احتیاط، بلی اگر ترکه خیلی زیاد باشد و ورثه ملتزم به ادای حج شوند، می توانند تصرف کنند. و همچنین است حال در قرض و بدهی.

مسئله ۷۷

کسی که فوت کرده و حجه الاسلام بر او هست و ترکه او به مقدار هزینه حج نیست، واجب است در صورتی که بدهی یا خمس

کسی که بمیرد و حجت الاسلام بر

و زکات دارد در آنها صرف شود، و چنان چه بدهکاری ندارد ترکه برای ورثه است و واجب نیست کمبود هزینه حج را از مال خود تکمیل نمایند.

مسئله ۷۸

چنانچه کسی فوت کند و حجه الاسلام بر ذمه وی باشد، واجب نیست از وطن و بلد وی نایب بگیرند، بلکه نایب گرفتن از

میقات کافی است. و نزدیک ترین میقات به مکه در صورت امکان یا هرچه نزدیکتر باشد کافی است. واحوط واولی این است که اگر مال گنجایش داشته باشد از وطن نایب گرفته شود، ولی اجرت بیشتر از میقات بر ورثه صغار واجب نیست.

مسئله ۷۹

کسی که بمیرد و حجه الاسلام بر ذمه وی باشد، واجب است در همان سال فوتش نایب بگیرند، و اگر در همان سال استیجار و نایب گرفتن از میقات ممکن نباشد، لازم است از بلد وی نایب بگیرند

*****مناسک حج (فارسی): ۵۳

و هزینه این نایب گرفتن از اصل ترکه است. و تأخیر انداختن تا سال بعد جایز نیست، هر چند معلوم باشد که نایب گرفتن از میقات در سال بعد ممکن است.

مسئله ۸۰

کسی که مرده و حجه الاسلام بر ذمه وی بوده و نایبی پیدا نشود مگر به بیشتر از مقدار معمول، واجب است به بیشتر نایب گرفته شود، و هزینه آن از اصل خارج می شود، و به علت صرفه جویی بر ورثه تأخیر تا سال بعد جایز نیست، هر چند در ورثه کودکان نابالغ باشد.

مسئله ۸۱

اگر کسی بمیرد و بعضی از ورثه وی اقرار کنند که حجه الاسلام بر متوفی بوده و دیگران یعنی سایر ورثه منکر آن باشند، بر اقرار کننده واجب است اجیر کند کسی را برای حج ولو به دفع تمام حصه خود باشد. نهایتش می تواند اقامه دعوی نماید بر منکرین و مطالبه نماید حصه خود را از

*****مناسک حج (فارسی): ۵۴

بقیه ترکه. و همچنین حکم جاری است در قرض که بعضی از ورثه اقرار به دین داشته باشند. و اگر حصه او کفایت از مصرف حج ننماید، واجب نیست از مال شخصی خود تکمیل نماید.

مسئله ۸۲

کسی که مرد و حجه الاسلام بر ذمه دارد، چنان چه شخصی تبرعاً به جای او حج نمود، بر ورثه واجب نیست برایش نایب بگیرند بلکه مقدار هزینه حج هم بازگشت به ورثه خواهد نمود. بلی اگر وصیت به حج از ثلث خود نماید و متبرعی حج را به جا آورد، در این صورت هزینه حج، بازگشت به ورثه نخواهد نمود، بلکه باید در خیرات صرف یا از قبل او صدقه داده شود.

مسئله ۸۳

کسی که حجه الاسلام بر ذمه داشته باشد و وصیت نموده که از بلدش نایب گرفته شود واجب است از بلد نایب گرفته شود، ولی مازاد بر

*****مناسک حج (فارسی): ۵۵

اجرت میقات از ثلث خارج می شود. و چنان چه فقط وصیت به حج نموده و چیزی تعیین نکند به نایب گرفتن از میقات اکتفا می شود، مگر در صورتی که قرینه ای باشد که مراد وی استیجار و نایب گرفتن از بلد باشد، مثل اینکه مقداری از مال را تعیین کند که مناسب حج بلدی باشد.

مسئله ۸۴

هر گاه وصیت به حج بلدی باشد، ولی وصی یا وارث کسی را از میقات اجیر نماید، در صورتی که اجاره از مال میت باشد اجاره باطل است و ذمه میت با عمل اجیر از حج فارغ می شود.

مسئله ۸۵

چنان چه وصیت به حج بلدی از غیر بلد خود نماید، مثلاً یک تهرانی وصیت کند که از مشهد مقدس برایش نایب بگیرند، عمل به این وصیت واجب است و مازاد بر اجرت حج میقاتی از ثلثش اخراج می شود.

*****مناسک حج (فارسی): ۵۶

مسئله ۸۶

اگر وصیت کند که برای حجه الاسلام نایب گرفته شود و اجرت را نیز تعیین نموده باشد، عمل به این وصیت واجب است و هزینه اش از اصل مال برداشته می شود، در صورتی که بیش از اجرت المثل نباشد، و اگر بیش از آن بود تفاوتش از ثلث خواهد بود.

مسئله ۸۷

هر گاه وصیت کند که از مال معینی برای او حج داده شود و وصی دانست که در آن مال خمس یا زکات هست واجب است اول خمس یا زکات آن مال را داده و باقیمانده را صرف در راه حج نماید. و چنان چه کفاف مصارف حج را ننمود، لازم است کمبود از اصل تر که برداشته شود. این در صورتی است که حجبی که وصیت نموده حجه الاسلام باشد. و اگر حجه الاسلام نبوده، باقیمانده در خیرات دیگر صرف شود.

*****مناسک حج (فارسی): ۵۷

مسئله ۸۸

در صورتی که نایب گرفتن برای حج از قِبَل مرده، به وصیت یا غیر وصیت واجب شده باشد، کسی که واجب بود نایب بگیرد سهل انگاری واهمال نموده و مالی که برای حج در نظر گرفته شده بود تلف شد، این شخص ضامن خواهد بود و بر او واجب است که از مال خود برایش نایب بگیرد.

مسئله ۸۹

در صورتی که ثبوت و استقرار حج بر ذمه میت معلوم و به جا آوردنش مشکوک باشد، واجب است از قِبَل او به جا آورده شود، و هزینه اش از اصل مال اخراج می گردد.

مسئله ۹۰

به مجرد اجیر گرفتن ذمه میت بری نمی شود. پس اگر دانسته شود که اجیر بجهت عذر یا بدون آن حج را به جا نیاورده، واجب است دوباره اجیر گرفته و مخارج از اصل مال خارج و برداشت می شود. و در صورتی که اجرت اوّلی از مال

*****مناسک حج (فارسی): ۵۸

میت بوده و پس گرفتنش ممکن باشد، لازم است پس گرفته شود.

مسئله ۹۱

چنان چه چندین اجیر پیدا شود، أحوط این است که کسی را که کمتر از دیگران اجرت می گیرد اجیر نمایند، در صورتی که اجرت به مال خود میت باشد، هر چند اظهر جواز استیجار اجیری است که از حیث فضیلت و شرف مناسب حال میت باشد پس می توان او را به مبلغ بیشتری اجیر نمود.

مسئله ۹۲

اجیر گرفتن از بلد یا میقات تابع تقلید وارث است نه خود میت. پس چنان چه عقیده میت وجوب حج بلدی بوده و عقیده وارث جواز استیجار از میقات باشد، بر وارث واجب نیست از بلد میت اجیر بگیرد.

مسئله ۹۳

هر گاه حجه الاسلام بر ذمه میت

*****مناسک حج (فارسی): ۵۹

باشد و ترک ای نداشته باشد، بر وارث واجب نیست که برای او اجیر بگیرد. بلی مستحب است این عمل را انجام دهد.

مسئله ۹۴

هر گاه میت وصیت به حج بنماید، اگر دانسته شود که حجی که وصیت کرده حجه الاسلام بوده، لازم است هزینه آن از اصل مال برداشت شود، مگر در صورتی که خودش تعیین کرده باشد که از ثلث برداشته شود، که در این صورت باید از ثلث برداشته شود. و اما اگر دانسته شود که حجی که وصیت نموده حجه الاسلام نیست یا شک در آن حاصل شود، در این صورت هزینه حج از ثلث برداشته می شود.

مسئله ۹۵

هر گاه وصیت به حج نموده و شخص بخصوصی را برای به جا آوردن حج تعیین کرده، لازم است عمل به وصیت شود، پس اگر آن

****مناسک حج (فارسی): ۶۰

شخص قبول نکرد مگر اینکه بیشتر از مقدار متعارف به او بدهند، مقدار زیادی از ثلث برداشت می شود، و چنان چه آن هم ممکن نباشد، دیگری را به همان مقدار متعارف اجیر نمایند.

مسئله ۹۶

هر گاه وصیت به حج نموده و اجرتی تعیین کند که هیچ کس به آن رغبت نداشته باشد یعنی کمتر از مقدار متعارف باشد، پس اگر حجی که وصیت نموده حجه الاسلام باشد، لازم است کمبود از اصل ترکه برداشته شود، و چنان چه حجه الاسلام نباشد وصیت باطل می شود و اجرتی که برای حج تعیین شده صرف خیرات و مبرات می گردد.

مسئله ۹۷

اگر کسی منزل خود را فروخته به یک مبلغی مثلاً، و با مشتری شرط کرده که پول منزل را پس از مردنش صرف در حج از قبَلش بنماید، پول منزل از ترکه خواهد بود. پس اگر آن حج حجه

****مناسک حج (فارسی): ۶۱

الاسلام بوده، شرط مزبور لازم شده و واجب است پول منزل صرف اجرت حج شود در صورتی که بیش از مقدار متعارف نباشد و چنان چه بیش از متعارف باشد مقدار از اصل ترکه و مازاد بر آن از ثلث حساب می شود. و اگر حج حجه الاسلام نبوده، باز هم شرط لازم است و تمام پول حج از ثلث خارج می شود، و چنان چه ثلث کمتر از آن پول باشد، شرط مذکور در مازاد بر ثلث لازم نخواهد بود.

مسئله ۹۸

هر گاه شخصی مثلاً منزل خود را به دیگری مصالحه کند به شرط آن که پس از مردنش برای او حج به جا آورد، چنین شرطی صحیح و لازم خواهد بود و آن منزل از ملک مصالح و شرط کننده خارج شده و از ترکه محسوب نخواهد بود، هر چند

آن حج مستحبی باشد و حکم وصیت شامل آن منزل نخواهد شد، و همچنین است اگر منزل خود را به

*****مناسک حج (فارسی): ۶۲

دیگری واگذار و تملیک نماید به شرط آن که بعد از مردنش آن را فروخته و قیمتش را صرف حج برای او بنماید، تمام این ها صحیح و لازم خواهد بود، هر چند چیزی که شرط شده عمل مستحبی باشد و ورثه حقی در آن منزل نخواهند داشت. و اگر طرف مقابل از عمل به شرط تخلف نمود، حق به هم زدن معامله به ورثه منتقل نمی شود و نمی توانند اسقاط کنند این خیار را که حق میت بوده. و این حق به حاکم

شرع منتقل می شود. وبعد از فسخ، آن مال صرف در چیزی که شرط شده می شود، وچنان چه چیزی زیاد آمد در خیرات و مبرات صرف خواهد شد.

مسئله ۹۹

هرگاه وصی بمیرد ودانسته نشود که برای حج موصی قبل از مردن اجیر گرفته یا نه، در صورتی که حج، حجهءالاسلام بوده واجب است از ترکه اش اجیر گرفته شود. واگر حجهءالاسلام

*****مناسک حج (فارسی): ۶۳

نبوده از ثلثش باید اجیر گرفته شود. وچنان چه وجهی که بابت حج در نظر بوده، وصی آن را قبض کرده وموجود باشد، اخذ می شود. وچنان چه احتمال برود که وصی از مال خود اجیر گرفته وبعداً مال موصی را برای خود به جای او برداشته هرچند موجود نباشد، در این صورت ضمانتی بر وصی نخواهد بود، زیرا که احتمال می رود بدون تفریط نزد او تلف شده باشد.

مسئله ۱۰۰

چنان چه مالی که برای حج در نظر گرفته شده بدون سهل انگاری در نگهداری در دست وصی تلف شود، وصی ضامن نخواهد بود وواجب است از بقیهء ترکه اجیر گرفته شود، در صورتی که حج وصیت شده حجهءالاسلام باشد وچنان چه حجهءالاسلام نباشد از بقیهء ثلث باید اجیر گرفته شود. وچنان چه بقیه بین ورثه تقسیم شده باشد، از هریک به نسبت پس گرفته می شود. وهمچنین است

*****مناسک حج (فارسی): ۶۴

اگر کسی برای حج اجیر شده وقبل از به جا آوردن حج بمیرد وترکه ای نداشته باشد یا داشته ولی گرفتن از آن ممکن نباشد، که در این صورت مانند فرض قبلی باید از ترکهء خود میت یا ثلثش بردارند.

مسئله ۱۰۱

هرگاه مال قبل از اجیر گرفتن در دست وصی تلف شود ودانسته نشود که تلف در اثر سهل انگاری بوده، جایز نیست تاوان از وصی گرفته شود.

مسئله ۱۰۲

اگر کسی وصیت کند که فلان مقدار مال در غیر حجت الاسلام صرف شود، واحتمال برود که آن مقدار بیشتر از ثلث است، جایز نیست تمام آن صرف شود.

*****مناسک حج (فارسی): ۶۵

احکام نیابت

مسئله ۱۰۳

اشاره

در نایب چند چیز معتبر است:

اول: بلوغ، یعنی نایب باید بالغ باشد. پس حج بجهت نابالغ به جای دیگری کفایت نمی کند، البته در حجه الاسلام و حجهای واجب دیگر، هر چند آن بجهت ممیز باشد که خوب وبد را تشخیص دهد. بلی بعید نیست که نیابت وی در حج مستحبی با اذن ولی صحیح باشد.

دوم: عقل، یعنی نایب باید عاقل باشد، پس نیابت دیوانه از دیگری صحیح نخواهد بود، خواه دیوانه همیشگی یا ادواری (گاه به گاه) باشد اگر عمل در وقت دیوانگی باشد و اما نایب شدن سفیه عیبی ندارد.

****مناسک حج (فارسی): ۶۶

سوم: ایمان، یعنی نایب باید مؤمن (علاوه بر خدا و پیغمبر، دوازده امام را نیز قبول داشته) باشد. پس نیابت غیر مؤمن کافی نیست، هر چند عمل را بر طبق مذهب ما به جا آورد.

چهارم: آن که ذمه نایب در سال نیابت مشغول به حج واجب نباشد که وجوب آن منجز و حتمی باشد. و در صورتی که جاهل بوجوب باشد یعنی نداند که حج بر خودش واجب است یا می دانسته ولی غافل است و فراموش کرده، که در این دو صورت نیابت وی عیبی ندارد. و این شرط صحت اجاره است نه شرط صحت حج نایب. پس هر گاه در حالی که حج بر خودش واجب بود و از قبل دیگری به نیابت او حج نماید ذمه منوب عنه بری شده است، ولی نایب اجرتی را که قرار داده مستحق نخواهد بود بلکه مستحق اجره المثل خواهد بود (اجره المثل یعنی نرخ

****مناسک حج (فارسی): ۶۷

متعارف).

مسئله ۱۰۴

وقتی ذمه منوب عنه فارغ و بری می شود که یقین حاصل شود که نایب عمل را به طور صحیح به جا آورده و نایب حتماً باید اعمال حج و احکامش را به خوبی بداند، هر چند با ارشاد و راهنمایی دیگری در هر عمل باشد. همچنان که بایستی مورد وثوق و اطمینان باشد، اگر چه عادل نباشد.

مسئله ۱۰۵

نایب شدن غلام زر خرید از شخص آزاد عیبی ندارد، اگر آن نیابت به اذن آقا و اربابش باشد.

مسئله ۱۰۶

نایب شخص بالغ و عاقل از بچهء نابالغ ممیز و دیوانه عیبی ندارد. بلکه اگر حج بر ذمهء دیوانه در حال افاقه واجب شده و در حال دیوانگی مرده باشد، لازم و واجب است برایش اجیر بگیرند که

****مناسک حج (فارسی): ۶۸

حج نماید.

مسئله ۱۰۷

همجنس و همانند بودن نایب و منوب عنه لازم نیست و نیابت مرد از زن و بلعکس صحیح است.

مسئله ۱۰۸

نایب گرفتن ضروره (کسی که هنوز حج نرفته) برای ضروره و غیر ضروره عیبی ندارد، خواه نایب یا منوب عنه مرد باشد یا زن. بلی بنابر آنچه مشهور است نایب گرفتن ضروره مکروه است، بخصوص در صورتی که نایب زن و منوب عنه مرد باشد. و یک مورد مستثنی است و کراهت ندارد و آن موردی است که منوب عنه مرد وزنده باشد و نتواند حجهء الاسلام را به جا آورد، در این صورت احتیاط لزومی این است که نایب، ضروره و مرد باشد.

مسئله ۱۰۹

منوب عنه باید مسلمان باشد، و نیابت کافر صحیح نیست. پس هرگاه کافر

****مناسک حج (فارسی): ۶۹

مستطعی بمیرد و وارث مسلمان باشد، واجب نیست برای او نیابت بگیرد. و ناصبی (کسی که دشمن اهل بیت وائمه باشد) مانند کافر است. با این فرق که جایز است فرزند مؤمنش در حج بجای او نایب شود. یعنی حج را به نیابت و عوض او انجام دهد.

مسئله ۱۱۰

نیابت از قبیل شخص زنده در حج مستحبی عیبی ندارد، خواه مفت و مجانی باشد خواه به اجاره، و همچنین در حج واجب در صورتی که خودش معذور از مباشرت عمل باشد چنان که گذشت. و در غیر این مورد نیابت از زنده جایز نیست. و اما نیابت از مرده در هر حال و به هر نحو جایز است، خواه نیابت تبرعاً و مجانی باشد خواه به اجاره و خواه حج واجب باشد یا مستحب.

مسئله ۱۱۱

نیابت در صورتی صحیح است که منوب عنه معین و مشخص باشد به هر نحوی که

****مناسک حج (فارسی): ۷۰

شد. و لازم نیست نامش بر زبان آورده شود، همچنان که قصد نیابت نیز لازم است.

مسئله ۱۱۲

همچنان که نیابت به تبرع واجاره صحیح است به جُعالة و شرطِ ضمن عقد و مانند اینها نیز صحیح است. جُعالة این است که شخصی به دیگری بگوید اگر به جای من یا فلان کس حج به جا آوردی، فلان مبلغ را به تو می دهم. شرط ضمن العقد این است که در ضمن عقد معامله، مثلاً فروش منزل یا مغازه، شرط کند که از قبل من یا فلان کس حج به جا بیاوری.

مسئله ۱۱۳

کسی را که در ترک بعضی از اعمال حج یا در به جا نیاوردن آن به طور صحیح معذور باشد نمی توان اجیر نمود، بلکه اگر چنین شخصی تبرعاً به نیابت دیگری حج نمود، اکتفا کردن به عملش مشکل است. بلی اگر در به جا آوردن

****مناسک حج (فارسی): ۷۱

کارهایی که بر محرم حرام است معذور باشد، مثل اینکه مضطر به تظلیل (زیر سایه رفتن) باشد اجیر گرفتن یا نایب گرفتن چنین شخصی عیبی ندارد.

مسئله ۱۱۴

هرگاه نایب پیش از محرم شدن بمیرد، ذمهء منوب عنه فارغ وبری نمی شود و لازم و واجب است دوباره برایش نایب گرفته شود، البته در چیزهایی که نایب گرفتن در آن واجب است. و چنان چه پس از احرام بمیرد کفایت از منوب عنه می کند، هر چند مردنش قبل از دخول حرم باشد بنا بر اظهر. و در این مورد فرقی بین حجة الاسلامو غیر آن نیست. و همچنین فرقی نیست بین اینکه نیابت، به مزد واجرت باشد یا به تبرع و مجان.

مسئله ۱۱۵

هرگاه اجیر بعد از مُحرم شدن بمیرد تمام اجرت را مستحق خواهد شد، در صورتی که بر تفریغ ذمهء میت اجیر شده باشد. و اما اگر اجیر

****مناسک حج (فارسی): ۷۲

بر به جا آوردن اعمال شده باشد، اجرت مقداری را که به جا آورده مستحق می شود. و چنان چه قبل از احرام بمیرد، چیزی مستحق نخواهد بود. بلی اگر مقدمات عمل داخل اجاره باشد، هر مقدار از مقدمات را که انجام داده باشد اجرت همان همان مقدار را مستحق می شود.

مسئله ۱۱۶

هرگاه برای حج بلدی اجیر شده و راهی تعیین نشده باشد، اجیر مخیر است از هر راهی که دلش خواست برود. و چنان چه راهی تعیین شده باشد، عدول از آن راه به راه دیگری جایز نیست. پس اگر از راه دیگری رفته و اعمال را به جا آورد، چنان چه راه تعیین شده، به طور شرطیت بوده اجیر تمام اجرت را مستحق شده و مستأجر خیار فسخ دارد (یعنی می تواند معامله را به هم بزند) و در صورت به هم زدن، اجراء المثل (مرد مانند عمل) را به اجیر

*****مناسک حج (فارسی): ۷۳

می دهد. و چنان چه در نظر گرفتن آن راه به نحو جزئیت بوده (یعنی رفتن از آن راه به نحو جزئیت بوده، یعنی رفتن از آن راه راه جزء عمل دانسته)، در این صورت نیز مستأجر حق فسخ (به هم زدن معامله) دارد. و اگر فسخ نکرد اجیر اجرت مقرر را به مقداری که عمل نموده می برد و مقدار مخالفت ساقط می شود.

مسئله ۱۱۷

هرگاه شخصی خود را اجیر از قبل دیگری نماید که شخصاً عمل را در سال معینی به جا آورد، چنان چه خواسته باشد از قبل دیگری در همان سال اجیر شود، اجاره وی صحیح نخواهد بود. ولی چنان چه از قبل دو نفر در دو سال مختلف یا از قبل یکی به قید مباشرت و از قبل دیگری بدون قید مباشرت در یک سال اجیر شود، مانعی ندارد و اجاره صحیح خواهد بود.

مسئله ۱۱۸

هرگاه خود را برای حج در

*****مناسک حج (فارسی): ۷۴

سال معینی اجیر نمود، نمی تواند تقدیم یا تأخیر نماید، ولی چنان چه تقدیم یا تأخیر نمود (یعنی در سال قبل از سال تعیین شده یا سال بعدش حج به جا آورد) ذمهء منوب عنه بری می شود و اجرتی مستحق نخواهد بود، در صورتی که تقدیم یا تأخیر به رضایت مستأجر نباشد.

مسئله ۱۱۹

هرگاه اجیر به علت جلوگیری دشمن یا از جهت بیماری نتواند به حج برود و اعمال را به جا آورد، حکمش حکم کسی است که از قبل خود حج بنماید. و بیان حکم آن خواهد آمد. و در صورتی که اجاره مقید به همان سال بوده به هم می خورد. و چنان چه مقید نبوده حج بر ذمه اش باقی می ماند.

مسئله ۱۲۰

هرگاه نایب، کاری که موجب کفاره می شود انجام دهد، مثلاً در حال احرام زیر سایه

****مناسک حج (فارسی): ۷۵

برود یا در آینه نگاه کند، کفاره را باید از مال خود بدهد، خواه نیابت به اجاره و مزد باشد یا به تبرع و مجانی باشد.

مسئله ۱۲۱

هرگاه شخصی، دیگری را به مبلغ معینی برای حج اجیر گرفت و آن مبلغ کفاف مخارج حج را ندارد، بر مستأجر واجب نیست کمبود را تدارک کند، همچنان که در صورت زیاد آمدن نمی توان زیادی را پس بگیرد.

مسئله ۱۲۲

هرگاه شخصی را برای حج واجب یا مستحب اجیر کنند، و اجیر حج خود را به جماع قبل از مشعر فاسد نماید (یعنی پس از آن که احرام عمره تمتع بیرون آمد و برای حج محرم شد و در مکه یا در عرفات با همسر خود جماع نمود) واجب است حج را به آخر برساند. و این حج برای منوب عنه کافی است و بر نایب واجب است در سال بعد حج نموده

****مناسک حج (فارسی): ۷۶

و یک شتر نیز کفاره بدهد. و ظاهر این است که استحقاق اجرت دارد، هر چند در سال بعد با عذر یا بدون عذر حج ننماید. و احکام ذکر شده نسبت به متبرع نیز جاری است، مگر اینکه استحقاق اجرت ندارد.

مسئله ۱۲۳

اجیر هر چند اجرت را به عقد مالک می شود، ولی واجب نیست اجرت به او پرداخته شود مگر بعد از انجام عمل، البته در صورتی که شرط تعجیل نموده باشد، به این معنی که به شرط پیش گرفتن اجرت اجیر نشده باشد، و چنان چه به این شرط اجیر شده باشد باید اجرت را پیش از عمل به او داد. ولی ظاهر این است کسی که برای حج اجیر می شود، می تواند پیش از انجام عمل مطالبه اجرت نماید. و این به جهت این است که قرینه بر چنین شرطی وجود دارد. زیرا که غالباً اجیر برای حج تا

****مناسک حج (فارسی): ۷۷

اجرت را نگیرد نمی تواند به حج رفته و یا اعمال را انجام دهد.

مسئله ۱۲۴

چنان چه کسی شخصاً اجیر شد که حج به جا آورد، نمی تواند دیگری را برای این حج اجیر نماید، مگر به اذن و اجازهء مستأجر.

مسئله ۱۲۵

هرگاه شخصی را برای حج تمتع اجیر نماید و وقت هم زیاد باشد و اتفاقاً وقت برای حج تمتع تنگ شد و اجیر از عمره تمتع به حج افراد عدول نماید و حج افراد به جا آورد و سپس عمره مفرده ای به جا آورده، ذمه منوب عنه بری می شود. ولی در صورتی که اجاره بر اعمال عمره و حج تمتع بوده اجیر استحقاق اجرت را نخواهد داشت، بلی اگر بر تفریح ذمه منوب عنه بوده، مستحق اجرت خواهد بود. مثال: مرده یا زنده ای که شخصاً عاجز از حج است و حج به گردن دارد، شخصی اجیر می شود

*****مناسک حج (فارسی): ۷۸

که این را از گردن او بردارد، اجیر هر طور حج به جا آورد، حج از گردن او برداشته می شود، و اجیر مستحق اجرت خواهد بود، ولی اگر اجیر شود که حج را به طور مخصوصی انجام دهد و تخلف نموده و طور دیگر انجام داد، حج از گردن طرف برداشته شده و اجیر مستحق اجرت نمی شود.

مسئله ۱۲۶

در حج مستحبی یک نفر می تواند به جای چند نفر حج نماید. و اما در حج واجب جایز نیست یک نفر به جای دو نفر یا بیشتر حج نماید و باید نیابت از قبل یک نفر باشد، مگر در صورتی که حج بر دو نفر یا بیشتر به نحو شرکت واجب شده باشد، مثل اینکه دو نفر یا بیشتر نذر کنند که با شرکت یکدیگر کسی را برای حج اجیر نمایند، که در این صورت می توانند یک نفر را برای حج اجیر نمایند که به جای آنها حج نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۷۹

مسئله ۱۲۷

بیشتر از یک نفر می توانند در یک سال به جای یک نفر، خواه مرده خواه زنده، خواه به طور تبرع و مجان خواه به اجاره، حج به جا آورند، در صورتی که حج مستحبی باشد. و همچنین است در حج واجب اگر متعدد باشد، مثل اینکه بر شخصی به واسطه نذر دو حج واجب شده باشد که دو مرتبه نذر حج نموده یا یکی حجه الاسلام و دیگری حج نذری باشد که در این صورت می توان دو نفر را اجیر نمود، یکی را برای یکی از این دو واجب و دیگری را برای واجب دوم. و همچنین جایز است دو نفر را برای یک نفر اجیر نمود، که یکی حج واجب به جا آورد و دیگری حج مستحبی. بلکه بعید نیست اجیر نمودن دو نفر برای یک حج واجب جایز باشد، مثل حجه الاسلام که دو نفر را از باب احتیاط اجیر می نمایند به جهت احتمال ناقص بودن یکی از آن دو.

*****مناسک حج (فارسی): ۸۰

مسئله ۱۲۸

طواف فی نفسه عمل مستحبی است پس نیابت در طواف از قبل مرده یا زنده ای که در مکه نباشد یا در مکه باشد و شخصاً

نتواند طواف نماید جایز است.

مسئله ۱۲۹

نایب پس از فراغت از اعمال حج نیابتی، می تواند برای خود یا دیگری عمرهء مفرده به جا آورد، همچنان که می تواند برای خود یا دیگری طواف نماید.

حج مستحبی

مسئله ۱۳۰

مستحب است کسی که می تواند حج نماید به حج برود، هر چند مستطیع نباشد، یا آن که مستطیع شده و حجهء الاسلام را به جا آورده. و مستحب است متمکن، هر ساله حج را تکرار نماید.

مسئله ۱۳۱

هنگام خروج از مکه، مستحب است نیت بازگشت

*****مناسک حج (فارسی): ۸۱

نماید.

مسئله ۱۳۲

مستحب است انسان کسی را که استطاعت حج رفتن ندارد به حج بفرستد، همچنان که در صورتی که بداند اگر برای رفتن به حج قرض نماید می تواند بعداً قرض خود را بدهد، مستحب است قرض نماید. و خرج زیاد نمودن در حج مستحب است.

مسئله ۱۳۳

مستحب است به کسی که استطاعت حج ندارد، زکات داده شود که با آن حج نماید.

مسئله ۱۳۴

هرگاه زن شوهردار خواسته باشد حج مستحبی به جا آورد، باید به اذن شوهر باشد. و همچنین زنی که در عدهء رجعی باشد ولی زنی

*****مناسک حج (فارسی): ۸۲

که از شوهر خود طلاق بائن گرفته و در عدهء است یا در عدهء وفات است، اذن شوهر در حج وی معتبر نیست.

مسئله ۱۳۵

عمره مانند حج است: گاهی واجب و گاهی مستحب، و گاهی مفرده است و گاهی عمرهء تمتع است.

مسئله ۱۳۶

عمره مانند حج، بر هر مستطیعی که دارای شرایط است واجب است. و وجوبش مانند وجوب حج، فوری است. پس کسی که مستطیع برای عمره شد، هر چند برای حج مستطیع نباشد، واجب است عمره را به جا آورد. بلی ظاهر این است که بر کسی که وظیفه اش حج تمتع

*****مناسک حج (فارسی): ۸۳

باشد، عمره با تنهایی واجب نیست. پس کسی که استطاعت حج ندارد و استطاعت عمره را دارد و وظیفه اش حج تمتع است، واجب نیست عمره را به جا آورد. و بنابراین کسی که برای حج اجیر شده، پس از فراغت از اعمال حج نیایی واجب نیست عمره به جا آورد، هر چند در این هنگام استطاعت عمره را دارد لکن به جا آوردنش احوط است. و اما کسی که حج تمتع را به جا آورده، پس عمرهء مفرده بر او واجب نیست جزماً.

مسئله ۱۳۷

مستحب است عمرهء مفرده را مکرراً به جا آورد و اولی این است که هر ماه به جا آورده شود. و ظاهر این است که اگر عمره در ماهی به جا آورد اگر چه در آخر آن باشد و عمرهء دیگر در ماه بعدی اگر چه در اول آن باشد، مانعی ندارد، و دو عمره در یک ماه نمی تواند به جا آورد، در صورتی که

*****مناسک حج (فارسی): ۸۴

دو عمره برای به جا آورنده باشد. بلی عمرهء دوم را رجاءاً به جا آورد، عیبی ندارد. و چنان چه خواسته باشد یک عمره برای دیگری به جا آورد در یک ماه جایز است. و همچنین است اگر هر دو عمره برای دیگری باشد. همچنان که عمرهء تمتع و عمرهء مفرده و بالعکس در یک ماه جایز است یعنی کسی که عمرهء مفرده را به جا آورد،

در همان ماه خواسته باشد عمره تمتع به جا آورد یا عمره تمتع را به جا آورده و به حج رفته، در همان ماه عمره مفرده به جا آورده مانعی ندارد، ولی به جا آوردن عمره مفرده بین عمره تمتع و حج جایز نیست.

مسئله ۱۳۸

همچنان که عمره مفرده به استطاعت واجب می شود، به نذر وعهد و قسم و غیر اینها نیز واجب می شود.

****مناسک حج (فارسی): ۸۵

مسئله ۱۳۹

عمره مفرده با عمره تمتع در اعمال شریکند و اعمال عمره تمتع خواهد آمد. و عمره مفرده با عمره تمتع چند فرق دارد:

۱ - آن که در عمره مفرده طواف نساء واجب می شود، ولی در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست.

۲ - آن که عمره تمتع به جز در ماه های حج (شوال و ذی القعدة و ذی الحجه) واقع نمی شود و صحیح نخواهد بود، ولی عمره مفرده در تمام ماه ها صحیح است و افضل و برتر از همه ماه رجب است و بعد از آن ماه مبارک رمضان.

۳ - آن که بیرون آمدن از احرام در عمره تمتع منحصر به تقصیر است، ولی خروج و بیرون آمدن از احرام در عمره مفرده گاهی به تقصیر و گاهی به سر تراشیدن است.

۴ - آن که عمره تمتع و حج باید در یک سال

****مناسک حج (فارسی): ۸۶

واقع شوند چنان که خواهد آمد، ولی عمره مفرده چنین نیست. و کسی که حج افراد و عمره مفرده بر او واجب باشد، می تواند حج را در یک سال و عمره را در سال بعد به جا آورد.

۵ - آن که عمره مفرده به جماع فاسد و باطل می شود و عمره تمتع چنین نیست و کسی که در عمره مفرده قبل از خارج شدن از سعی از روی علم و عمد جماع کند، عمره وی حتماً باطل شد و واجب است آن را در ماه بعد دوباره به جا آورد، به اینکه تا ماه بعد در مکه بماند، و اما کسی که در اثنای عمره تمتع جماع نماید، باطل شده عمره وی مورد اشکال است و أظهر این است که

باطل نخواهد شد همچنان که خواهد آمد.

مسئله ۱۴۰

احرام بستن بر عمره مفرده از مواقیتی که برای عمره تمتع احرام بسته می شود،

****مناسک حج (فارسی): ۸۷

جایز است. و بیان مواقیت خواهد آمد. و اگر مکلف در مکه باشد و بخواهد عمره مفرده به جا آورد، جایز است از حرم خارج شده و احرام ببندد و واجب نیست به یکی از مواقیت برود و از آن جا مُحرم شود. و بهتر این است که احرامش از یکی از این سه جا باشد: حدیبیه، جعرانه، تنعیم. و بیان هر یک بعداً خواهد آمد. و این سه کلمه، نام سه جای معین در اطراف مکه است.

مسئله ۱۴۱

عمره مفرده بر کسی که بخواهد وارد مکه شود، واجب است و جایز نیست بدون احرام وارد مکه شود. و از حکم وجوب احرام کسی که مکرراً باید رفت و آمد کند مستثنی است، مانند هیزم کش و علف و امثال اینها. و همچنین کسی که بعد از تمام نمودن اعمال حج یا بعد از عمره مفرده از مکه خارج شده و بیرون رفته باشد، چنین شخصی

****مناسک حج (فارسی): ۸۸

می تواند پیش از گذشتن یک ماه بدون احرام وارد مکه شود. و حکم کسی که بعد از عمره تمتع و قبل از حج از مکه خارج شود خواهد آمد.

مسئله ۱۴۲

کسی که عمره مفرده را در ماه های حج به جا آورده و اتفاقاً تا وقت حج در مکه باقی مانده، می تواند عمره مفرده خود را عمره تمتع قرار داده و حج را به جا آورد، و فرقی در این حکم بین حج واجب و حج مستحبی نیست.

اقسام حج

مسئله ۱۴۳

اشاره

حج بر سه قسم است:

۱ - حج تمتع، ۲ - حج افراد، ۳ - حج قرآن

قسم اول، یعنی حج تمتع وظيفه کسی است که فاصله وطنش تا مسجدالحرام بیش از شانزده فرسخ

باشد.

قسم دوم وسوم، ی عنی حج افراد و حج قران وظیفهء کسی است که اهل خود مکه یا اطراف آن باشد، به شرطی که فاصلهء بین وطنش تا مسجدالحرام کمتر از شانزده فرسخ باشد.

و این رساله در بیان احکام قسم اول، یعنی حج تمتع است که محل ابتلای غالب برادران دینی است. و نظر به اینکه گاهی به جهت ضرورت و بعضی از پیش آمدها حج تمتع تبدیل به حج افراد می شود، ناچاریم کیفیت حج افراد را نیز به طور مختصر بیان نمائیم و کیفیت حج قران نیز بیان خواهد شد.

مسئله ۱۴۴

کسی که وظیفه اش حج تمتع است، می تواند حج افراد یا قران را استحباً به جا آورد، همچنان که کسی که وظیفه اش حج افراد یا قران است، می تواند حج تمتع را استحباً به جا آورد. و این

معنی در حج واجب جایز نیست، یعنی کسی که حج افراد یا حج قران بر او واجب شده، نمی تواند به جای آن حج تمتع به جا آورد و بالعکس، یعنی کسی که حج تمتع بر او واجب شده، نمی تواند به جای آن حج افراد یا قران به جا آورد، و چنان چه این افراد به جای حج واجب خود حج دیگری به جا آورند کفایت نمی کند. بلی گاهی وظیفهء کسی که باید حج تمتع به جا آورد، عوض شده و به حج افراد بر می گردد، چنان که بیانش خواهد آمد.

مسئله ۱۴۵

کسی که وطنش بیش از شانزده فرسخ از مسجد الحرام دور بوده و فعلاً در مکه اقامت نموده، چنان چه اقامتش بعد از استطاعت و واجب شدن حج بر او بوده، وظیفه اش حج تمتع است. و اما اگر استطاعت او پس از اقامت در مکه و بعد از داخل شدن در سال سوّم باشد، وظیفه اش حج قران یا افراد

است. و اگر استطاعتش قبل از سال سوّم باشد، حج تمتع بر او واجب می شود. اینها در صورتی است که اقامتش به قصد مجاورت باشد، یعنی مدتی در جوار خانهء خدا بودن. و اما اگر به قصد توطن باشد، این هم دو صورت دارد:

۱ - از اوّل قصد توطن داشته، در این صورت وظیفه اش حج افراد یا قران است، چه آن که وارد سال سوم شده باشد یا خیر.

۲ - بعد از مدتی قصد توطن نموده،

که در این صورت اگر استطاعتش قبل از توطن و پیش از وارد شدن سال سوم باشد، وظیفه اش حج تمتع است. و اگر بعد از قصد توطن باشد، وظیفه اش افراد یا قران می باشد، چه آن که وارد سال سوم شده باشد یا نشده باشد. همچنین است حکم کسی که قصد توطن در غیر مکه داشته باشد از اماکنی که فاصله آنها تا

****مناسک حج (فارسی): ۹۲

مسجد الحرام کمتر از شانزده فرسخ باشد.

مسئله ۱۴۶

هر گاه در بلد خود مستطیع بوده و پس از استطاعت در مکه اقامت نمود یا پس از اقامت در مکه و قبل از انقلاب و برگشتن وظیفه اش به حج افراد یا حج قران مستطیع شود، جایز است برای او که از ادنی الحل محرم شود، اگر چه احوط آن است که به یکی از مواقیت رفته و از آن جا برای عمره تمتع محرم شود. و احوط این است که به میقات اهل بلد خود برود. و اهل هر بلدی میقاتی دارند که بیانش خواهد آمد.

ttttt

حج تمتع

مسئله ۱۴۷

حج تمتع، عبارت از دو عبادت است که نام عبادت اول، عمره و نام عبادت دوم حج

****مناسک حج (فارسی): ۹۳

است. و گاهی عبادت دوم را حج تمتع می گویند. و واجب است عمره را در حج تمتع پیش از حج به جا آورند.

اعمال عمره تمتع

مسئله ۱۴۸

اشاره

در عمره تمتع پنج چیز واجب است:

اول: احرام از یکی از میقات ها، و تفصیل آنها را خواهی دانست.

دوم: طواف دور خانه خدا.

سوم: خواندن دو رکعت نماز طواف.

چهارم: سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه که نام دو جای معین در جنب مسجد الحرام است.

پنجم: تقصیر، یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن. و هنگامی که شخص این اعمال پنجگانه را به

******مناسک حج (فارسی): ۹۴**

جا آورد، از احرام بیرون رفته و چیزهایی که به جهت احرام بر او حرام شده بود، حلال می شود.

مسئله ۱۴۹

بر مکلف واجب است با نزدیک شدن روز نهم ذی الحجه خود را برای اعمال حج آماده و مهیا نماید.

اعمال حج تمتع

اشاره

در حج تمتع سیزده چیز واجب است:

اول: بستن احرام از مکه به تفصیل و شرحی که خواهد آمد.

دوم: وقوف (بودن) در عرفات از یک ساعت بعد از ظهر روز نهم ذی الحجه (روز عرفه) یا از اول ظهر تا مغرب. و عرفات نام جایی است در چهار فرسخی مکه.

******مناسک حج (فارسی): ۹۵**

سوم: بودن در مزدلفه (مشعر) که بین عرفات و مکه است، از طلوع فجر روز عید قربان (دهم ذی الحجه) تا طلوع آفتاب.

چهارم: رمی جمرهء عقبه (زدن سنگریزه) در منی روز عید قربان. و منی تقریباً یک فرسخ تا مکه فاصله دارد.

پنجم: قربانی کردن در منیروز عید.

ششم: تراشیدن سر یا گرفتن مقداری از مو یا ناخن در منی. و به این عمل آنچه بسبب احرام بر وی حرام شده بود حلال می شود، مگر زن و بوی خوش و شکار بنا بر احتیاط.

هفتم: طواف دور خانهء خدا به عنوان زیارت پس از بازگشت به مکه.

هشتم: به جا آوردن دو رکعت نماز طواف.

نهم: سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه. و با این

******مناسک حج (فارسی): ۹۶**

عمل بوی خوش نیز حلال می شود.

دهم: طواف نساء.

یازدهم: به جا آوردن نماز طواف نساء. و به این عمل زن نیز حلال می شود.

دوازدهم: بیتوته (ماندن شب) در منی شب یازدهم و شب دوازدهم، بلکه شب سیزدهم در بعضی از صور که بیانش می آید.

سیزدهم: رمی سه جمره (اولی و وسطی و عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم، بلکه در روز سیزدهم بنا بر احتیاط در صورتی که شب سیزدهم را در منی مانده باشد.

شرایط حج تمتع

مسأله ۱۵۰

اشاره

در حج تمتع چند چیز شرط است:

****مناسک حج (فارسی): ۹۷

اول: نیت، که قصدش این باشد که حج تمتع را به جا می آورد. پس اگر نیت حج دیگری نمود یا در نیت تردید داشت، حجش صحیح نخواهد بود.

دوم: آن که عمره و حج هر دو با هم در ماه های حج (شوال ذی القعدة و ذی الحجه) باشد. پس اگر یک جزء از عمره را قبل از ماه شوال به جا آورده باشد، عمره اش صحیح نخواهد بود.

سوم: آن که عمره و حج در یک سال به جا آورده شوند. پس اگر عمره را به جا آورد و حج را به سال بعد تأخیر نمود، تمتع صحیح نخواهد بود. و فرقی نیست در این حکم بین اینکه تا سال بعد در مکه بماند یا آن که به وطن خود مراجعت نموده و دوباره به مکه بیاید. همچنان که فرقی نیست بین اینکه بعد از عمره به تقصیر از احرام بیرون آید. یا تا سال آینده

****مناسک حج (فارسی): ۹۸

در احرام خود باقی بماند.

چهارم: آن که احرام حج در حال اختیار از خود مکه باشد. و بهترین موضع مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل است. و چنان چه نتواند از خود مکه احرام ببندد، از هر جا که بتواند باید محرم شود.

پنجم: آن که مجموع اعمال عمره و حج تمتع را یک نفر انجام دهد از طرف یک نفر. پس اگر دو نفر برای انجام حج تمتع از طرف مرده یا زنده ای اجیر شوند که یکی عمره و دیگری حج را انجام دهد، صحیح نخواهد بود. و همچنین اگر یک نفر حج نماید و عمره را به جای کسی و حج را به جای دیگری انجام دهد، صحیح نخواهد بود.

مسئله ۱۵۱

همین که شخص اعمال عمره تمتع را به جا آورد، واجب است اعمال حج تمتع را به جا آورد، و جایز نیست برای کاری غیر از اعمال حج

*****مناسک حج (فارسی): ۹۹

از مکه بیرون برود، مگر آن که خروج وی برای حاجتی باشد، و بیم آن نرود که اعمال حجش فوت گردد، که در این صورت واجب است برای حج خود، از مکه احرام حج را بسته و برای کاری که دارد از مکه بیرون رفته و سپس با همان احرام به مکه برگشته و از مکه رهسپار عرفات گردد. و چنان چه نتواند به مکه برگردد از جای خود به عرفات رود.

مسئله ۱۵۲

همچنان که بیرون رفتن از مکه برای کسی که عمره تمتع به جا می آورد پس از فراغ از اعمال عمره تمتع جایز نیست، در اثنای عمره نیز نباید از مکه بیرون برود. پس هر گاه پیش از وارد شدن به مکه بداند که محتاج به بیرون رفتن از مکه خواهد شد، مانند حمله دارها که نوعاً این طورند، می تواند اولاً به عنوان عمره مفرده محرم شده و به مکه رفته و اعمال مفرده را به جا آورده و از مکه

*****مناسک حج (فارسی): ۱۰۰

برای کاری که دارد بیرون رفته و پس از انجام کار خود ثانیاً برای عمره تمتع احرام بسته و به مکه بیاید. و گذشتن یک ماه از عمره مفرده که اول به جا آورده، معتبر نیست در صحت آن.

مسئله ۱۵۳

بیرون رفتن از مکه بعد از عمره یا در اثنای آن که حرام شده، بیرون رفتن به جای دیگر است، و اما رفتن به اطراف و نواحی تابع مکه عیبی ندارد. پس کسی که منزلش بیرون مکه است، می تواند در اثنا یا بعد از فراغت از اعمال عمره به منزل خود برگردد.

مسئله ۱۵۴

اشاره

هر گاه پس از انجام عمره بدون احرام از مکه بیرون رفت و از میقاتها گذشت، دو صورت دارد:

اول: آن که بازگشتن به مکه پیش از گذشتن یک ماه از انجام عمره است، که در این

*****مناسک حج (فارسی): ۱۰۱

صورت لازم است بدون احرام به مکه برگشته، و از مکه احرام بسته و به سوی عرفات برود.

دوم: آن که بازگشت وی به مکه پس از گذشتن یک ماه باشد. در این صورت لازم است عمره را دوباره انجام دهد.

مسئله ۱۵۵

کسی که وظیفه اش حج تمتع است، نمی تواند به حج افراد یا حج قران عدول نماید، مگر در صورتی که پس از شروع به عمره تمتع وقتش به اندازه ای تنگ شود که نتواند عمره را تمام نموده و خود را به حج برساند، یعنی اگر خواسته باشد اعمال عمره را انجام دهد بیم آن برود که به حج نرسد، نیت خود را به نیت حج افراد تبدیل نموده و عمره را ترک و به حج رفته و بعد از حج عمر مفرده به جا آورد. و میزان در تنگی وقت که این امر را جایز می کند، بیم از دست رفتن مقداری رکن از وقوف

*****مناسک حج (فارسی): ۱۰۲

اختیاری عرفات است.

مثال: شخصی صبح روز نهم ذی الحججه وارد مکه می شود و می خواهد عمره تمتع به جا آورد و شروع می نماید در آن.

پس می بیند اگر عمره را به جا آورد، تا ظهر یا یک بعد از ظهر که ابتدای وقت وقوف اختیاری عرفات است نمی تواند خود را به عرفات برساند. این شخص به نیت حج افراد به عرفات رفته و اعمال حج را به جا آورده و پس از اعمال حج به مکه برگشته و عمره مفرده به جا آورد.

مسئله ۱۵۶

کسی که وظیفه وی حج تمتع است، چنان چه پیش از شروع به عمره بدانند که وقتش گنجایش اعمال عمره و درک حج را ندارد، نمی تواند از اول به حج افراد یا قران عدول نماید، بلکه واجب است حج را تا سال آینده تأخیر نماید.

مسئله ۱۵۷

هر گاه در سع وقت برای عمره

*****مناسک حج (فارسی): ۱۰۳

تمتع احرام بست و طواف و سعی خود را عمداً تا زمانی که نتواند آنها را به جا آورده و حج را درک نماید به تأخیر انداخت، عمر وی باطل است و نمی تواند بنابر اظهر به حج افراد عدول نماید. لکن احوط این است که عدول به افراد نموده و عمره را به قصد اعم از حج افراد یا عمره مفرده به جا آورد.

حج افراد

اشاره

حج افراد عملی است و جداگانه و همچنان که گذشت بر کسی واجب می شود که فاصله بین وطنش تا مسجد الحرام کمتر از شانزده فرسخ باشد.

و در صورتی که بتواند علاوه بر حج افراد عمره مفرده را به جا آورد، عمره مفرده نیز به طور جداگانه بر او واجب خواهد بود. بنابر این کسی که می تواند فقط

****مناسک حج (فارسی): ۱۰۴

ی کی از این دو را به جا آورد، همانی را که می تواند به جا آورد بر او واجب می شود. و چنان چه بتواند یکی از این دو را در زمانی دیگری را در زمان دیگری به جا آورد، واجب است آنچه وظیفه وی در هر زمان اقتضا می نماید همان را به جا آورد. و چنان چه در یک وقت بتواند هر دو را انجام دهد، واجب است هر دو را انجام دهد. و مشهور بین فقها در این صورت این است که باید حج پیش از عمره به جا آورده شود. واحوط نیز همین است.

مسئله ۱۵۸

اشاره

حج افراد با حج تمتع در تمام اعمال مشترک هستند و حج افراد با حج تمتع چند فرق دارد:

اول: آن که حج افراد لازم نیست متصل به عمره و در یک سال باشد، ولی حج تمتع همان طور که گفته شد لازم است متصل و بعد از عمره و در یک سال

****مناسک حج (فارسی): ۱۰۵

انجام شود.

دوم: آن که در حج افراد قربانی لازم نیست، ولی در حج تمتع چنان که گفته شد، قربانی لازم است.

سوم: آن که در حج افراد جایز است در حال اختیار طواف وسعی حج را بر وقوفین مقدم نمود، ولی در حج تمتع نمی شود این کار را کرد.

چهارم: آن که احرام حج افراد باید از یکی از جاهایی که گفته شد باشد، و اما احرام حج تمتع باید از خود مکه باشد.

پنجم: آن که عمره حج افراد را می شود پیش از حج یا بعد از آن به جا آورد، ولی در حج تمتع واجب است عمره پیش از حج باشد.

ششم: آن که بعد از احرام حج افراد می شود طواف مستحبی نمود. و در حج تمتع پس از احرام

****مناسک حج (فارسی): ۱۰۶

بنابر احتیاط وجوبی، جایز نیست طواف مستحبی به جا آورده شود.

مسئله ۱۵۹

هر گاه برای حج افراد مستحبی احرام بسته شود، می توان به عمر تمتع عدول نمود، مگر در صورتی که بعد از سعی تلبیه بگویند، که نمی تواند به عمر تمتع عدول نمود.

مسئله ۱۶۰

هر گاه برای حج افراد احرام بست و وارد مکه شد، جایز است دور خانه خدا استحباً طواف نماید، ولی واجب است در این صورت پس از برگزاری نماز طواف، تلبیه بگویند بنابر احتیاط.

حج قران

مسئله ۱۶۱

اشاره

حج قران با حج افراد در تمام

****مناسک حج (فارسی): ۱۰۷

جهات با هم متحد و یکسانند، مگر آن که در حج قران هنگام احرام باید مکلف قربانی را همراه داشته باشد، و بدین جهت قربانی بر او واجب می شود. واحرام در این قسم از حج همانطور که با تلبیه محقق می شود، با اشعار (علامت گذاشتن) یا تقلید (چیزی به گردن حیوان آویختن) نیز محقق می شود. و هر گاه برای حج قران احرام ببندد جایز نیست به حج تمتع عدول نماید.

توضیح: آن که چون در حج قران باید قربانی همراه حاجی باشد، باید بر او علامت بگذارد یعنی اگر شتر است کوهان او را بشکافد و اگر گوسفند باشد گوش او را دریده یا پشت و سر و گردن او را رنگ کند، که این را اشعار گویند یا آن که چیزی بر گردن حیوان مانند زنگوله یا چیزی دیگر بیاویزد که این را تقلید (قلاده، گردنبند) می گویند. و یکی از این دو

****مناسک حج (فارسی): ۱۰۸

کار جای تلبیه را می گیرد.

میقات های احرام

اشاره

در شریعت مقدسه اسلام جاهایی برای بستن احرام تعیین شده که به آنها میقات گفته می شود و واجب است احرام از یکی از

آن جاها بسته شود. و آنها ده مکان می باشد:

۱ - مسجد شجره

اشاره

مسجد شجره در نزدیکی مدینه منوره است. و آن میقات اهل مدینه و هر کسی است که خواسته باشد از راه مدینه به حج برود. و جایز است در بیرون مسجد به طوری که محاذی و برابر آن از طرف راست

****مناسک حج (فارسی): ۱۰۹

ی ا چپ باشد، احرام بسته شود. و احوط این است که در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود.

مسئله ۱۶۲

کسی که از راه مدینه به حج می رود و به مسجد شجره می رسد و میقات دیگری به نام «جحفه» در میان راه دارد، نمی تواند از مسجد شجره بدون احرام گذشته و از جحفه احرام ببندد، مگر شخص بیمار یا ضعیف و مانند این ها که نمی توانند از مسجد شجره احرام ببندند.

۲ - وادی عتیق

اشاره

وادی عتیق میقات اهل عراق و نجد و هر کسی است که از آن جا عبور کند، هر چند اهل عراق و نجد نباشد، و این میقات دارای سه جزء می باشد: ۱ - مسلخ، که نام جزء می باشد: ۲ - عمره، که نام وسط

****مناسک حج (فارسی): ۱۱۰

آن است. ۳ - ذات عرق، که نام آخر آن است. و احوط و اولی آن است که مکلف در صورتی که مانعی مانند بیماری یا تقیه نداشته باشد، پیش از رسیدن به ذات عرق احرام ببندد.

مسئله ۱۶۳

در حال تقیه جایز است مخفیانه پیش از رسیدن به ذات عرق بدون اینکه عرق لباس های خود را بکند محرم شده و پس از رسیدن به ذات عرق لباس های خود را کننده و دو جامه جامه احرام را بپوشد.

۳ - جحفه

جحفه میقات اهل شام و مصر و مغرب و هر کسی است که از آن جا عبور نماید، هر چند اهل آن جا نباشد. و این در صورتی

است که این شخص از میقات سابق از آن احرام نیسته باشد.

****مناسک حج (فارسی): ۱۱۱

۴ - یلملم

یلملم نام کوهی است. ومیقات اهل یمن وهر کسی است که از آن راه بگذرد.

۵ - قرن المنازل

قرن المنازل میقات اهل طائف وهر کسی است که از آن راه برود.

۶ - مکهء مکرمه

مکهء مکرمه قدیم که در زمان پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) بوده که حدود آن از عقبهء

****مناسک حج (فارسی): ۱۱۲

مدنیین است تا ذی طوی.

۷ - منزل خود شخص

منزل خود شخص، میقات کسی است که منزلش به مکه نزدیکتر از میقات باشد، که چنین شخصی می تواند از منزل خود احرام ببندد و لازم نیست جهت احرام بستن به یکی از میقات های دیگر برود.

۸ - جعرانه

جعرانه میقات اهل مکه است برای حج قران وافراد. ودر حکم اهل مکه است کسی که دو سال تمام در مکه مجاور بوده که پس از گذشتن آن به منزلهء اهل

****مناسک حج (فارسی): ۱۱۳

مکه خواهد بود. واما پیش از دو سال حکمش در مسألهء «۱۴۶» گذشت.

۹ - محاذات مسجد شجره

کسی که تقریباً یک ماه یا بیشتر در مدینهء منوره اقامت نموده وعازم حج باشد وبخواهد از غیر راه متعارف مدینه تا مکه برود، همین که شش میل از مدینه دور شود محاذی وبرابر مسجد شجره خواهد بود وهمان جا میقاتش خواهد بود واز همان جا احرام می بندد. ودر تجاوز نمودن از محاذات مسجد شجره واحرام بستن از محاذات یکی از مواقیت دیگر، بلکه از خصوص

مورد مذکور نیز مشکل است، بلکه ظاهر این است که اگر فاصله زیاد باشد تعدی ننماید.

****مناسک حج (فارسی): ۱۱۴

۱۰ - أدنی الحل

أدنی الحل میقات عمره مفرده است بعد از حج قران یا افراد. بلکه برای هر عمره مفرده است برای کسی که در مکه است و بخواهد عمره مفرده به جا آورد. و افضل و بهتر آن است از حدیبیه یا جعرانه و تنعیم احرام ببندد. و حدیبیه و جعرانه و تنعیم، نام سه مکان می باشد که نزد اهل مکه مشهور و معروف است.

احکام میقات ها

مسأله ۱۶۴

احرام بستن پیش از میقات جایز نیست، همچنان که عبور از میقات با احرام کفایت نمی کند. بلکه بایستی از خود میقات احرام

****مناسک حج (فارسی): ۱۱۵

بسته شود. و از این حکم، دو مورد استثناء شده است.

۱ - آن که نذر نماید که پیش از رسیدن به میقات احرام ببندد، که در این صورت احرام بستن قبل از میقات صحیح و احتیاجی به تجدید آن در میقات یا گذشتن از میقات نیست. بلکه می تواند از راهی به مکه برود که به هیچ یک از میقات ها برخورد نکند، و در این حکم فرقی بین حج واجب و مستحب و عمره مفرده نیست. بلی فرقی که هست این است که اگر احرام برای حج باشد، لازم است در

ماه های حج باشد(شوال، ذی القعدة، ذی الحجه) چنان که گذشت.

۲ - کسی که قصد عمره مفرده در ماه رجب دارد و بیم آن داشته باشد که اگر احرام را از میقات ببندد موفق به درک عمره نشود، برای چنین شخصی جایز است قبل از میقات احرام ببندد و برای او عمره

****مناسک حج (فارسی): ۱۱۶

رجب شمرده می شود، هر چند اعمال عمره را در ماه شعبان به جا آورد. و در این حکم فرقی بین عمره واجب و مستحب نیست.

مسئله ۱۶۵

بر مکلف واجب است یقین به رسیدن به میقات پیدا نموده و احرام ببندد، یا اطمینان به آن حاصل نماید، یا حجت شرعی داشته باشد و چنان چه شک در رسیدن به میقات داشته باشد، احرام بستن برای او جایز نخواهد بود.

مسئله ۱۶۶

کسی که نذر نموده قبل از میقات احرام ببندد و برخلاف نذر خود از میقات احرام بست، احرام وی باطل نیست، ولی کفارهء مخالفت نذر بر او واجب می شود، اگر از روی عمد این کار را کرده باشد.

مسئله ۱۶۷

همچنان که تقدیم احرام بر میقات جایز نیست، تأخیر آن از میقات نیز جایز

****مناسک حج (فارسی): ۱۱۷

نیست. پس کسی که قصد حج یا عمره یا دخول مکه را دارد، نمی تواند در حال اختیار بدون احرام از میقات عبور نماید مگر آن که از میقات احرام ببندد، هر چند میقات دیگری در جلو داشته باشد. و هر گاه بدون احرام از میقات گذشته و پیشروی کرد، در صورت امکان باید به میقات برگردد.

مسئله ۱۶۸

اشاره

هر گاه مکلف از روی علم و عمد از میقات احرام نبسته و از آن گذشت، این مسئله چند صورت دارد:

اول: آن که می تواند به میقات برگردد، که در این صورت واجب است به میقات برگشته و از آن احرام ببندد، خواه برگشتنش از داخل حرم یا از خارج آن باشد. پس اگر چنین کاری کرد، عملش بدون اشکال صحیح خواهد بود.

دوم: آن که مکلف در حرم باشد و نتواند به

****مناسک حج (فارسی): ۱۱۸

میقات برگردد ولی بتواند از حرم بیرون برود، که در این صورت واجب است از حرم بیرون رفته و از بیرون حرم احرام ببندد.

سوم: آن که در حرم باشد و نتواند به میقات یا بیرون حرم برود، هر چند به جهت بیم فوت حج باشد. و در این صورت لازم است از جای خود احرام ببندد.

چهارم: آن که خارج حرم باشد و نتواند به میقات برگردد. در این صورت لازم است از جای خود احرام ببندد.

و جمعی از فقها (رحمه الله علیهم) در سه صورت اخیر حکم به بطلان عمره نموده اند، ولی صحت آن خالی از وجه نیست، هر چند مکلف به جهت ترک احرام از میقات مرتکب حرام شده است. لکن احوط مع ذلک در صورت امکان اعاده حج است. و چنان چه مکلف در سه صورت اخیر به وظیفه ای که

****مناسک حج (فارسی): ۱۱۹

گفته شد عمل ننمود و عمره را به جا آورد، بی شک حج وی فاسد خواهد بود.

مسئله ۱۶۹

اشاره

هرگاه انسان بجهت فراموشی یا بی هوشی و مانند این ها یا ندانستن حکم یا ندانستن میقات، احرام را ترک نماید، یعنی بدون احرام از میقات بگذرد، این مسئله نیز دارای چهار صورت می باشد:

اول: آن که بتواند به میقات برگردد، که در این صورت واجب است به میقات برگشته و از همانجا احرام ببندد.

دوم: آن که در حرم باشد و برگشتن به میقات غیر ممکن و به خارج حرم ممکن باشد، که در این صورت لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود. و اولی در این صورت این است که هر چه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد.

****مناسک حج (فارسی): ۱۲۰

سوم: آن که در حرم باشد و برگشتن به خارج حرم برایش ممکن نباشد، که در این صورت لازم است از جای خود احرام ببندد، هر چند وارد مکه شده باشد.

چهارم: آن که در خارج حرم باشد و نتواند به میقات برگردد، که در این صورت لازم است از جای خود محرم شود. و در تمام این چند صورت حکم به صحت عمل مکلف می شود، اگر وظایفی را که گفته شد انجام بدمد.

مسئله ۱۷۰

هر گاه زن حائض از روی جهل به حکم و ندانستن مسأله از میقات احرام نبسته و داخل حرم شد، بر او لازم است مانند دیگران در صورتی که نتواند به میقات برگردد، به خارج حرم رفته و از آن جا احرام ببندد. بلکه احتیاط این است که تا آن جا که ممکن است از حرم دور شود و احرام ببندد،

*****مناسک حج (فارسی): ۱۲۱

به شرطی که این عمل مستلزم فوت حج نباشد. و در صورتی که انجام این عمل برایش ممکن نباشد، با دیگران یکسان خواهد بود یعنی مانند دیگران از حرم محرم شود.

مسأله ۱۷۱

هر گاه عمره فاسد شد، واجب است در صورت امکان از سر گرفته شود. و چنان چه اعاده آن هر چند به جهت کمی وقت ممکن نباشد، حج وی فاسد خواهد بود و لازم است در سال بعد اعاده شود.

مسأله ۱۷۲

جمعی از فقها فرموده اند که اگر مکلف از روی نادانی یا فراموشی عمره را بدون احرام به جا آورد، عمره وی صحیح است. و این فرمایش خالی از اشکال نیست، و احتیاط در این صورت این است که به طوری که گفته شد در این صورت امکان اعاده نماید و این احتیاط البته نباید

*****مناسک حج (فارسی): ۱۲۲

ترک شود.

مسأله ۱۷۳

در سابق گذشت کسی که وطنش از مکه دور باشد، واجب است از یکی از میقات های پنجگانه که ذکر شد برای عمره احرام ببندد. پس اگر راهش از آن میقات ها باشد که اشکالی ندارد، و چنان چه راهش از آن جا نباشد، مانند وضع حجاج در این زمان که همگی ابتداءً وارد جده می شوند و جده از مواقیت نیست پس احرام از جده مجزی نیست حتی اگر محاذی و برابر یکی از آن ها باشد چنان که دانسته شد، علاوه بر اینکه محاذاتش ثابت نشده بلکه اطمینان به عدم محاذات وی می باشد پس با این حال بر حاجی لازم است که در صورت امکان به یکی از مواقیت برود یا از وطن و بلد خود یا در راه قبل از رسیدن به جده به مقداری که قابل ملاحظه باشد، هر چند در هواپیما باشد، نذر احرام

*****مناسک حج (فارسی): ۱۲۳

نموده و از محل نذر، احرام ببندد. و ممکن است برای کسی که وارد جده شده بدون احرام، برود به «رابغ» که در راه مدینه است و از آن جا به نذر احرام ببندد، به اعتبار اینکه قبل از جحفه که یکی از مواقیت است می باشد. و در صورتی که رفتن به

یکی از مواقیت ممکن نباشد و قبل از میقات هم به نذر محرم نشده، لازم است که از

جده با نذر احرام بسته و بعداً در خارج حرم قبل از دخول آن تجدید احرام کند.

مسئله ۱۷۴

در سابق گفته شد که شخصی که می خواهد حج تمتع به جا آورد، واجب است که برای حج خود از مکه محرم شود. پس اگر با علم و عمد از جای دیگری غیر از مکه احرام ببندد احرامش صحیح نخواهد بود، هر چند با احرام وارد مکه شود. بلکه در صورت امکان واجب است احرام را در مکه تجدید نماید، و در غیر این صورت حجش

****مناسک حج (فارسی): ۱۲۴

باطل خواهد بود.

مسئله ۱۷۵

هر گاه کسی که می خواهد حج تمتع نماید فراموش نمود که از مکه محرم شود، در صورت امکان واجب است به مکه برگردد و اگر ممکن نشد، از جای خود هر چند در عرفات باشد احرام ببندد. و همچنین است حکم کسی که مسأله را نمی دانسته.

مسئله ۱۷۶

کسی که احرام حج را بکلی فراموش نموده و تا پایان اعمال حج یادش نیاید، حجش صحیح است. و همچنین است حکم جاهل به مسأله.

کیفیت احرام

اشاره

واجبات احرام سه چیز است: نیت، تلبیه،

****مناسک حج (فارسی): ۱۲۵

پوشیدن لباس احرام.

اول: نیت،

اشاره

یعنی قصد به جا آوردن آنچه در حج و عمره واجب شده قریه الی الله تعالی. و چنان چه اعمال واجب است را به طور تفصیل نداند، واجب قصد به جا آوردن را به طور اجمال نماید. و در این هنگام لازم است تدریجاً آنچه بر او وارد می شود از روی

مناسک یاد گرفته یا از کسی که مورد وثوقش باشد بی‌رسد. پس هر گاه بدون قصد، احرام بست احرامش باطل خواهد بود. و در نیت چند چیز معتبر است:

۱ - قصد قربت (نزدیکی به خدا) مانند عبادات دیگر غیر از احرام.

۲ - همزمان بودن با شروع در احرام.

۳ - تعیین احرام که برای عمره است یا برای حج، و تعیین حج که تمتع است یا قران یا افراد، و تعیین

****مناسک حج (فارسی): ۱۲۶

اینکه برای خود است یا برای دیگری، و تعیین اینکه حجش حجه الاسلام است که برای اولین بار به استطاعت بر او واجب شده یا حج نذری است که به سبب نذر بر او واجب شده یا حج نذری است که به سبب فاسد بودن حج قبل بر او واجب شده یا حج مستحبی است. خلاصه هر یک از این‌ها که باشد باید در نیت مشخص شود. پس اگر بدون تعیین نیت، احرام نمود احرامش باطل خواهد بود.

مسئله ۱۷۷

در صحت نیت گفتن به زبان و گذراندن از ذهن معتبر نیست یعنی لازم نیست نیت را به زبان آورده یا از ذهن خود بگذرانند. بلکه داعی بر آن کفایت می‌کند، مانند عبادت‌های دیگر که در آن‌ها داعی کافی است.

مسئله ۱۷۸

در صحت احرام عزم بر ترک محرمات از اول تا آخر احرام معتبر نیست، مگر

****مناسک حج (فارسی): ۱۲۷

استمناء و جماع. پس اگر از اول احرام حج قصدش این باشد که پیش از وقوف به مزدلفه استمناء یا با عیال خود جماع (نزدیکی) نماید یا مردد باشد، احرامش باطل خواهد بود. و اما اگر از اول عزمش ترک این دو امر باشد و عزمش تا آخر استمرار نداشته باشد، به اینکه پس تحقق احرام قصد به جا آوردن یکی از این دو امر را نماید، احرامش باطل نخواهد شد.

دوم: تلبیه

اشاره

، یعنی گفتن این چند جمله است { : «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» } و احوط و اولی اضافه نمودن این جمله { : «إِنَّ الْحَمِيدَ وَ النَّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» } و جایز است کلمه « لَكَ » بعد از کلمه { «وَ الْمُلْكَ» } اضافه شود که { بگوید «وَ الْمُلْكَ لَكَ» } و تلبیه کامل این است: { «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» }

****مناسک حج (فارسی): ۱۲۸

{ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلْكَ لَكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ } . یعنی پروردگارا اجابت و اطاعت می کنم فرمان تو را، برای تو شریک نیست، به درستی که ستایش تو را سزاست و نعمت و ملک و پادشاهی از آن تو است، شریکی برای تو در آن ها نیست.

مسئله ۱۷۹

بر مکلف لازم است الفاظ تلبیه را یاد گرفته و به طور صحیح ادا نماید، مانند تکبیره الاحرام در نماز، هر چند این معنی با تلقین دیگری باشد، یعنی دیگری که خوب بلد است بگوید او مانند او بگوید. پس اگر این الفاظ را یاد نگرفت و تلقین هم برایش میسور نبود، واجب است آنچه می تواند بگوید. واحوط در این صورت جمع بین گفتن به مقدار میسور و گفتن ترجمه آنها و نایب گرفتن دیگری است که به جای او بگوید.

مسئله ۱۸۰

شخص گنگ و لال با انگشت

****مناسک حج (فارسی): ۱۲۹

خود به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد. واولی این است که این کار را خود انجام داده و نایب هم بگیرد که به جای او تلبیه بگوید.

مسئله ۱۸۱

بچ غیر ممیز، دیگری به جای او تلبیه می گوید.

مسئله ۱۸۲

احرام حج تمتع و احرام عمره تمتع و احرام حج افراد و احرام عمره مفرده، بدون تلبیه منعقد نمی شود. و اما حج قران همچنان که به تلبیه محقق و منعقد می شود، به اشعار یا تقلید نیز محقق می شود. و اشعار مختص به شتر قربانی است و تقلید مشترک بین شتر و غیر آن از گاو و گوسفند از انواع قربانی است. واولی در شتر جمع بین اشعار و تقلید است. واحوط در حج قران تلبیه است، هر چند احرامش به اشعار یا تقلید منعقد شده است. و اشعار عبارت از پاره کردن طرف راست کوهان شتر است به

****مناسک حج (فارسی): ۱۳۰

این معنی که محرم طرف چپ قران ایستاده و طرف راست کوهانش را پاره نموده خون آلود نماید. و تقلید عبارت از این است که نعلین کهنه ای که با آن نماز گزارده باشد به گردن قربانی بیاویزد.

مسئله ۱۸۳

در صحت احرام، طهارت از حدث اصغر واکبر شرط نیست و کسی که محدث به حدث اصغر یا حدث اکبر باشد احرام وی صحیح است. به عبارت واضح تر احرام شخص بی وضو یا جنب یا زن در حال حیض یا نفاس اشکالی ندارد. بنابر این جنب و حائض و نفساء می توانند احرام ببندند.

مسئله ۱۸۴

تلبیه در احرام به منزله تکییره الاحرام در نماز است. پس احرام بدون تلبیه و اشعار و تقلید نسبت به شخصی که می خواهد حج قران به جا آورد محقق نمی شود. پس هرگاه نیت احرام نموده

*****مناسک حج (فارسی): ۱۳۱

و لباس احرام را پوشید و یکی از محرّمات احرام را قبل از تحقیق احرام (تلبیه گفتن یا اشعار و تقلید) به جا آورد، گناهی نکرده و کفاره ای بر وی نخواهد بود.

مسئله ۱۸۵

کسی که می خواهد از راه مدینه به حج برود، بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به «بیداء» (جایی است که یک میل با ذو الحلیفه به طرف مکه فاصله دارد) تأخیر نموده و در آن جا تلبیه بگوید. و کسی که از راه دیگر به حج برود تلبیه را پس از قدری را رفتن بگوید. و کسی که از مکه می خواهد به حج برود، تلبیه را تا رسیدن به «رقطا» (جایی که نامش مدعی و قبل از ردم است) تأخیر نماید. ولی احتیاط این است که از جایی که احرام می بندد فوراً تلبیه را آهسته بگوید و از جایی که گفته شد بلند بگوید.

مسئله ۱۸۶

کسی که عمره تمتع به جا

*****مناسک حج (فارسی): ۱۳۲

می آورد واجب است هنگامی که چشمش به خانه های قدیم مکه افتاد تلبیه نگوید. و کسی که عمره مفرده به جا می آورد اگر از خارج حرم آمده باشد، هنگام دخول حرم و چنان چه از مکه بیرون رفته که احرام عمره ببندد، هنگام دیدن کعبه (خانه خدا) تلبیه را قطع نماید. و کسی که حج به جا می آورد هر نوع حجی باشد، هنگام زوال (ظهر) روز عرفه تلبیه را قطع نماید.

مسئله ۱۸۷

اگر پس از پوشیدن لباس احرام و پیش از گذشتن از میقات، شک کند که تلبیه گفته یا نه بنابر نگفتن گذاشته و تلبیه بگوید

و اگر بعد از تلبیه گفتن شک کند که آیا درست گفته یا نه. بنا بر درست بودن بگذارد و احرام و عملش صحیح است.

سوم: پوشیدن دو جامهء احرام

اشاره

(اِزار و رداء) است پس از کندن رخت هایی که پوشیدنش بر محرم حرام است. و پوشیدن آن دو جامه به این نحو است

****مناسک حج (فارسی): ۱۳۳

که یکی را مانند لنگ به دور کمر خود بسته و آن را «اِزار» گویند و دیگری را مانند عبا بر دوش بگیرد و آن را «رداء» گویند. و بجههء نابالغ از این حکم مستثنی می باشد و جایز است کندن لباس او تا رسیدن به «فخ» تأخیر شود.

مسئله ۱۸۸

پوشیدن دو جامهء احرام واجب تعبدی است و شرط تحقق احرام نیست بنا بر اظهر. و احتیاط این است که پوشیدن آن ها به نحو متعارف باشد.

مسئله ۱۸۹

اِزار باید به اندازه ای باشد که از ناف تا زانو را بپوشاند. و رداء باید به اندازه ای باشد که دو شانه را بپوشاند. و احتیاط این است که پوشیدن آن ها پیش از نیت و تلبیه باشد. پس اگر نیت و تلبیه را پیش از پوشیدن به جا آورد، پس از پوشیدن اعاده نماید.

****مناسک حج (فارسی): ۱۳۴

مسئله ۱۹۰

هرگاه از روی نادانی یا فراموشی موقعی که پیراهن پوشیده احرام بست، آن را فوراً بکند و احرامش صحیح است. بلکه اظهر این است که حتی در صورتی که از روی علم و عمد در پیراهن یا جامهء عادی احرام ببندد، صحیح خواهد بود. و اما اگر بعد از احرام پیراهنی پوشید، احرامش بدون شک صحیح است ولی باید آن را از طرف پا بکند و چنان چه یخهء آن تنگ باشد که نشود از طرف پا بکند، آن را شکافته یا دریده و از طرف پا بکند. خلاصه آن که نباید از طرف سر کنده شود.

مسئله ۱۹۱

پوشیدن بیش از دو جامه در اول احرام یا بعد از آن برای جلوگیری از سرما یا گرما یا غیر آن عیبی ندارد.

مسئله ۱۹۲

آن چه در لباس نماز گزار شرط است، در دو جامه احرام نیز شرط است. پس لازم

****مناسک حج (فارسی): ۱۳۵

است که دو جامهء احرام از حریر خالص و از اجزای حیوانی که خوردن گوشتش حرام است نباشد. وزر بفت نیز نباشد و همچنین لازم است پاک باشد. بلی نجس شدن به نجاستی که در نماز بخشوده است عیبی ندارد.

مسئله ۱۹۳

ازار باید بدن نما نباشد. واحوط این است رداء نیز بدن نما نباشد.

مسئله ۱۹۴

احوط در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمند نباشد.

مسئله ۱۹۵

پوشیدن رداء و ازار فقط بر مردان واجب است و زنان می توانند در رخت های عادی خود در صورتی که دارای شرایط ذکر شده باشد احرام ببندند.

مسئله ۱۹۶

پوشیدن حریر گرچه فقط بر

****مناسک حج (فارسی): ۱۳۶

مردان حرام است، اما زنان نیز نباید در جامهء حریر احرام ببندند. واحتیاط این است که هیچ چیزی که از حریر خالص باشد، در تمام احوال احرام نپوشند.

مسئله ۱۹۷

چنان چه یکی از دو جامهء احرام یا هر دو بعد از احرام بستن نجس شود، احوط این است که هر چه زودتر تبدیل یا تطهیر نماید.

مسئله ۱۹۸

واجب نیست جامه های احرام را به طور دائم بپوشد و برداشتن رداء از روی دوش برای ضرورت یا غیر آن عیبی ندارد، همچنان که عوض کردن آن در صورتی که آن عوض دارای شرایط ذکر شده باشد عیبی ندارد.

تروک احرام

اشاره

در گذشته گفته شد که احرام به تلبیه یا اشعار

****مناسک حج (فارسی): ۱۳۷

یا تقلید محقق می شود و بدون آن ها احرام منعقد نخواهد شد، هر چند نیت احرام حاصل شده باشد، پس هرگاه مکلف احرام بست، بیست و پنج چیز بر او حرام می شود که آن ها را تروک احرام می نامند:

۱ - شکار حیوان صحرائی.

۲ - نزدیکی با زنان

۳ - بوسیدن زن

۴ - دست زدن به زن

۵ - نگاه کردن به زن

۶ - استمناء

۷ - عقد نکاح

۸ - استعمال بوی خوش

۹ - پوشیدن لباس دوخته بر مردان

۱۰ - سرمه کشیدن

۱۱ - نگاه در آینه

****مناسک حج (فارسی): ۱۳۸

۱۲ - پوشیدن چکمه و جوراب بر مردان

۱۳ - دروغ گفتن

۱۴ - مجادله (بگو مگو کردن)

۱۵ - کشتن شپش و مانند آن

۱۶ - زینت کردن

۱۷ - روغنمالی بدن

۱۸ - کندن موی بدن

۱۹ - پوشاندن سر بر مردان

۲۰ - پوشانیدن رو بر زنان

۲۱ - زیر سایه رفتن بر مردان

۲۲ - خارج نمودن خون از بدن

۲۳ - ناخن گرفتن

۲۴ - دندان کشیدن

۲۵ - همراه داشتن سلاح

و تفصیل این امور در مسائل ذیل بیان خواهد

****مناسک حج (فارسی): ۱۳۹

شد.

۱- شکار حیوان صحرائی

مسئله ۱۹۹

محرم خواه در حرم خواه در حل (خارج حرم) باشد، نباید حیوان صحرائی را شکار نموده یا بکشد، چه آن که حلال گوشت باشد یا نباشد همچنان که جایز نیست کشتن حیوان صحرائی، اگرچه بعد از شکار اهلی شده باشد. و شکار در حرم مطلقاً جایز نیست، هر چند شکارچی محرم نباشد.

مسئله ۲۰۰

همچنان که شکار حیوان صحرائی بر محرم حرام است، کمک دیگری در شکار نیز حرام است، هر چند با اشاره باشد. و در حرمت کمک بین اینکه شکارچی محرم باشد یا محل فرقی نیست.

مسئله ۲۰۱

محرم نباید شکار را به دست گرفته یا از او نگهداری کند، اگرچه شکارش پیش از احرام باشد. ونباید از گوشت شکار بخورد، هر چند شکار کننده محل باشد. و نیز حرام است بر محل خوردن گوشت شکاری که محرم او را ذبح نموده و همچنین شکاری را که محل در حرم ذبح نموده باشد. و ملخ ملحق به حیوان صحرائی است و شکار و گرفتن و خوردنش حرام است.

مسئله ۲۰۲

حکم مذکور مختص به حیوان صحرائی است و شکار حیوان دریایی مانند ماهی اشکالی ندارد. و مقصود از دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند، و اما حیوانی که در صحرا و دریا هر دو زندگی می کند ملحق به صحرائی می باشد. و در صورت شک به اینکه صحرائی است یا دریایی بنابر اظهر اشکالی ندارد. همچنین کشتن حیوان اهلی مانند

مرغ خانگی و حبشی اگرچه وحشی شده باشد، و گوسفند و گاو و شتر عیبی ندارد.

مسئله ۲۰۳

جوجه و تخم حیوانات مذکور، در حکم تابع خود آن ها است یعنی همان طور که شکار حیوان صحرائی حرام است، شکار جوجه یا برداشتن تخم آن نیز حرام است و همان طور که کشتن حیوان اهلی و شکار حیوان دریایی جایز است، کشتن جوجه و کشتن تخم آن ها نیز جایز است.

مسئله ۲۰۴

کشتن درندگان برای محرم جایز نیست مگر در صورتی که از آن ها بر خود بترسد یا کبوتران حرم را اذیت کنند. و در کشتن درندگان کفاره نیست حتی شیر بنابر اظهر، خواه کشتنشان جایز باشد یا نباشد.

مسئله ۲۰۵

محرم می تواند افعی و مار بزرگ سیاه و مارهای بد و عقرب و موش را بکشد و در کشتن

هیچ کدام کفاره نیست.

مسئله ۲۰۶

محرم می تواند به کلاغ و باز شکاری تیراندازی کند و در صورتی که تیر به آن ها برسد و کشته شوند کفاره ندارد.

کفارات شکار

اشاره

برای کشتن و شکار هر یک از حیوانات صحرائی در شریعت مطهره کفاره ای معین شده که در مسائل ذیل بیان خواهد شد.

مسئله ۲۰۷

در کشتن شتر مرغ، یک شتر و در کشتن گاو وحشی، یک گاو در کشتن خر وحشی، یک شتر یا یک گاو، و در کشتن آهو و خرگوش، یک گوسفند و همچنین در کشتن روباه بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره هست.

****مناسک حج (فارسی): ۱۴۳

مسئله ۲۰۸

کسی که شکاری کرد چنان چه کفاره آن شتر باشد و یافت نشود باید شصت مسکین را اطعام نماید، برای هر مسکین یک مَیْد که تقریباً ده سیر است. و اگر این را هم نتواند، باید هیجده روز روزه بگیرد. و اگر کفاره گاو باشد و دست نیاید یا مقدور نباشد باید سی مسکین را اطعام نماید. و اگر این را هم نتواند نه روز، روزه بگیرد. و اگر کفاره گوسفند باشد و یافت نشود یا نتواند تهیه کند باید ده مسکین را اطعام نماید. و اگر متمکن نباشد باید سه روز روزه بگیرد.

مسئله ۲۰۹

هر گاه محرم در خارج از حرم کبوتر یا مانند آن را شکار نموده و بکشد یک گوسفند باید کفاره بدهد. و در جوجه آن، یک بره یا بزغاله باید کفاره بدهد. و در شکستن تخم آن، یک درهم بنا بر احتیاط باید کفاره بدهد. و هر گاه مُحل (غیر محرم)

****مناسک حج (فارسی): ۱۴۴

کبوتر و مانند آن را در حرم بکشد، یک درهم و در جوجه آن نیم درهم و در تخم آن ربع درهم کفاره بدهد و هر گاه محرم در حرم آن را بکشد، هر دو کفاره بر او واجب می شود. و همچنین است در کشتن جوجه و شکستن تخم. و تخم اگر جوجه در آن به حرکت آمده، حکم جوجه را دارد.

مسئله ۲۱۰

کفاره شکار قطاه (مرغی است که آن را به فارسی سنگخوار نامند) و کبک و دراج و مانند آن، یک بره است که از شیر گرفته شده و علفخوار باشد. و کفار شکار گنجشک و قهره که نوعی از مرغان می باشد که در فارسی آن را چکاوک نامند و صعوه

(مرغی است کوچک و به فارسی آن را سنگانه نامند) و مانند آن بنا بر مشهور، یک مُد که تقریباً سه ربع کیلو (ده سیر) گندم یا جو یا نان و مانند این هاست واحوط در این ها یک بره از شیر گرفته شده است.

****مناسک حج (فارسی): ۱۴۵

و كفاره كشتن يك ملخ، يك دانه خرما و كفاره بيشتر از يك ملخ، يك مشت گندم و مانند آن و در زياد آن يك گوسفند است.

مسأله ۲۱۱

كشتن موش صحرايي و خار پُشت و سوسمار و مانند اين ها، يك بزغاله كفاره دارد. و يك نوع مارمولك (عظايه) يك مشت طعام كفاره دارد.

مسأله ۲۱۲

كشتن عمدی زنبور مقداری طعام كفاره دارد. و در صورتی که كشتن به جهت دفع اذیت باشد كفاره ندارد.

مسأله ۲۱۳

در راهی که ملخ زياد است، بايستی محرم راه خود را كج كند که آن را نكشد و اگر نتواند اين كار را بکند که خواه ناخواه ملخ پايمال می شود عيبي ندارد.

مسأله ۲۱۴

اگر جماعتی در كشتن شکاری

****مناسک حج (فارسی): ۱۴۶

شركت کردند، بر هر يك كفاره مستقلى هست.

مسأله ۲۱۵

كفاره خوردن شكار مانند كفاره خود شكار است. پس اگر محرم شکاری کرد و آن را خورد، دو كفاره بايد بدهد، یکی برای شكار و دیگری برای خوردن آن.

مسأله ۲۱۶

کسی که شکار همراه دارد و داخل حرم شود. باید او را رها کند و چنان چه رهایش نکرد تا مُرد باید کفاره بدهد بلکه نسبت به کسی که قبل از احرام شکاری کرده و بعداً محرم شود، این نیز جاری است یعنی باید بعد از احرام شکار را رها کند، هر چند داخل حرم نشده باشد بنا بر احتیاط.

مسئله ۲۱۷

و جوب کفاره در کشتن شکار و خوردنش فرقی ندارد چه از روی عمد یا سهو یا نادانی باشد.

مسئله ۲۱۸

در شکار مکرر کفاره نیز مکرر

****مناسک حج (فارسی): ۱۴۷

می شود، خواه شکار از روی نادانی یا فراموشی یا خطا باشد. و همچنین است در صورت عمد اگر شکار در حرم و شکار کننده مُحل باشد یا شکار کننده محرم به احرام های متعدد باشد، و اما اگر شکار عمداً از محرم به یک احرام مکرر شد، کفاره مکرر نخواهد شد.

۲- نزدیکی با زنان

مسئله ۲۱۹

نزدیکی با زنان (جماع) در اثنای عمره تمتع و عمره مفرده و حج و بعد از آن پیش از به جا آوردن نماز طواف نساء، بر محرم حرام است.

مسئله ۲۲۰

هرگاه در عمره تمتع از روی علم و عمد با زنی از عقب یا جلو نزدیکی نماید چنان چه پس از فراغت از سعی باشد، عمره اش فاسد

****مناسک حج (فارسی): ۱۴۸

نمی شود و کفاره بر او واجب می شود، و کفاره اش بنا بر احتیاط یک شتر است و در صورت عجز از آن، یک گاو و در صورت عجز، یک گوسفند است. و چنان چه پیش از سعی باشد کفاره اش مانند گذشته است و عمره اش نیز بنا بر اظهر باطل نمی شود ولی احتیاط این است که عمره را پیش از حج در صورت امکان اعاده نماید و در صورت عدم امکان، در سال بعد حج را اعاده کند.

هرگاه کسی که احرام حج بسته قبل از وقوف در مزدلفه از روی علم و عمد با زنی قبلاً و دبراً نزدیکی نماید، حج او و حج آن در صورتی که محرم و دانا و راضی به این عمل بوده باطل می شود و بر هر یک واجب است حج را تمام نموده و کفاره داده و حج را در سال بعد اعاده نماید، خواه حجشان واجب باشد یا مستحب. ولی اگر زن مجبور بر این عمل بوده حجش فاسد نمی شود و بر مرد دو کفاره واجب

****مناسک حج (فارسی): ۱۴۹

می شود و بر زن چیزی نخواهد بود. و کفاره این عمل در صورت قدرت و تمکن، یک شتر و در صورت عجز، یک گاو و در صورت عجز، یک گوسفند است. و واجب است بین آن مرد و آن زن از جای وقوع این عمل در این حج و حجی که بعداً اعاده خواهد کرد جدایی باشد تا آن که پس از وقوفین به آن محل برسند. و هرگاه نزدیکی پس از گذشتن از منی به عرفات باشد، لازم است جدایی آن ها تا وقت نحر در منی مستمر باشد. واحوط

این است که جدایی آن ها ت فراغت از تمام اعمال حج استمرار داشته باشد.

مسأله ۲۲۲

هرگاه محرم بعد از وقوف در مزدلفه از روی علم و عمد با عیال خود نزدیکی کند چنان چه پیش از طواف نساء باشد، مانند گذشته کفاره بر او واجب می شود ولی حجش فاسد نمی شود. و همچنین است اگر این عملش پیش از دور پنجم

****مناسک حج (فارسی): ۱۵۰

طواف نساء باشد. و اما اگر بعد از طواف نساء بوده کفاره نیز ندارد.

مسأله ۲۲۳

کسی که از روی علم و عمد در عمره مفرده بعد از سعی با زن خود نزدیکی نماید، مانند سابق کفاره بر او واجب می شود ولی عمره اش فاسد نمی شود. ولی اگر قبل از سعی باشد عمره اش نیز باطل و واجب است تا یک ماه در مکه توقف نماید سپس به یکی از مواقیت رفته و از آن جا برای عمره دوم محرم شود، واحوط این است که همان عمره فاسده را نیز تمام کند.

مسأله ۲۲۴

کسی که از احرام درآمده اگر با زن خود که در حال احرام است نزدیکی نماید، کفاره بر زن واجب می شود ولی مرد باید غرامت آن را بدهد. و کفاره اش یک شتر است.

مسأله ۲۲۵

شخص محرم هرگاه از روی

****مناسک حج (فارسی): ۱۵۱

نادانی یا فراموشی با زن خود نزدیکی نماید، عمره و حجش صحیح است و کفاره ای بر او واجب نمی شود. و این حکم نسبت به سایر محرمتی که موجب کفاره است و ذیلاً بیان می شود، نیز جاری است، به این معنی که هر عملی که از محرم از روی جهل و نسیان سر بزند کفاره ندارد، مگر موارد ذیل:

۱ - آن که طواف حج را فراموش نموده و با عیال خود نزدیکی نماید یا مقداری از سعی را در عمره تمتع فراموش نموده و از احرام درآمد به گمان اینکه فارغ شده است از سعی و یا آن که بعد از سعی و قبل از تقصیر به جهت ندانستن حکم با زن خود نزدیکی کند.

۲ - کسی که دست خود را بیخود بر سر یا ریش خود بکشد و یک یا دو مو از آن بیفتد.

۳- آن که بدن خود را روغن مالی کند از روی

*****مناسک حج (فارسی): ۱۵۲

نادانی. وحکم تمام این ها در جای خود ذکر خواهد شد. ان شاءالله تعالی

۳- بوسیدن زن

مسئله ۲۲۶

جایز نیست محرم زن خود را از روی شهوت ببوسد وچنان چه او را بوسید و منی از او خارج شد، لازم است یک شتر کفاره بدهد. وهمچنین است اگر منی از او خارج نشود بنابر احتیاط. واما اگر بوسیدن از روی شهوت نباشد یک گوسفند کفاره دارد.

مسئله ۲۲۷

هرگاه شخص بعد از طواف نساء زن خود را که در حال احرام است ببوسد، باید بنابر احتیاط یک گوسفند بکشد.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۵۳

۴- لمسی زن

مسئله ۲۲۸

شخص محرم نباید دست یا بدن خود را از روی شهوت به بدن زن خود بمالد، وچنان چه این کار را کرد، باید یک گوسفند کفاره بدهد. وچنان چه این عمل از روی شهوت نباشد چیزی بر او نخواهد بود.

۵- نگاه کردن به زن وملاعبه با او

مسئله ۲۲۹

هرگاه محرم از روی شهوت به زن خود نگاه کند و منی از او بیرون بیاید، یک شتر باید کفاره بدهد. ولی اگر از روی شهوت نگاه کند و منی از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کند و منی

*****مناسک حج (فارسی): ۱۵۴

بیرون بیاید کفاره ندارد.

مسئله ۲۳۰

هرگاه محرم با همسر خود ملاعبه و شوخی نماید تا آن که منی از او بیرون بیاید، لازم است یک شتر کفاره بدهد. وچنان چه به زن اجنبی از روی شهوت یا بدون شهوت نگاه کند و منی از او بیرون بیاید، کفاره اش یک شتر است اگر دارا باشد و یک گاو است اگر متوسط باشد و یک گوسفند است اگر فقیر باشد. واما اگر به او نگاه کند هرچند از روی شهوت باشد و منی از او بیرون نیاید، اگر چه حرامی به جا آورده اما کفاره ندارد.

مسئله ۲۳۱

محرم می تواند به غیر از آنچه گفته شد از عیال خود لذت ببرد بنابر اظهر. ولی احوط ترک استمتاع است مطلقاً.

****مناسک حج (فارسی): ۱۵۵

۶- استمناء

مسئله ۲۳۲

هرگاه محرم با آلت خود بازی نماید و منی از او بیرون آمد، حکمش حکم کسی است که با زن خود نزدیکی کرده باشد. بنابر این اگر استمناء در احرام حج پیش از وقوف در مزدلفه باشد، حش فاسد خواهد بود و لازم است حج را تا خر به جا آورد و در سال بعد اعاده نماید. همچنان که اگر این کار را در عمره مفرد پیش از فراغت از سعی بکند، عمره اش فاسد بوده و لازم است آن را به پایان رسانده و یک ماه در مکه توقف نموده سپس به یکی از مواقیت رفته و از آن جا برای عمره مفرد احرام ببندد، چنان که در مسئله «۲۲۳» بیان شد. و کفاره استمناء مانند کفاره جماع است. وچنان چه بدون بازی با آلت

****مناسک حج (فارسی): ۱۵۶

استمناء نمود مثل اینکه به نگاه کردن به زن یا در نظر آوردن و خیال مانند این ها منی از او بیرون بیاید، کفاره بر او واجب می شود و بنابر اظهر حج و عمره اش فاسد نخواهد شد هرچند رعایت احتیاط

بهتر است یعنی آنها را اعاده نماید.

۷- عقد نکاح

مسئله ۲۳۳

ازدواج در حال احرام برای خود یا دیگری حرام است، خواه دیگری در حال احرام باشد یا از احرام بیرون آمده باشد و خواه عقد دائمی باشد یا منقطع یعنی ازدواج باشد یا صیغه. و در تمام این چند صورت عقد باطل خواهد بود.

مسئله ۲۳۴

هرگاه محرم یا غیر محرم زنی را برای محرم عقد نماید و شوهر با آن زن نزدیکی کند

****مناسک حج (فارسی): ۱۵۷

و عقد کننده وشوهر بدانند چنین عقدی در حال احرام حرام است، بر هر یک کفارهء یک شتر واجب می شود، وهمچنین بر زن نیز واجب می شود، اگر می دانسته که ازدواج در حال احرام حرام است.

مسئله ۲۳۵

حاضر شدن در مجلس عقد و گواهی دادن بر آن بنا بر قول مشهور بر محرم حرام است. و این قول موافق احتیاط است. و بعضی از فقها فرموده اند که گواهی بر عقدی که قبلاً واقع شده نیز بر محرم حرام است، ولی دلیلش ظاهر نیست.

مسئله ۲۳۶

احوط این است که محرم خواستگاری نیز ننماید. بلی اگر زنی را قبلاً طلاق داده، رجوع به او عیبی ندارد. همچنان که خریدن کنیز عیبی ندارد، هر چند خریدنش برای لذت بردن از او باشد، و احتیاط این است که خریدنش به قصد استمناء در حال احرام نباشد. و تحلیل کنیز خود

****مناسک حج (فارسی): ۱۵۸

برای دیگری یا قبول آن از دیگری، اظهر جواز آن است.

۸ – استعمال بوی خوش

مسئله ۲۳۷

استعمال بوی خوش از قبیل زعفران و عود و عنبر و مُشک و ورس به خوردن و بوئیدن و مالیدن بر بدن، بر محرم حرام است. و همچنین پوشیدن لباسی که اثری از بوی خوش در او باشد. و احوط اجتناب از هر بوی خوشی است.

مسئله ۲۳۸

خوردن میوه های خوشبو مانند سیب و به عیبی ندارد. ولی بنا بر احتیاط از بوئیدن آن ها هنگام خوردن باید خودداری شود.

مسئله ۲۳۹

بر محرم واجب نیست که هنگام سعی بین صفا و مروه در صورتی که عطر

****مناسک حج (فارسی): ۱۵۹

فروشی آن جا باشد، بینی خود را از بوی خوش بپوشاند. ولی احتیاط لازم این است که در غیر حال سعی، بینی خود را از هر بوی خوشی بپوشاند. و بوئیدن خلوق کعبه که یک نوع عطر است عیبی ندارد.

مسئله ۲۴۰

هرگاه محرم عمداً مقداری بوی خوش استعمال کند، کفاره اش بنا بر مشهور یک گوسفند است. ولی ثبوت کفاره در غیر خوردن، محل اشکال است هر چند احوط کفاره دادن است.

مسئله ۲۴۱

بر محرم حرام است که بینی خود را از بوی بد بگیرد. بلی تند رفتن از جهت خلاصی از بوی بد عیبی ندارد.

۹- پوشیدن لباس دوخته بر مردان

مسئله ۲۴۲

پوشیدن پیراهن وقبا و شلوار

****مناسک حج (فارسی): ۱۶۰

و زیر شلواری و جامهء دکمه دار با بستن دکمهء آن و درع و (زره) و هر جامه ای که آستین دار باشد که دست در او برود، بر مرد محرم حرام است. و احوط اجتناب از هر جامهء دوخته بلکه شبیه دوخته است، مانند نمدی که چوپانان آن را می پوشند. و پوشیدن همیان دوخته (کمربندی که پول در او گذاشته می شود) جایز است. و همچنین استعمال فتق بند برای کسی که فتق دارد عیبی ندارد. و جایز است محرم هنگام خوابیدن، با لحاف و مانند آن از چیزهای دوخته بجز سر، تن خود را بپوشاند.

مسئله ۲۴۳

احوط این است که ازار (لنگ) خویش را به گردن خود بلکه مطلقاً گره نزنند، ولو بعض آن را به بعض دیگر. و چیزی مانند سنجاق نیز در او فرو نبرد. و احوط این است که رداء نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در او عیبی

****مناسک حج (فارسی): ۱۶۱

ندارد.

مسئله ۲۴۴

پوشیدن لباس دوخته هر طور باشد برای زنان عیبی ندارد، مگر دستکش که آن را نپوشد.

مسئله ۲۴۵

هرگاه محرم لباسی را که حرام است عمداً بپوشد، کفاره اش یک گوسفند است. و احوط لزوم کفاره است حتی در صورتی که مضطر به پوشیدن آن باشد.

مسأله ۲۴۶

سرمه کشیدن چند صورت دارد:

۱ - آن که سرمه سیاه را به قصد زینت به چشم خود بکشد، که این کار بر محرم حرام است قطعاً

****مناسک حج (فارسی): ۱۶۲

و کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

۲ - آن که سرمه سیاه ولی به قصد زینت نباشد.

۳ - آن که سرمه سیاه نباشد با قصد زینت. واحوط و در این دو صورت اجتناب و کفاره دادن است در فرض سرمه کشیدن.

۴ - آن که سرمه سیاه نباشد، و قصد زینت هم نداشته باشد که این کار عیبی ندارد و کفاره هم ندارد.

۱۱ - نگاه کردن در آینه

مسأله ۲۴۷

نگاه کردن در آینه بر محرم جهت زینت، حرام است و کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است. ولی اگر نگاه کردن برای زینت نباشد، مانند نگاه کردن شوfer در آینه که دو پهلو یا

****مناسک حج (فارسی): ۱۶۳

پشت سر خود را ببیند، عیبی ندارد. و مستحب است کسی که برای زینت در آینه نگاه کردن، تلبیه را تجدید نماید. اما پوشیدن عینک بدون قصد زینت برای زن و مرد عیبی ندارد و بهتر پوشیدن است. و این حکم در اجسام شفاف و صیقلی دیگر مانند آب صاف و شیشه تمیز جاری نمی شود و نگاه کردن در آن ها عیبی ندارد.

۱۲ - پوشیدن چکمه و جوراب

مسأله ۲۴۸

پوشیدن چکمه (خُف) یا جوراب بر مرد محرم حرام است و کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است. ولی زن می تواند آن را بپوشد. واحوط پوشیدن چیزی است که تمام پشت پا را بپوشاند. و چنان چه برای مرد محرم نعلین و مانند آن فراهم نشد و ضرورت ایجاب کرد که خف یا جوراب

****مناسک حج (فارسی): ۱۶۴

پوشد. احوط این است روی آن را بشکافد. وپوشاندن پشت پا بدون پوشش عیبی ندارد.

۱۳- دروغ و دشنام

مسأله ۲۴۹

دروغ و دشنام در هر حال حرام است، ولی حرمتشان در حال احرام مؤکد و شدیدتر است. و مراد از فسوق در آیه مبارکه (فَلَا رَفَتْ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ) دروغ و دشنام است. اما مفاخرت یعنی اظهار فخر از حیث حسب و نسب که شخص محرم بگوید من چنین و چنان

اول: آن که بری اثبات فضیلت و برتری برای خود باشد که توهین دیگری را دربر داشته باشد. این عمل فی نفسه حرام است.

****مناسک حج (فارسی): ۱۶۵

دوم: آن که اثبات فضیلت برای خود باشد بدون اینکه به دیگری اهانت شود. و این عیبی ندارد و بر محرم و غیر محرم حرام نیست.

۱۴- جدال نمودن

مسأله ۲۵۰

جدال نمودن (قسم خوردن به کلمه «لا- وَ اللهُ» و «بلی والله») بر محرم حرام است. و احتیاط در این است که به غیر این دو کلمه نیز قسم نخورد.

مسأله ۲۵۱

اشاره

دو مورد از حرمت جدال استثنا شده است:

اول: آن که ضرورتی مانند اثبات حق یا از بین بردن باطلی اقتضای قسم خوردن کند، که در این صورت قسم خوردن حتی به دو کلمه مذکور عیبی

****مناسک حج (فارسی): ۱۶۶

ندارد.

دوم: آن که مراد قسم خوردن نباشد بلکه قصدش اظهار محبت یا تعظیم باشد، مثل اینکه بگوید تو را به خدا این کار را نکن و مانند آن.

مسئله ۲۵۲

در صورتی که جدال کننده در سخن خود راستگو باشد، کفاره ندارد بلکه فقط باید استغفار نماید به شرطی که از دو مرتبه تجاوز ننموده باشد. و در غیر این صورت یک گوسفند کفاره دارد. و اما اگر جدال و قسم خوردن بر دروغ باشد. در همان مرتبه اول یک گوسفند و یک گوسفند دیگری برای مرتبه دوم و در مرتبه سوم یک گاو کفاره دارد.

۱۵ - کشتن جانور بدن

مسئله ۲۵۳

کشتن شپش و انداختن او از

کشتن مناسک حج (فارسی): ۱۶۷

بدن برای محرم جایز نیست. و جابه جا کردن او عیبی ندارد. و در صورت کشتن احوط آن است که یک مشت از طعام به فقیری کفاره بدهد. اما پشه و کک احتیاط در نکشتن آن هاست در صورتی که ضرری متوجه محرم نشود. و اما تاراندن آن ها ظاهراً جایز است، هر چند احوط ترک است.

۱۶ - زینت نمودن

مسئله ۲۵۴

پوشیدن انگشتر به قصد زینت بر محرم حرام است. ولی به قصد استحباب عیبی ندارد. بلکه زینت نمودن به هر چیز باشد بر محرم حرام است و کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

مسئله ۲۵۵

حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود بر محرم حرام است، هر چند خود قصد

کشتن مناسک حج (فارسی): ۱۶۸

زینت ننموده باشد. بلی اگر زینت گفته نشود عیبی ندارد، مثل اینکه دوا و درمان و مانند آن باشد.

مسئله ۲۵۶

پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان محرم حرام است. و زیوری که پیش از احرام عادت به پوشیدن آن داشته مستثنی است و می تواند او را بپوشد. ولی نباید او را به شوهر خود و دیگر مردان نشان دهد.

۱۷ - مالیدن روغن به بدن

مسأله ۲۵۷

محرم نبایستی تن خود را روغنمالی کند، هر چند خوش بو هم نباشد، و صورت درمان و ضرورت استثنا شده است.

مسأله ۲۵۸

کفاره روغن مالی در صورتی که روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است و اگر از

****مناسک حج (فارسی): ۱۶۹

روی نادانی باشد، کفاره اش اطعام یک فقیر است بنابر احتیاط در هر دو مورد.

۱۸ - جدا نمودن مو از بدن

مسأله ۲۵۹

اشاره

محرم نبایستی موی خود یا دیگری را از بدن جدا کند، خواه دیگری محرم باشد یا محل. از این حکم چهار مورد استثنا شده است:

اول: آن که شیش بدن محرم زیاد شود و متأذی باشد از آن.

دوم: آن که ضرورت ایجاب کند که مو جدا شود، آن که بلندی مو وزیادی اش باعث سردرد یا ناراحتی دیگر شود.

سوم: آن که مو در پلک چشم روییده باشد که محرم را ناراحت کند.

****مناسک حج (فارسی): ۱۷۰

چهارم: آن که مو هنگام وضو یا غسل خود به خود جدا شود، که در این چهار صورت جدا نمودن مو عیبی ندارد.

مسأله ۲۶۰

اگر محرم بدون ضرورت سر خود را بتراشد، کفاره اش یک گوسفند است. و چنان چه به ایجاب ضرورت سر خود را بتراشد، کفاره اش یک گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام شش مسکین که به هر یک دو مُد (یک کیلو ونیم) بدهد. و اگر بوی زیر هر دو بغل خود را بکند، کفاره اش یک گوسفند است. و همچنین است اگر موی یک طرف را بکند بنابر احتیاط. و چنان چه موی ریش خود یا غیر آن را بکند، بایستی یک مشت طعام به فقیر کفاره بدهد. و چنان چه سر دیگری را چه محرم و چه محل باشد

بتراشد کفاره ندارد.

مسئله ۲۶۱

چنان چه محرم سر یا بدن خود

****مناسک حج (فارسی): ۱۷۱

را به طوری که مویی از او نیفتد و خونی نشود بخاراند عیبی ندارد. و چنان چه دست به سر یا ریش خود کشیده و یک یا دو مو از آن بیفتد، یک مشت طعام صدقه بدهد.

۱۹ – پوشانیدن سر بر مردان

مسئله ۲۶۲

محرم نایستی تمامی یا قسمتی از سر خود را بپوشاند به هر چیزی باشد حتی با گل. بلکه نایستی چیزی روی سر خود حمل کند بنابر احتیاط. بلی انداختن بند مشک بر سر یا بستن دستمال و مانند آن بجهت سر درد عیبی ندارد. و پوشاندن گوش ها نیز جایز نیست.

مسئله ۲۶۳

پوشانیدن سر به قسمتی از بدن مثل دست جایز و ترک آن بهتر است.

****مناسک حج (فارسی): ۱۷۲

مسئله ۲۶۴

محرم نایستی در آب و مانند آن فرو رود که سرش زیر آب شود بنابر احتیاط. و ظاهراً مرد وزن در این حکم فرقی با هم ندارند.

مسئله ۲۶۵

هرگاه محرم سر خود را بپوشاند، بنابر احتیاط کفاره اش یک گوسفند است. و ظاهراً در مورد اضطرار کفاره واجب نیست.

۲۰ – پوشانیدن رو بر زنان

مسئله ۲۶۶

بانوان در حالت احرام نایستی صورت خود را به پوشه یا نقاب و مانند آن هر چیزی باشد بپوشانند بنابر احتیاط. همچنان که

احتیاط این است که قسمتی از روی خود را نیز نپوشانند. بلی پوشاندن صورت در حال خواب و پوشاندن قسمتی از رو مقدمهٔ برای پوشاندن سر در حال نماز، عیبی ندارد.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۳

و احتیاط این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

مسئله ۲۶۷

بانوان محرم می توانند از مرد اجنبی رو بگیرند، به این نحو که گوشهٔ چادر یا عبا و مانند آن را که بر سر دارند تا مقابل بینی یا چانه خود پایین بکشند. احتیاط این است که قسمت پایین آمده را به وسیله دست یا چیز دیگر از صورت خود دور نگه دارند.

مسئله ۲۶۸

کفاره پوشانیدن صورت بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

۲۱- زیر سایه رفتن مردان

مسئله ۲۶۹

مردان محرم هنگام سیر نبایستی زیر سایه متحرک رفته یا سایبانی مانند چتر

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۴

بر سر بگیرند، هر چند سایه سقف محمل یا ماشین یا هواپیما و مانند این ها باشد. ولی راه رفتن در سایه کوه یا دیوار یا درخت و امثال آن ها از اجسامی که ثابت باشد اشکالی ندارد. و نیز جایز است راه رفتن زیر ابری که مانع از تابش آفتاب است. و فرقی نیست در حرمت زیر سایه قرار گرفتن در مورد محرّمه بین اینکه پیاده باشند یا سواره بنا بر احتیاط. واحوط بلکه اظهار این است که زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود، مثل اینکه بغل شتر یا ماشین حرکت کند که سایه از طرف چپ یا راستش بر او بیفتد. بلی می تواند با دست خود جلو آفتاب را بگیرد. و زیر سایه محمل رفتن هنگام سیر و همچنین احرام زیر سقف مسجد شجره عیبی ندارد.

مسئله ۲۷۰

مراد از زیر سایه رفتن که حرام است این است که بدان وسیله از آفتاب یا سرما یا

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۵

گرما یا باران و مانند این ها جلوگیری کند. و چنان چه هیچ یک از این ها نباشد به طوری که بود و نبود سایبان یکسان باشد، عیبی ندارد.

مسئله ۲۷۱

هنگامی که محرم به مکه رسید هر چند منزل تهیه نکرده باشد. زیر سایه رفتنش عیبی ندارد. همچنان که اگر در جایی در بین راه توقف نمود، تا وقتی که در آنجاست زیر سایه رفتنش عیبی ندارد. و اظهر این است که در این موارد می تواند چتر و مانند آن بر سر بگیرد. اگر چه احتیاط در اجتناب است.

مسئله ۲۷۲

زیر سایه رفتن زنان و کودکان و همچنین مردان در حال ضرورت یا ترس از گرما و سرما عیبی ندارد.

مسئله ۲۷۳

کفاره زیر سایه رفتن یک گوسفند است و فرقی بین حال اختیار و اضطرار نیست.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۶

و چنان چه این عمل تکرار شود، احتیاط این است که عوض هر روز یک کفاره بدهد، هر چند اظهر این است که در هر احرام یک کفاره لازم است.

۲۲- بیرون آوردن خون از بدن

مسئله ۲۷۴

شخص محرم نبایستی بدن خود را در خاراندن بلکه به مسواک نمودن بنا بر احتیاط خونی نماید. و در حال ضرورت یا رفع ناراحتی عیبی ندارد. و کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

۲۳- ناخن گرفتن

مسئله ۲۷۵

محرم نبایستی تمامی یا قسمتی

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۷

از ناخن خود را بگیرد مگر در صورتی که بقای ناخن ضرر داشته باشد، مانند اینکه ناخن کنده شده و ماندنش سبب ناراحتی شود، که در این صورت بریدنش جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام کفاره بدهد.

مسأله ۲۷۶

کفارهء گرفتن هر ناخنی یک مُد طعام است، و کفارهء گرفتن ناخن ها دست در یک مجلس یک گوسفند است. و همچنین پا. و چنان چه گرفتن ناخن دست و پا در یک مجلس باشد، کفاره اش نیز یک گوسفند است. و چنان چه ناخن دست ها در یک مجلس و ناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد، کفارهء آن دو گوسفند است.

مسأله ۲۷۷

هرگاه محرم به فتوای کسی که ناخن گرفتن را جایز می داند ناخن خود را گرفت و خون درآمد، کفاره اش بنا بر احتیاط بر فتوا دهنده

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۸

است.

۲۴- دندان کندن

مسأله ۲۷۸

جمعی از فقها نظرشان این است که کندن دندان هر چند خون در نیاید، از محرمات احرام است و کفاره اش را یک گوسفند دانسته اند. ولی دلیلش تأمل دارد و بعید نیست این عمل جایز باشد.

۲۵- برداشتن سلاح

مسأله ۲۷۹

برداشتن سلاح مانند شمشیر و نیزه و چیزهایی که عرفاً به آن ها سلاح گفته می شود بر محرم حرام است. و بعضی از فقها آلات دفاع و حفظ

*****مناسک حج (فارسی): ۱۷۹

مانند کلاه خود و زره و سپر را سلاح خوانده اند. و این قول احوط است.

مسأله ۲۸۰

بودن سلاح نزد محرم اگر حملش نکند عیبی ندارد. ولی مع ذلک ترکش احوط است یعنی بنا بر احتیاط سلاح را نزد خود نگذارد.

مسأله ۲۸۱

حرمت حمل سلاح مختص به حال اختیار است و در حال اضطرار عیبی ندارد. و کفارهء حمل بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

تا این جا بیست و پنج چیزی که بر محرم حرام است بیان شد. و دو چیز است که بر محرم و محل حرام است:

۱ - شکار در حرم

مسئله ۲۸۲

شکار در حرم بر محرم و غیر

***مناسک حج (فارسی): ۱۸۰

محرم، بر زن و مرد حرام است چنان که قبلاً بیان شد.

۲ - کندن درخت و گیاه حرم

مسئله ۲۸۳

کندن و بریدن هر چیزی که در حرم روییده از درخت و غیر درخت و گیاه بر محرم و غیر محرم حرام است. اما چیزی که به راه رفتن متعارف کنده شود عیبی ندارد. همچنان که رها کردن حیوانات که از علف حرم بچرند اشکالی ندارد. و از این حکم چند چیز استثنا شده است:

۱ - اذخر که گیاه معروفی است.

۲ - نخل خرما و درخت میوه دار.

۳ - علف هایی که خوراک شتر است.

۴ - علف و درختی که در ملک یا خانهء شخص می روید یا خود شخص آن را می کارد و می نشاند. و اما

***مناسک حج (فارسی): ۱۸۱

درختی که قبلاً پیش از تملک منزل بوده در منزل، حکمش حکم سایر درخت هاست. (کندن و بریدن این چهار چیز عیبی

ندارد).

مسئله ۲۸۴

درختی که ریشه و ساقه اش در حرم و شاخ و برگش در خارج حرم یا بعکس باشد، حکمش حکم درختی است که تمامش در حرم باشد.

مسئله ۲۸۵

کفارهء کندن درخت از بیخ، قیمت همان درخت است. و کفارهء قطع مقداری از آن، قیمت همان مقدار است. و کندن علف یا قطع آن کفاره ندارد.

جای کشتن کفارات

مسئله ۲۷۶

جای کشتن کفار شکار در

****مناسک حج (فارسی): ۱۸۲

احرام عمره، مکه مکرمه است و جای کشتن کفارهء شکار در احرام حج، منی است.

مسئله ۲۸۷

کفاره ای بر محرم برای غیر از شکار واجب شده است، اظهر این است که می تواند کشتنش را تا بازگشت از حج تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد. و بهتر این است که کفاره را در حج خود بکشد. و مصرف آن فقرا می باشد و عیبی ندارد که مقداری از آن را خودش بخورد و قیمت آن را برای فقرا به عهده بگیرد.

طواف

اشاره

واجب دوم عمره تمتع، طواف است. و به ترک آن از روی عمد، چه حکم را بدانند یا ندانند یا موضوع را حج فاسد می شود. و ترک آن به تأخیرش تا زمانی

****مناسک حج (فارسی): ۱۸۳

که دیگری نتواند خود را به اندازه درک مقدار رکن از وقوف در عرفات برساند محقق می شود. وچنان چه عمره اش باطل شود احرامش نیز بنا بر اظهر باطل خواهد بود. واحوط و بهتر در این صورت عدول به حج افراد است. و بر هر دو تقدیر واجب است حج را در سال بعد اعاده نماید. و در طواف چند چیز شرط است:

اول: نیت

، و طواف بدون قصد قربت باطل است.

دوم: [طهارت از حدث]

اشاره

طهارت از حدث

اکبر واصغر، پس چنان چه از روی عمد یا نادانی یا فراموشی در حال حدث و بدون طهارت طواف نماید، طوافش صحیح نخواهد بود.

مسئله ۲۸۸

چنان چه از محرم در اثنای طواف حدثی سر زد، مسئله چند صورت خواهد

****مناسک حج (فارسی): ۱۸۴

داشت:

۱ - آن که حدث پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، که در این صورت طواف باطل و لازم است پس از طهارت اعاده شود.

۲ - آن که حدث بعد از تمامی دور چهارم و بدون اختیار باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همانجا که قطع نموده ادامه می دهد.

۳ - آن که حدث بعد از نصف یا تمامی دور چهارم طواف، یا بعد از تمامی دور چهارم و اختیاری باشد، که احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت از جایی که قطع نموده تمام کرده سپس اعاده اش نماید. و به جای این احتیاط اگر این کار را بکند کافی است که پس از قطع طواف و طهارت، یک طواف کامل به قصد

****مناسک حج (فارسی): ۱۸۵

اعم از تمام کردن طواف پیش و یک طواف کامل جدید به جا آورد. به این معنی که قصدش این باشد که طوافی را که به جا

می آورد چنان چه تمامش بر ذمه بوده، به این طواف ذمه او فارغ می شود و اگر نه مقداری از آن به جای کمبود طواف سابق و باقیمانده لغو باشد.

مسئله ۲۸۹

اگر پیش از شروع به طواف یا در اثنای آن شک در طهارت بنماید، چنان چه بداند که قبلاً با طهارت بوده و نمی داند بعداً از او حادثی سر زده یا نه، در این صورت اعتنا به شک خود نکند. و در غیر این صورت واجب است طهارت گرفته و شروع به طواف یا طوافی که در دست داشته از سر بگیرد.

مسئله ۲۹۰

هرگاه پس از فراغت از طواف، شک در طهارت نماید به شک خود اعتنا نکند، هر چند احوط اعاده است. ولی برای نماز طواف حتماً باید وضو بگیرد.

****مناسک حج (فارسی): ۱۸۶

مسئله ۲۹۱

هرگاه مکلف نتواند وضو بگیرد تیمم نموده و طواف را به جا آورد. و اگر تیمم هم نمی تواند بکند، حکمش حکم کسی است که نمی تواند طواف را به جا آورد. پس اگر مأیوس از توانایی شد، لازم است برای طواف نایب بگیرد، و احوط واولی این است که خود نیز بدون طهارت طواف نماید.

مسئله ۲۹۲

اشاره

بر زن حائض و نفساء (زاهو) بعد از گذشتن ایام حیض و نفاس و بر جنب واجب است که برای طواف غسل کنند، و در صورت معذور بودن از غسل و مأیوس شدن از توانایی بر غسل، واجب است با تیمم طواف کنند. و احوط واولی این است که نایب نیز بگیرد. و در صورت معذور بودن از تیمم، نایب گرفتن متعین است.

حیض شدن در عمره تمتع

مسئله ۲۹۳

اشاره

هرگاه زن هنگام بستن احرام

****مناسک حج (فارسی): ۱۸۷

برای عمره تمتع یا پس از بستن احرام، خون حیض ببیند و وقت گنجایش به جا آوردن اعمال عمره را داشته باشد، بایستی صبر کند تا پاک شود و غسل نموده و اعمال عمره را به جا آورد. و چنان چه وقت وسعت این کار را نداشته باشد، مسأله دارای دو صورت خواهد بود:

اول: آن که حیضش هنگام احرام پیش از بستن احرام باشد، در این صورت حج تمتعش بدل به حج افراد شده و بر او واجب است در صورت تمکن بعد از فراغت از حج، عمره مفرده به جا آورد.

دوم: آن که حیضش بعد از بستن احرام

باشد. در این صورت مخیر است بین اینکه اول حج افراد را به جا آورد و بعد از فراغت، عمره مفرده به جا آورد مانند صورت اول، و بین اینکه اعمال عمره تمتع را بدون طواف و نمازش به جا آورد، به اینکه سعی

****مناسک حج (فارسی): ۱۸۸

و تقصیر نموده و برای حج احرام بسته و به حج رفته و پس از فراغت از حج و بازگشت به مکه قضای طواف عمره را پیش از طواف حج به جا آورد. و در صورتی که یقین داشته باشد که حیضش ادامه خواهد داشت و نمی تواند حتی پس از بازگشت به مکه طواف نماید، برای طواف خود نایب گرفته و شخصاً سعی را به جا آورد. و روزی که باید خود را آزمایش کند، در حکم ایام حیض است و حکم آن ایام بر آن روز جاری است.

مسأله ۲۹۴

اگر زن در اثنای طواف حیض شود، مشهور بین فقها این است که اگر حیض شدن پیش از تمام شدن چهار شوط باشد طوافش باطل می شود و چنان چه بعد از آن باشد، آنچه به جا آورده صحیح و واجب است بعد از پاکی و غسل نمودن باقیمانده را به جا آورده. و احوط در هر دو صورت این

****مناسک حج (فارسی): ۱۸۹

است که بعد از پاکی یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و تمام به جا آورد به این معنی که چنین نیت کند که اگر یک طواف کامل بر من واجب است، که این طواف است و اگر به جا آوردن کمبود طواف سابق بر من واجب است، هر مقدار از این طواف کمبود او را تکمیل می کند بکند و باقیمانده زیادی باشد. و این در صورتی است که وقت گنجایش این کار را داشته باشد و در

غیر این صورت سعی و تقصیر نموده و برای حج محرم شود و لازم است پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حج، قضای طواف عمره را به نحوی که گفته شد به جا آورد.

مسئله ۲۹۵

هرگاه زن پس از طواف و پیش از نماز آن، یعنی بین طواف و نمازش، حیض شود طوافش صحیح است و نماز طواف را پس از پاکی و غسل به جا آورد. و چنان چه وقت نداشت

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹۰

سعی و تقصیر را به جا آورده و نماز طواف را پیش از طواف حج قضا نماید.

مسئله ۲۹۶

هرگاه زنی پس از طواف و نمازش احساس نمود که حیض دارد و نداند که پیش از طواف یا پیش از نماز یا در اثنا بوده یا بعد از نماز رخ داده، در این صورت بنا بر صحت طواف و نماز بگذارد. و چنان چه بداند که قبل از نماز حادث شده و وقتش هم تنگ است، سعی و تقصیر نموده و نماز را تا پس از پاکی تأخیر بیندازد و عمره اش صحیح است.

مسئله ۲۹۷

هرگاه زنی به مکه رسید و می توانست اعمال عمره را به جا آورد ولی با علم و عمد به جا نیاورد تا حیض شد و وقت هم تنگ شد، ظاهراً عمره اش فاسد است. و احتیاط این است که عدول به حج افراد نموده و حج خود را در سال بعد اعاده نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۱۹۱

مسئله ۲۹۸

طواف مستحبی را می توان بدون طهارت به جا آورد و طهارت در او معتبر نیست ولی نماز طواف و مستحبی بدون طهارت صحیح نخواهد بود و باید با طهارت باشد.

مسئله ۲۹۹

کسی که معذور از طهارت (وضو یا غسل) تمام است، مانند کسی که در دست و پایش شکستگی و زخمی است که پانسمان

شده و کسی که (سلس) مرضی دارد که بولش قطره قطره می ریزد، به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می گیرد، برای طواف نیز همان طهارت کافی است. و اما مبطون (کسی که نمی تواند از غایط خودداری کند) احوط این است که در صورت تمکن، هم شخصاً طواف نموده و هم برای طواف نایب بگیرد. و اما زن مستحاضه پس احوط آن است که برای هر کدام از طواف و نماز طواف وضو بگیرد، اگر

****مناسک حج (فارسی): ۱۹۲

استحاضه قلیله باشد و اینکه یک غسل به جا آورد برای هر دو و برای هر کدام نیز وضو بگیرد، اگر متوسطه باشد و اما کثیره غسل کند برای هر کدام و محتاج به وضو نیست مگر اینکه محدث به حدث اصغر باشد، که در این صورت احوط ضم وضو است به غسل.

شرط سوم: [طهارت از خبث]

اشاره

از شرایط طواف، طهارت از خبث است یعنی پاکی بدن و لباس. پس طواف با بدن یا لباس نجس صحیح نیست. و نجاستی که در نماز بخشوده بود، مانند خود کمتر از درهم، در طواف بخشوده نیست بنابر احتیاط.

مسئله ۳۰۰

بودن خون و خونابه زخم و دمل که اجتناب از آن سخت باشد در بدن یا لباس در طواف مانعی ندارد و بر طرف کردنش لازم نیست. همچنان که بودن چیز نجس همراه انسان در طواف

****مناسک حج (فارسی): ۱۹۳

عیبی ندارد. و همچنین است نجس بودن چیزهایی که در آن نماز خوانده نمی شود مانند همیان و کلاه و جوراب.

مسئله ۳۰۱

در صورتی که نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و پس از انجام طواف بفهمد، طوافش صحیح است و حاجتی به اعاده ندارد، و همچنین است طواف نماز اگر نمی دانسته بدن یا لباسش نجس بوده و بعد از نماز بفهمد نمازش صحیح است.

مسئله ۳۰۲

هر گاه نجاست بدن یا لباس خود را فراموش نموده و با آن ها طواف نمود و بعد از طواف یادش آمد طوافش بنابر اظهر صحیح است، اگر چه اعاده آن با لباس پاک احوط است. و چنان چه بعد از نماز طواف یادش بیاید که بدن و لباسش نجس بوده، حتماً باید با بدن و لباس پاک اعاده نماید.

مسئله ۳۰۳

هرگاه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و در اثنای طواف دانست یا آن که پیش از فراغت از طواف بدن یا لباسش نجس شد، اگر جامهء پاکی داشته باشد همان جا جامهء نجس را کنده و با جامهء پاک طواف خود را تمام نماید. وچنان چه جامهء پاک همراه نداشته باشد، اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازالهء نجاست از بدن یا لباس باقیمانده طواف را به جا آورد. وچنان چه علم به نجاست یا حدوثش پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، باز هم طواف را قطع و نجاست را ازاله نموده و بنابر احتیاط یک طواف کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد. (معنای اعم و اتمام سابقاً بیان شد)

شرط چهارم [مختون بودن مردان]

اشاره

مختون بودن است. واحوط بلکه اظهار این است که بچهء ممیز که خوب وبد را تشخیص می دهد، اگر شخصاً محرم شود باید ختنه کرده باشد. واما اگر بچهء ممیز نباشد یا احرامش را ولیش بیندد، اعتبار ختنان در او ظاهر نیست، اگرچه اعتبارش احوط است.

مسئله ۳۰۴

هرگاه محرم ختنه نشده خواه بالغ خواه بچهء ممیز طواف نموده طوافش کافی نخواهد بود. و اگر طواف را ختنه شده اعاده نکند، مانند کسی خواهد بود که طواف را ترک کرده باشد. واحکام آینده بر وی جاری خواهد شد.

مسئله ۳۰۵

هرگاه مکلف ختنه نشده مستطیع شود، اگر بتواند بین ختنه و حج در سال استطاعت جمع کند، یعنی در همان سال خود را ختنه نموده و به حج برود، واجب است این کار را بکند. وچنان چه ممکن نباشد، حج را تا سال بعد تأخیر

نماید. پس اگر متمکن از ختنه نباشد اصلاً، به این معنی که ختنه کردن برای او ضرر و مشقت یا ناراحتی داشته باشد، لازم است حج را به جا آورد. لکن احتیاط این است که در عمره و حج شخصاً طواف نموده و برای طواف نایب نیز بگیرد، ولی خودش نماز طواف را به جا آورد.

شرط پنجم از شرط طواف، پوشاندن عورت است بنابر احتیاط. وسائر بایستی مباح باشد. و احتیاط این است که سائر دارای جمیع شرایط

واجبات طواف

هفت چیز در طواف معتبر و واجب است:

اول: آن که از حجر الاسود شروع شود،

****مناسک حج (فارسی): ۱۹۷

و احوط واولی این است که تمام بدن خود را بر تمام حجر الاسود بگذرانند. و برای این احتیاط این مقدار کفایت می کند که قبل از حجر الاسود ایستاده و نیت نماید که طواف را از جایی که محاذات واقعی محقق می شود به جا می آورم و زیاده بر آن از باب مقدمهء علمیه باشد. یعنی انسان وقتی از جلوتر شروع کرد علم پیدا می کند که اولین جزء طوافش با اولین جزء حجر محاذی و برابر شده است.

دوم: آن که هر شوط و دوری به حجر الاسود ختم شود. و در شوط آخر احتیاطاً قدری از حجر بگذرد و زیاده را مقدمهء علمیه محسوب دارد.

سوم: آن که کعبه (خانهء خدا) در جمیع احوال طواف طرف چپ خود قرار دهد. و چنان چه کعبه به جهت بوسیدن ارکان یا به جهت ازدحام رو به رو یا پشت سر یا طرف راست قرار گرفت، آن مقدار از

****مناسک حج (فارسی): ۱۹۸

طواف شمرده نمی شود. و ظاهر این است که میزان در قرار دادن کعبه طرف چپ صدق عرفی است، همچنان که از طواف پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بر می آید که سواره طواف می نمودند. و بهتر این است که دقت شود به خصوص در دو دهانهء حجر اسماعیل و در نبش های خانهء خدا که در این جاها باید مواظب بود که به چپ یا راست منحرف نگردد.

چهارم: آن که حجر اسماعیل را داخل مطاف قرار دهد، به این معنی که دور حجر اسماعیل بگردد و داخل حجر نرود.

پنجم: آن که طواف کننده از بیرون دور خانهء خدا دور بزند نه درون خانهء خدا، و دور تا دور خانهء خدا به طور شیب بنایی شده که به آن شاذروان می گویند که نبایستی طواف کننده روی آن راه برود.

ششم: آن که هفت دور متوالی و پی در پی دور

****مناسک حج (فارسی): ۱۹۹

خانهء خدا بچرخد و کمتر از هفت دور کافی نیست. و عمداً زیادتر از هفت دور هم طواف را باطل می کند، چنان که خواهد آمد.

مسأله ۳۰۶

مشهور بین فقها این است که طواف باید بین مقام ابراهیم علیه السلام خانه خدا باشد. یعنی از هر طرف این مسافت در نظر گرفته شود. و مسافت آن بیست و شش ذراع و نیم تقدیر شده است و نظر به اینکه حجر اسماعیل داخل مطاف است و خود بیست و شش ذراع است، پس در طرف آن بیش از شش ذراع و نیم نباید دور شد. لکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت بیست و شش ذراع و نیم نیز کافی باشد، خصوصاً برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آن ها مشقت داشته باشد. و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن بهتر و اولی است.

****مناسک حج (فارسی): ۲۰۰

مسأله ۳۰۷

هرگاه طواف کننده از مطاف بیرون رفته و وارد کعبه شود، طوافش باطل و اعاده آن لازم است. و بهتر این است که طواف خود را تمام نموده سپس اعاده نماید، اگر بیرون رفتنش پس از تجاوز از نصف طواف بوده.

مسأله ۳۰۸

چنانچه هنگام طواف روی شاذروان رفت، آن مقدار از طواف که روی شاذروان بوده باطل است و احتیاط این است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف خود را تمام و سپس طواف را اعاده نماید. و احتیاط این است که هنگام طواف دست خود را از طرف شاذروان به دیوار کعبه یا ارکان آن دراز ننماید.

مسأله ۳۰۹

هرگاه طواف کننده در حجر اسماعیل برود، شوطی که رفتن در حجر در او بوده باطل و لازم است اعاده شود. و بهتر این است که

****مناسک حج (فارسی): ۲۰۱

طواف را تمام نموده و سپس اعاده نماید. و در حکم رفتن در حجر است بالا رفتن بر دیوار حجر بنابر احتیاط. بلکه احوط این است که در حال طواف دست بر دیوار حجر هم نگذارد.

مسأله ۳۱۰

هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

مسئله ۳۱۱

چنان چه در اثنای طواف حدثی از او سر بزنند، جایز است بیرون رفته و تطهیر نموده و برگشته و طواف خود را تمام نماید، همچنان که گذشت. و همچنین است بیرون رفتن برای ازاله

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۲

نجاست از بدن یا لباس. و اگر زنی در اثنای طواف حیض شود، واجب است طواف را قطع نموده و فوراً از مسجد بیرون برود. و حکم چنین افراد در شرایط طواف بیان شد.

مسئله ۳۱۲

هرگاه طواف کننده به علت سردرد یا دل درد و مانند آن ناچار طواف خود را قطع نموده و از مطاف بیرون رفت، چنان چه قبل از تمامی شوط چهارم باشد طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنان چه بعد از آن بوده، احتیاط این است که برای باقیمانده نایب گرفته و شخصاً بعد از زوال عذر، احتیاطاً باقی مانده را به جا آورده و طواف را اعاده نماید.

مسئله ۳۱۳

طواف کننده می تواند جهت عیادت مریض یا رفع حاجت خود یا حاجت برادر دینی خود از مطاف بیرون برود. ولی لازم است اگر

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۳

طوافش واجب باشد و مقدار یک یا دو شوط به جا آورده باشد، طواف را اعاده نماید و چنان چه بیرون رفتنش بعد از شوط سوم بوده، احتیاط این است که یک طواف کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد.

مسئله ۳۱۴

نشستن در اثنای طواف جهت استراحت و رفع خستگی جایز است. ولی باید به اندازه ای نباشد که موالات عرفیه از بین برود، که در این صورت طوافش باطل شده و لازم است از سر بگیرد.

نقص در طواف

مسئله ۳۱۵

هرگاه عمداً مقداری از طواف را کم کند و موالات فوت شود، طوافش باطل

*****مناسک حج (فارسی): ۲۰۴

خواهد بود. وچنان چه موالات فوت نشود، تا از مطاف بیرون نرفته می تواند کمبود را به جا آورد. و حکم بیرون رفتن عمدی از مطاف در سابق گفته شد.

مسئله ۳۱۶

هر گاه مقداری از طواف را سهواً کم کند، اگر پیش از فوت موالات یادش آمد و از مطاف بیرون نرفته باشد، کمبود را به جا آورد و طوافش صحیح خواهد بود. وچنان چه پس از فوت موالات یا بیرون رفتن از مطاف یادش بیاید و مقدار فراموش شده یک شوط باشد، یک شوط را به جا آورد و طوافش صحیح است. وچنان چه شخصاً نتواند کمبود را انجام دهد هر چند به جهت این باشد که پس از بازگشت به وطن یادش بیاید، باید دیگری را نایب بگیرد که آن شوط را به جا آورد. وچنان چه مقدار فراموش شده بیش از یک و کمتر از چهار شوط باشد، بایستی برگشته و کمبود را شخصاً به جا آورد. و بهتر

****مناسک حج (فارسی): ۲۰۵

این است که پس از به جا آوردن کمبود، طواف را اعاده نمایید، و اگر مقدار فراموش شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد، احوط اتمام سپس اعاده است.

زیادی در طواف

مسئله ۳۱۷

زیادی در طواف پنج صورت دارد.

اول: آن که طواف کننده مقدار زیادی را به قصد جزئیت طوافی که مشغول است یا طواف دیگری به جا نیاورده باشد، که در این صورت طوافش به این زیادی باطل نخواهد شد.

دوم: آن که هنگام شروع به طواف یا در اثنا چنین قصد کند که زیادی، جزء طوافش باشد. یعنی بنا داشته باشد که طواف را هشت شوط یا بیشتر نماید.

****مناسک حج (فارسی): ۲۰۶

در این صورت طوافش جزماً باطل و لازم است اعاده نماید.

سوم: آن که زیادی را پس از فراغت از طواف، به قصد جزئیت آن به جا آورد، که در این صورت نیز اظهر بطلان طواف است.

چهارم: آن که زیادی را به قصد جزئیت طواف دیگری به جا آورد و طواف دوم را تمام کند، که در این صورت گرچه در طواف زیادی نداشته، ولی احوط بلکه اظهر بطلان طواف اول است به جهت آن که دو طواف واجب را پشت سر هم آورده.

پنجم: آن که قصد جزئیت زیادی را برای طواف دیگر بنماید و اتفاقاً نتواند طواف دیگر را به آخر برساند. در این صورت نه زیادی هست و نه قران، ولی گاهی طواف در این صورت به جهت عدم تحقق قصد قربت باطل می شود، و آن در صورتی است که

****مناسک حج (فارسی): ۲۰۷

مکلف هنگام شروع به طواف یا در اثنای آن با اینکه می داند قران حرام و مبطل طواف است آن را قصد نماید، که قصد قربت با قصد حرام جمع نمی شود هر چند از باب اتفاق آن حرام انجام نشود که قران بین دو طواف باشد.

مسئله ۳۱۸

هرگاه طواف خود را از روی سهو بیش از هفت شوط نماید، چنانچه چه زیادی کمتر از یک شوط باشد آن را قطع نماید و طوافش صحیح است. و چنانچه چه زیادی یک شوط یا بیشتر باشد، احتیاط این است که باقی آن را تا یک طواف کامل شود به قصد قربت مطلقه تمام نماید.

شک در عدد اشواط

مسئله ۳۱۹

هرگاه بعد از تمامی طواف

****مناسک حج (فارسی): ۲۰۸

و تجاوز از محل شک نماید که آیا طواف هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده، اعتنا به شک ننماید، مانند کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند.

مسئله ۳۲۰

هرگاه یقین داشته باشد که هفت شوط به جا آورده و شک کند که زیادتر بوده یا نه، مثلاً احتمال بدهد که شوط آخری هشتم بوده، به شک خود اعتنا ننماید و طوافش صحیح است، مگر در صورتی که شکش قبل از تمامی شوط آخری باشد، که در این صورت ظاهر این است که طوافش باطل است و احتیاط این است که به قصد رجا تمامش نموده و اعاده طواف کند.

مسئله ۳۲۱

هرگاه بین شش و هفت یا پنج و شش و همچنین عددهای قبل شک کند، حکم به بطلان طواف می شود. و همچنین اگر شک کند که آیا شش شوط به جا آورده یا هشت شوط، که نداند

****مناسک حج (فارسی): ۲۰۹

شوط آخر ششم است یا هشتم، که در این صورت نیز طوافش باطل خواهد بود.

مسئله ۳۲۲

چنان چه بین شش و هفت شک نموده و از روی نادانی بنا را بر شش گذاشته و طواف را تمام کند، لازم است طواف را از سر بگیرد. و چنان چه بر نادانی خود باقی ماند تا وقتی که تدارک ممکن نباشد بعید نیست طوافش صحیح باشد.

مسئله ۳۲۳

طواف کننده می تواند بر رفیق و همراه خود در حفظ شمارهء شوطها اعتماد کند، در صورتی که صاحبش یقین داشته باشد، مثلاً- در صورت شک اگر رفیق انسان بگوید این شوط پنجم است، می شود بر گفتهء او اعتماد نموده و دو شوط دیگر به جا آورد.

مسئله ۳۲۴

هرگاه در طواف مستحبی شک نماید، بنا را بر کمتر بگذارد و طوافش صحیح است.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱۰

مسئله ۳۲۵

هرگاه از روی عمد و علم به حکم یا جهل بر آن طواف عمرهء تمتع را ترک نموده و نتواند بیش از وقوف به عرفات تدارکش نماید، عمره اش باطل بوده و واجب است حج را در سال بعد اعاده نماید. و در سابق گفته شد که اظهر این است که احرامش نیز باطل می شود، ولی احوط این است که عدول به حج افراد نموده و او را به قصد اعم از حج و عمرهء مفرده تمام نماید، و چنان چه عمداً طواف حج را ترک نماید، و تدارکش ممکن نباشد، حجش باطل خواهد بود و لازم است در سال بعد اعاده نماید. و اگر ترک طواف از جهت ندانستن حکم بوده، یک شتر کفاره نیز لازم خواهد شد.

مسئله ۳۲۶

هرگاه از روی فراموشی طواف ترک شود، بعد از یاد آمدن تدارکش واجب است. و چنان چه پس از گذشتن وقتش به یاد آمد،

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱۱

قضای آن به جا آورده شود و حج صحیح خواهد بود و احتیاط این است که بعد از قضای طواف، سعی نیز به جا آورده شود. و اگر وقتی یادش بیاید که قضا نمودن آن ممکن نباشد، مثل اینکه پس از بازگشت به وطن یادش آمد واجب است نایب بگیرد و احتیاط این است نایب پس از طواف، سعی را نیز به جا آورد.

مسئله ۳۲۷

اگر طواف را فراموش نمود و به وطن خود بازگشت و با عیال خود نزدیکی کرد و سپس یادش آمد، لازم است در صورتی که

فراموش شده طواف حج باشد، یک قربانی به منی واگر فراموش شده طواف عمره باشد، یک قربانی به مکه بفرستد. و در این قربانی گوسفند کافی است.

مسئله ۳۲۸

هرگاه طواف را فراموش نموده وزمانی یادش آمد که قضایش ممکن است، با همان احرام اول قضایش نماید و حاجتی به تجدید

****مناسک حج (فارسی): ۲۱۲

احرام نیست. بلی در صورتی که از مکه خارج شد و یک ماه یا بیشتر بر آن گذشته باشد، لازم است برای دخول مکه احرام تازه ببندد چنان که گذشت.

مسئله ۳۲۹

آن چه در طواف کننده حلال می شود، بر فراموش کننده طواف تا آن را شخصاً یا نایبش قضا نموده حلال نمی شود.

مسئله ۳۳۰

هرگاه جهت بیماری یا شکستگی یا امثال این ها شخصاً نتواند طواف را به جا آورد، لازم است به کمک دیگری طواف را به جا آورد، هرچند به سوار شدن بر دوش او باشد. و چنان چه با کمک دیگری نیز نتواند طواف کند، واجب است نایب بگیرد که به جای او طواف کند. و همچنین در نماز طواف که شخصاً باید خودش به جا آورد و در صورت نتوانستن دیگری را نایب بگیرد. و حکم زن حائض و نفساء (زاهو) در شرایط طواف بیان شد.

****مناسک حج (فارسی): ۲۱۳

نماز طواف

اشاره

واجب سوم از واجبات عمره تمتع، دو رکعت نماز طواف است که مانند نماز صبح است، ولی مکلف مخیر است که آن را بلند یا آهسته بخواند، و واجب است در نزدیکی مقام ابراهیم به جا آورده شود. واحوط بلکه اظهر این است که پشت مقام باشد. و در صورت عدم تمکن، با مراعات نزدیکی به مقام بنابر احتیاط در هر جای مسجد می تواند به جا آورد. و این حکم نماز طواف واجب است و نماز طواف مستحب در هر جای مسجد باشد جایز است.

مسئله ۳۳۱

کسی که از روی علم و عمد نماز طواف را به جا نیاورد حجتش باطل است. زیرا که بدون این نماز، سعی باطل خواهد بود.

مسئله ۳۳۲

نماز طواف بایستی بعد از طواف فوراً به جا آورده شود که در عرف نگویند بین طواف و نماز فاصله شده است.

مسئله ۳۳۳

هرگاه فراموش کرد نماز طواف را بخواند و سعی نمود و بعد از سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده، فوراً نماز طواف را بخواند و اعاده سعی واجب نیست اگر چه احوط است. و چنان چه در اثنای سعی یادش بیاید، سعی را بریده و نماز طواف را در جاهایی که گفته شد به جا آورده سپس سعی را از جایی که بریده تمام نماید. و چنان چه بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید که نماز طواف را نخوانده، بایستی به مکه برگشته و نماز را در جاهایی که گفته شد به جا آورد. و در صورتی که نتواند به مکه برگردد هر جا که یادش آمد به جا آورد. بلی اگر بتواند به حرم برگردد احوط و اولی این است که

برگشته و نماز را در حرم به جا آورد. و حکم کسی که نماز طواف را به جهت نادانی ترک کرده، حکم کسی است که فراموشش کرده. و فرقی بین جاهل قاصر و مقصر در این جا نیست.

مسئله ۳۳۴

هرگاه نماز طواف را فراموش نمود و تا دم مردن یادش نیامد و مُرد، بر و لیش واجب است آن را قضا نماید.

مسئله ۳۳۵

هرگاه قرائت نماز گزار غلطی داشته باشد، در صورتی که نتواند آن را درست کند اشکالی در اکتفا به آنچه می تواند، در نماز طواف و غیر آن نیست و همان اندازه کافی است، و چنان چه می تواند آن را تصحیح و درست کند، لازم است تصحیح نماید. و چنان چه در این کار اهمال و سهل انگاری کرد تا وقت تنگ شد، احوط این است که به اندازه ای که می تواند نماز طواف را به جا آورد و آن را

به جماعت بخواند و نایب نیز بگیرد.

مسئله ۳۳۶

هرگاه نداند که قرائتش درست نیست و در نادانی خود معذور باشد، نمازش صحیح است و حاجتی به اعاده ندارد، حتی اگر بعد از نماز بفهمد که قرائتش اشکال داشته، ولی اگر معذور نبوده، لازم است پس از تصحیح نماز را اعاده کند. و حکم کسی

که نماز طواف را فراموش کرده بر او جاری می شود.

سعی

اشاره

واجب چهارم از واجبات عمره تمتع، سعی بین صفا و مروه است. و خود یکی از ارکان است که اگر عمداً ترک شود حج باطل خواهد بود، خواه علم به حکم داشته یا جاهل به حکم باشد. و قصد قربت در

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱۷

سعی معتبر است. ولی ستر عورت و طهارت از حدث یا خبث در آن معتبر نیست. و بهتر این است که طهارت رعایت شود.

مسئله ۳۳۷

سعی باید بعد از طواف و نماز طواف به جا آورده شود. و اگر پیش از طواف یا نماز آن به جا آورده شود، لازم است بعد از آنها اعاده شود. و حکم کسی که طواف را فراموش کند و بعد از سعی یادش بیاید، پیشتر گفته شد.

مسئله ۳۳۸

نیت در سعی معتبر است به این معنی که اگر در عمره است، به نیت عمره و اگر در حج است به نیت حج، قرهء الی الله به جا آورده شود.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۱۸

سعی یعنی چه؟

رفت و آمد بین صفا و مروه را سعی گویند. صفا در یک طرف و مروه در طرف دیگر قرار دارد. رفتن از اول جزء از صفا به مروه را یک شوط گویند. و همچنین برگشتن از اول جزء مروه به صفا یک شوط است. و تمام سعی هفت شوط است. بنابر این سعی از صفا شروع و در شوط هفتم به مروه ختم می شود. و احتیاط لازم در این است که موالات (پی در پی بودن) را مراعات کند به طوری که فصل معتد به، در بین اشواط حاصل نشود. و وقتی حاجی بخواهد از مسجد الحرام به سعی برود، صفا طرف دست راستش قرار می گیرد.

مسئله ۳۳۹

هرگاه سعی را از مروه شروع کند، اگر یک شوط به جا آورده یعنی از مروه به صفا رسیده، باید آن را لغو دانسته و از صفا شروع نماید، و چنان چه بعد از شوط اول باشد، مثل اینکه در بین راه صفا و مروه در شوط دوم باشد، آن را نیز لغو نموده و سعی را از صفا از سر بگیرد

****مناسک حج (فارسی): ۲۱۹

مسئله ۳۴۰

لازم نیست رفت و آمد (سعی) بین صفا و مروه، پیاده باشد و سعی سواره بر حیوان یا دوش انسان یا چرخ هایی که فعلاً در آن جا متداول است، جایز است. ولی در هر حال باید ابتدا از صفا و ختم به مروه باشد.

مسئله ۳۴۱

لازم است رفت و آمد بین صفا و مروه از راه متعارف باشد، و اگر از صفا از توی مسجد یا راه دیگری به سوی مروه برود کافی نیست. بلی لازم نیست رفت و آمد، در یک خط مستقیم باشد.

****مناسک حج (فارسی): ۲۲۰

مسئله ۳۴۲

واجب است هنگام توجه به مروه آن را رو به روی خود قرار دهد. و همچنین در بازگشت از مروه به صفا، باید متوجه به صفا باشد. پس اگر به هنگام سعی به طور عقب گرد برود، کفایت نمی کند. والتفات به طرف راست و چپ و پشت سر، هنگام سعی عیبی ندارد.

مسئله ۳۴۳

نشستن روی صفا یا مروه یا در بین آن ها به جهت استراحت عیبی ندارد، گرچه احوط این است که بین آن دو ننشیند.

****مناسک حج (فارسی): ۲۲۱

احکام سعی

اشاره

در گذشته گفته شد که سعی از ارکان حج است و ترک آن عمداً با علم یا جهل به حکم، تا زمانی که تدارکش پیش از وقوف به عرفات ممکن نشود، حج باطل و اعاده اش در سال بعد لازم خواهد بود. و اظهر این است که احرامش باطل خواهد بود، اگر چه احوط و اولی این است که عدول به افراد نموده سعی را به قصد اعم از حج افراد یا عمره مفرده تمام نماید.

مسئله ۳۴۴

هرگاه سعی از روی فراموشی ترک شود، هر وقت یاد او بیاید باید به جا آورد هر چند یاد آمدنش پس از فراغت از اعمال حج باشد. و کسی که شخصاً نتواند یا برایش مشقت داشته باشد

****مناسک حج (فارسی): ۲۲۲

بایستی نایب بگیرد و حجش در هر دو صورت صحیح خواهد بود.

مسئله ۳۴۵

کسی که شخصاً پیاده یا سواره نتواند سعی را به جا آورد، دیگری را نایب بگیرد که به جای او سعی کند و حجش صحیح است.

مسئله ۳۴۶

احتیاط این است که بعد از طواف و نماز آن بدون ضرورت مانند شدت گرما یا خستگی زیاد، تأخیر نکند، اگر چه اقوی این است که می تواند سعی را تا شب تأخیر کند، بلی در حال اختیار نباید سعی را به فردا بیندازد.

مسئله ۳۴۷

زیادی در سعی مانند زیادی در طواف سبب بطلان خواهد بود، اگر از روی علم و عمد باشد، چنان که در طواف گذشت. بلی اگر جاهل به حکم باشد، اظهر این است که سعیش به زیادی باطل نمی شود، هر چند احتیاط در اعاده آن

****مناسک حج (فارسی): ۲۲۳

است.

مسئله ۳۴۸

هرگاه از روی خطا در سعی خود زیاد نمود، سعیش درست است. ولی اگر زیادی یک شوط کامل باشد، مستحب است که شش شوط دیگر به آن اضافه نماید تا یک سعی کامل غیر از سعی اول شود و ختم سعی دوم طبعاً به صفا خواهد بود، و چنان چه زیادی بیش از یک شوط باشد، تمام نمودن او به قصد رجا عیبی ندارد.

مسئله ۳۴۹

هرگاه عمداً با علم به حکم یا جهل به آن، از سعی خود کم نمود، و تدارکش تا زمان وقوف به عرفات ممکن نباشد، حجش فاسد شده و لازم است سال بعد اعاده نماید، و ظاهرش این است که احرامش نیز باطل می شود، هر چند اولی این است که عدول به حج افراد نموده و به نیت اعم از حج و عمره مفرده تمامش نماید. و چنان چه کمبود سعی از

****مناسک حج (فارسی): ۲۲۴

روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد هر چند بعد از فراغت از اعمال حج باشد،

تدارك نمايد. ودر صورتی که خود نتواند تدارك کند یا تدارك سخت باشد واجب است نایب بگیرد، هرچند به این جهت باشد که پس از بازگشت به وطن یادش آمده باشد، در این صورت احتیاط این است که نایب به نیت فراغ ذمهء منوب عنه از اتمام یا تمام، یک سعی کامل به جا آورد. و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام به جا آورد. و در صورت دشواری آن، نایب بگیرد.

مسأله ۳۵۰

چنان چه از روی فراموشی، مقداری از سعی در عمرهء تمتع کم نموده و به اعتقاد اینکه از سعی فارغ شده محل شده، در این صورت

****مناسک حج (فارسی): ۲۲۵

احوط بلکه اظهر این است که یک گاو کفاره دارد و لازم است سعی را به نحوی که گفته شد تمام نماید.

شک در سعی

مسأله ۳۵۱

شک در عدد اشواط سعی پس از تقصیر اعتبار ندارد. و جمعی از فقها فرموده اند که شک در عدد اشواط بعد از سعی هر چند پیش از تقصیر باشد، به ان اعتنا نباید کرد. ولی اظهر این است که در این صورت باید به این شک اعتنا شود.

مسأله ۳۵۲

اگر هنگامی که در مروه است شک کند که شوط آخری هفتم است یا نهم، اعتنا به شک خود ننماید، و سعیش صحیح خواهد بود. و چنان چه این شک در اثنای شوط باشد، یعنی هنوز به مروه نرسیده چنین شکی کند، سعیش باطل و لازم

****مناسک حج (فارسی): ۲۲۶

است سعی را از سر بگیرد.

مسأله ۳۵۳

حکم شک در عدد اشواط سعی، مانند حکم شک در عدد اشواط طواف است. پس هر گاه شک کند در عدد اشواط، سعی را باطل می کند.

تقصیر

اشاره

واجب پنجم از واجبات عمرهء تمتع تقصیر است. یعنی گرفتن مقداری از ناخن دست یا پا، یا چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا سیل. و قصد قربت در تقصیر معتبر است. و کندن مو، جای چیدن را نمی گیرد.

مسئله ۳۵۴

بیرون آمدن از احرام عمرهء تمتع، باید فقط به تقصیر باشد، پس اگر خواسته باشد به جای تقصیر سر خود را بتراشد کفایت

*****مناسک حج (فارسی): ۲۲۷

نمی کند. بلکه سر تراشیدن، بر تمتع حرام است و چنان چه از روی عمد و علم بتراشد، باید یک گوسفند کفاره بدهد. و بنا بر احتیاط، این حکم مطلقاً حتی در صورت جهل نیز جاری است.

مسئله ۳۵۵

هر گاه بعد از سعی و پیش از تقصیر، با زنی نزدیکی و جماع کند و جاهل به حکم باشد، بنا بر احتیاط باید یک شتر کفاره بدهد.

مسئله ۳۵۶

تقصیر، پیش از تمامی سعی حرام است. و چنان چه کسی پیش از فراغت از سعی، تقصیر نماید باید کفاره بدهد.

مسئله ۳۵۷

لازم نیست تقصیر بعد از سعی بلافاصله به جا آورده شود. و شخص می تواند هر جا دلش خواست، خواه در سعی یا در منزل یا جای دیگر تقصیر نماید.

مسئله ۳۵۸

هر گاه تقصیر را عمداً ترک

*****مناسک حج (فارسی): ۲۲۸

نموده و برای حج احرام بست، عمره اش فاسد و باطل خواهد بود. و ظاهر این است که حج تمتعش بدل به حج افراد شده و لازم است بعد از حج، عمرهء مفرده به جا آورد. و احتیاط این است که حج را در سال بعد اعاده نماید.

مسئله ۳۵۹

هر گاه از روی فراموشی تقصیر را ترک نموده و برای حج احرام بست، عمره اش صحیح است و احتیاطاً یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۳۶۰

همین که محرم در عمره تمتع تقصیر نمود، آنچه به جهت احرام بر وی حرام شده بود حلال می شود به جز تراشیدن سر. واما سر تراشیدن تفصیلی دارد که از این قرار است: هرگاه عمره تمتع در ماه شوال به جا آورده شود، سر تراشیدن تا سی روز از عید فطر گذشته جایز است، واما بعد از آن

****مناسک حج (فارسی): ۲۲۹

احتیاط این است که سر تراشیده نشود وچنان چه تراشیده شد واز روی علم وعمد بود، احتیاط این است که یک گوسفند کفاره داده شود.

مسأله ۳۶۱

طواف نساء در عمره تمتع واجب نیست و به جا آوردن آن به قصد رجا عیبی ندارد. و شیخ شهید - رحمه الله از بعضی علما وجوب طواف نساء را در عمره تمتع نقل فرموده اند.

واجبات حج

۱- احرام حج

اشاره

در گذشته واجبات حج به طور اجمال بیان شد، و تفصیل هر یک به قرار ذیل است:

اول احرام است. و بهترین وقت آن روز ترویبه (هشتم ذی الحجه) است. و سه روز بیشتر از آن هم جایز است، خصوصاً برای پیرمردان و بیماران

****مناسک حج (فارسی): ۲۳۰

در صورتی که از ازدحام بترسند. این دو دسته احرام بسته و پیش از بیرون رفتن مردم از مکه بیرون می روند. و در گذشته گفته شد که بیرون رفتن از مکه با احرام حج برای ضرورت بعد از فراغ از عمره هر وقت باشد جایز است.

مسأله ۳۶۲

همچنان که برای شخصی که عمره به جا می آورد جایز نیست قبل از تقصیر برای حج احرام ببندد، برای حاجی جایز نیست پیش از تمامی اعمال حج برای عمره مفرده احرام ببندد. بلی احرام بستن برای عمره مفرده پس از اعمال حج و پیش از طواف نساء مانعی ندارد.

مسأله ۳۶۳

وقت احرام در صورتی تنگ می شود که تأخیرش باعث نرسیدن به وقوف در عرفات روز عرفه (نهم ذی الحجه) شود.

مسئله ۳۶۴

احرام حج در کیفیت و واجبات

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۱

و محرمات، مانند احرام عمره است و اختلاف بین آن ها فقط در نیت است.

مسئله ۳۶۵

مكلف می تواند از هر جای شهر مکه قدیم برای حج احرام ببندد. و مستحب است احرام حج از مسجد الحرام در مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل باشد.

مسئله ۳۶۶

کسی که احرام حج را از روی فراموشی یا جهل به حکم ترک نموده و از مکه بیرون رفته سپس یادش بیاید یا علم به حکم پیدا کند، واجب است به مکه برگردد هر چند از عرفات باشد و از مکه محرم شود و چنان چه به جهت تنگی وقت یا عذر دیگری نتواند به مکه برگردد، از همان جایی که هست محرم شود. و همچنین است اگر بعد از وقوف به عرفات یادش بیاید یا حکم را یاد بگیرد باید از جایی که هست احرام ببندد، هر چند متمکن از

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۲

بازگشت به مکه و احرام از مکه باشد. و چنان چه اصلاً یادش نیامد و حکم را ندانست تا از اعمال حج فارغ شد حجتش صحیح است.

مسئله ۳۶۷

کسی که احرام حج را از روی علم و عمد ترک کند، لازم است تدارکش نماید، و چنان چه پیش از وقوف به عرفات متمکن از تدارک نشود، حجتش فاسد و لازم است سال بعد اعاده اش نماید.

مسئله ۳۶۸

احوط این است شخصی که احرام حج تمتع بسته، پس از احرام و پیش از رفتن به عرفات طواف مستحبی نماید، و چنان چه طواف نمود بنا بر احتیاط بعد از طواف تلبیه را تجدید کند.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۳

اشاره

واجب دوم از واجبات حج تمتع، وقوف (بودن) در «عرفات» است با قصد قربت. و مراد از وقوف حاضر بودن در عرفات است چه سواره چه پیاده، چه در حال حرکت چه آرام.

مسئله ۳۶۹

صحرای عرفات حدودی برای آن معین شده که نام آن ها ثویه و نمره و ذی المجاز و مأزمین است. و خود این ها خارج از موقف می باشند.

مسئله ۳۷۰

کوهی به نام «جبل الرحمه» در صحرای عرفات است که ظاهراً موقف است و وقوف روی آن کوه مکروه است. و مستحب است وقوف در دامنه کوه از طرف چپ باشد.

مسئله ۳۷۱

وقوف در عرفات بایستی از

****مناسک حج (فارسی): ۲۳۴

روی اختیار باشد. پس اگر در مجموع وقت خواب یا بیهوش باشد، وقوفی نکرده است.

مسئله ۳۷۲

وقوف در عرفات برای شخص مختار بنا بر احتیاط، از اول ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب است. و اظهر این است که می تواند تا یک ساعت بعد از ظهر وقوف را تأخیر نماید یعنی از یک بعد از ظهر وقوف نماید. و وقوف در تمام این وقت هر چند واجب است و ترکش گناه است، ولی از ارکان حج نیست به این معنی که اگر کسی مقداری از این وقت را وقوف نکند حجش فاسد نخواهد شد. بلی اگر وقوف را اصلاً از روی اختیار ترک نماید حجش فاسد نخواهد بود. و آنچه رکن است وقوف فی الجمله است.

مسئله ۳۷۳

کسی که به جهت فراموشی یا نادانی یا عذر موجه دیگر وقوف اختیاری (از ظهر تا

****مناسک حج (فارسی): ۲۳۵

غروب) را درک ننمایید، وقوف اضطراری (مقداری از شب عید) بر او لازم است و با این وقوف حجش صحیح خواهد بود. و اگر این وقوف را عمداً ترک نماید حجش فاسد می شود.

مسئله ۳۷۴

کوچ کردن از عرفات پیش از غروب آفتاب با علم و عمد، حرام است. ولی حج را فاسد نمی کند. و کسی کوچ کرد و پیشیمان شده و برگشت چیزی بر او نیست. و اگر برگشت باید یک شتر کفاره بدهد و در منی آن را بکشد و چنان چه نتواند یک شتر کفاره بدهد باید هجده روز

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۶

روزه بگیرد و بنا بر احتیاط پی در پی و متوالی باشد. و این حکم نسبت به کسی که از روی فراموشی یا ندانستن حکم، کوچ کند نیز جاری است یعنی اگر یادش آمد یا حکم را دانست، باید برگردد که اگر برگشت بنا بر احتیاط باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نتوانست هجده روز روزه بگیرد.

مسئله ۳۷۵

اشاره

اگر ماه نزد قاضی اهل سنت ثابت شد و بر طبق آن حکم نمود و نزد شیعه ثابت نشد. دو صورت دارد:

اول: آن که احتمال برود که حکم او مطابق واقع است، که در این صورت پیروی از آن ها و وقوف با آن ها و ترتیب جمیع آثار ثبوت ماه که راجع به اعمال حج است واجب می شود. و بنا بر اظهر همین مقدار در حج کافی است. و کسی که مخالفت تقیه نموده و بگوید احتیاط در مخالفت آنها است فعل حرام به جا آورده و وقوفش فاسد خواهد بود. و خلاصه آن که پیروی از حاکم سنی به جهت تقیه واجب است و با تقیه حج صحیح است. و احتیاط در این جا مشروعیت ندارد، بخصوص که بیم تلف نفس و مانند آن باشد که در زمان ما این اتفاق می افتد.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۷

دوم: آن که علم به خلاف فرض شود، که انسان بداند روزی که به حکم قاضی روز عرفه (نهم) است، واقعاً روز ترویبه و هشتم باشد، که در این صورت وقوف با آن ها کافی نخواهد بود. و در این حال اگر مکلف تمکن از عمل به وظیفه را داشته باشد ولو به وقوف اضطراری در مزدلفه بدون محذور حتی محذور مخالفت تقیه، باید عمل به وظیفه نماید، و در غیر این صورت حجش بدل به عمره مفرده شده و حجی نخواهد داشت. و چنان چه استطاعتش از همین سال بوده و برای سال های بعد باقی نخواهد ماند، وجوب حج از او ساقط خواهد بود، مگر اینکه استطاعت تازه ای پیدا کند که در این صورت دوباره حج می نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۳۸

واجب سوم از واجبات حج تمتع، وقوف در «مزدلفه» است با قصد قربت. ومزدلفه اسم مکانی است به آن «مشعر الحرام» نیز گفته می شود. وحدود آن از مازمین تا حیاض ووادى محسّر است که در آن ها نباید وقوف نمود، مگر در ازدحام وتنگی وقت که مازمین (دو راه تنگ وباریک) باید بالا رفت.

مسأله ۳۷۶

هرگاه حاجتی از عرفات کوچ کرد احتیاط این است که شب عید را در مزدلفه بیتوته کند، هر چند وجوب بیتوته ثابت نشده است.

مسأله ۳۷۷

وقوف در مزدلفه از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عید قربان واجب است، ولی آنچه رکن است، وقوف مختصر است که اگر مقداری

****مناسک حج (فارسی): ۲۳۹

بین الطلوعین وقوف نموده وعمداً کوچ کند حجتش صحیح است، اگر چه فعل حرامی به جا آورده است.

مسأله ۳۷۸

کسی که وقوف بین الطلوعین مزدلفه را اصلاً ترک نماید، حجتش باطل و فاسد خواهد بود. وزنان و کودکان واشخاص ضعیف مانند پیرمردان وبیماران وشخصی که از دشمن می ترسد، از این حکم مستثنی هستند و برای این ها جایز است شب عید مقداری وقوف نموده وقبل از طلوع فجر به سوی منی کوچ کنند.

مسأله ۳۷۹

کسی که شب عید را در مزدلفه وقوف نموده واز جهت ندانستن مسأله قبل از طلوع فجر کوچ نماید، حجتش بنابر اظهر صحیح است ویک گوسفند باید کفاره بدهد.

مسأله ۳۸۰

کسی که از روی فراموشی یا عذر دیگری نتواند بین الطلوعین در مزدلفه وقوف

****مناسک حج (فارسی): ۲۴۰

اختیاری را بنماید، وقوف اضطراری (بودن مختصر بعد از طلوع آفتاب تا ظهر روز عید) کافی است و اگر آن راعمداً ترک

کند، حجش فاسد خواهد شد.

درک وقوفین

اشاره

دانسته شد که هر یک از وقوف عرفات و وقوف مزدلفه دو قسم است. اختیاری و اضطراری. و هر گاه مکلف وقوف اختیاری هر یک را درک نماید که عملش صحیح است. و در صورتی که درک نکند چند صورت خواهد داشت که هر صورتی حکمی دارد:

اول: آن که هیچ یک از وقوفهای اختیاری و اضطراری را درک نکند، که در این صورت حجش باطل، و لازم است با همان احرام حج، عمره مفرده به جا آورد. و واجب است در صورتی که استطاعتش

****مناسک حج (فارسی): ۲۴۱

باقی یا حج از سال های پیش بر ذمه اش مستقر باشد، سال بعد حج نماید.

دوم: آن که وقوف اختیاری عرفات و اضطراری مزدلفه را درک نماید.

سوم: آن که وقوف اضطراری عرفات و اختیاری مزدلفه را درک نماید، که در این صورت حجش بی اشکال صحیح است.

چهارم: آن که وقوف اضطراری هر یک از عرفات و مزدلفه را درک نماید، که اظهر در این صورت این است که حجش صحیح باشد، گرچه احوط در صورتی که شرایط وجوب حج باقی یا حج قبلاً بر ذمه اش مستقر شده باشد، در سال آینده حج به جا آورد.

پنجم: آن که فقط وقوف اختیاری در مزدلفه را درک کند، که در این صورت نیز حجش صحیح است.

ششم: آن که فقط وقوف اضطراری مزدلفه

****مناسک حج (فارسی): ۲۴۲

را درک کند که در این صورت بعید نیست حجش صحیح باشد. ولی احتیاط این است که باقی اعمال را به قصد فراغ ذمه از آن چه به او تعلق گرفته چه عمره مفرده و چه حج به جا آورده و در سال بعد حج را اعاده نماید.

هفتم: آن که فقط وقوف اختیاری عرفات را درک نماید، که اظهر در این صورت باطل بودن حج و انقلاب آن به عمره مفرده است مگر آن که شب، وقوف در مزدلفه بنماید و از روی جهل به مسئله قبل از فجر از آن جا افاضه (کوچ) کند چنان چه قبلاً گذشت. ولی در صورت امکان بازگشت، اگر چه تا ظهر روز عید باشد واجب است برگردد و قدری در مزدلفه توقف نماید و چنان چه ممکن نباشد حج او صحیح است و می بایست یک گوسفند قربانی کند.

هشتم: آن که فقط وقوف اضطراری عرفات

*****مناسک حج (فارسی): ۲۴۳

را درک نماید، که در این صورت حجتش باطل است و بدل به عمره مفرده می شود.

واجبات منی

[۱ - رمی جمره عقبه = واجب چهارم از واجبات حج]

[۲ - ذبح و نحر در منی = واجب پنجم از واجبات حج]

[۳ - حلق یا تقصیر = واجب ششم از واجبات حج]

هر گاه مکلف از مزدلفه کوچ کرد بایستی به منی رفته و اعمالی را که در آن جا واجب است انجام دهد. و اعمال آن جا همان طور که تفصیلاً بیان خواهد شد، سه عمل است:

۴ - رمی جمره عقبه

اشاره

واجب چهارم از واجبات حج رمی جمره عقبه است در روز عید. یعنی به جایی که نامش جمره عقبه

*****مناسک حج (فارسی): ۲۴۴

است سنگریزه بیندازد. و آن چند شرط دارد:

۱ - نیت و قصد قربت.

۲ - بودن هفت ریگ، که کمتر از آن کفایت نمی کند چنان که کفایت نمی کند غیر از ریگ از اجسام.

۳ - زدن ریگ ها یکی پس از دیگری باشد. و زدن دو تا یا بیشتر با هم کافی نیست.

۴ - رسیدن سنگریزه ها به جمره.

۵ - آن که رسیدن بایستی با پرتاب کردن باشد و گذاشتن سنگریزه بر جمره کافی نیست. و ظاهر اینکه اگر سنگریزه در راه به چیزی برخورد نموده و سپس به جمره برسد کافی باشد. بلی اگر سنگریزه در راه به چیز نسبتاً سفتی مانند برخورد و در آن بسته و به جمره رسید، کفایت نخواهد کرد.

۶ - آن که رمی بین طلوع و غروب آفتاب (در

****مناسک حج (فارسی): ۲۴۵

روز) باشد. وزنان و کسانی که کوچ از مشعر در شب برایشان جایز است، می توانند شب عید رمی جمره نمایند.

مسئله ۳۸۱

هرگاه شك كند که سنگریزه به جمره رسید یا نه بنا بر نرسیدن گذاشته و سنگ دیگری بزند، مگر آن که شك وی در وقتی باشد که به واجب دیگری مشغول شده یا پس از فرارسیدن شب باشد، که در این صورت اعتنا نکند.

مسئله ۳۸۲

زدن جسم دیگری غیر از سنگریزه کافی نیست. و دو چیز در سنگریزه معتبر است:

۱ - آن که از سنگ های حرم باشد. و بهتر این است که از مشعر برچیده شود.

۲ - آن که بکر و دست نخورده باشند و قبلاً در رمی استعمال نشده باشند.

****مناسک حج (فارسی): ۲۴۶

مسئله ۳۸۳

کفایت نمودن زدن سنگ بر مقداری که بر ارتفاع جمره افزوده شده، محل اشکال است و احوط آن است که مقدار سابق را رمی نماید. و اگر متمکن نباشد مقدار زیادی را خودش رمی کند و نایب نیز بگیرد برای زدن به مقدار سابق.

مسئله ۳۸۴

چنان چه کسی از روی ندانستن مسأله یا فراموشی در روز عید رمی جمره نمود، لازم است تا روز سیزدهم هر وقت یادش آمد یا مسأله را دانست تدارکش نماید و چنان چه شب یادش آمد، بایستی روز بعد آن را انجام دهد. و این در صورتی است که از کسانی نباشد که رمی در شب برایش جایز است. و حکمش خواهد آمد، چنان چه بعد از روز سیزدهم مسأله را دانست یا یادش آمد، احتیاط این است که به منی رفته و رمی نموده و در سال بعد رمی را شخصاً خودش یا نایبش به جا آورد. و چنان چه پس از

****مناسک حج (فارسی): ۲۴۷

بیرون رفتن از مکه دانست یا یادش آمد، برگشتن بر او واجب نیست بلکه در سال بعد بنا بر احتیاط شخصاً یا نایبش انجام دهد.

مسئله ۳۸۵

چنان چه از روی فراموشی یا نادانی روز عید رمی ننمود و پس از طواف حج دانست یا یادش آمد و تدارک نمود، اعاده طواف بر او واجب نیست، هر چند احوط است. ولی اگر ترک رمی از روی علم و عمد باشد، ظاهر این است که طوافش باطل است و واجب است که پس از تدارک رمی اعاده طواف نماید.

۵- ذبح و نحر در منی

اشاره

واجب پنجم از واجبات حج تمتع، ذبح یا نحر در منی است. ذبح یعنی کشتن گاو و گوسفند و نحر

****مناسک حج (فارسی): ۲۴۸

ی عنی کشتن شتر (قربانی کردن). و باید با قصد قربت و در روز باشد، مگر کسی که ترسی داشته باشد، که چنین شخصی می تواند قربانی خود را شب بنماید. و واجب است قربانی پس از رمی باشد ولی چنان چه او را از روی فراموشی یا نادانی پیش از رمی به جا آورد صحیح است و حاجتی به اعاده ندارد. و واجب است ذبح یا نحر در منی باشد و هر گاه متمکن نباشد چنان چه میگویند ذبح را تغییر داده اند و در وادی محسر قرار داده اند. پس اگر متمکن از تأخیر و ذبح در منی باشد اگر چه تا آخر ذالحجه، حلق یا تقصیر نماید و محل شود و ذبح را تأخیر بیندازد. و همچنین طواف و نماز طواف و سعی را تأخیر بیندازد و الا - جایز است به ذبح در مذبح فعلی اکتفا کند.

مسئله ۳۸۶

احتیاط این است که ذبح و نحر در روز عید قربان باشد. ولی اگر از روی فراموشی

****مناسک حج (فارسی): ۲۴۹

ی ا عذر دیگر یا نادانی ترک نمود، لازم است تا آخر ایام تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) تدارکش نماید. و چنان چه عذر او مستمر بود می تواند تا آخر ماه ذی الحجه تأخیر نماید، و چنان چه بعد از طواف دانست یا یادش آمد و تدارکش نمود، اعاده طواف بر او واجب نخواهد بود، هر چند اعاده اش احوط است. ولی اگر از روی علم و عمد قربانی را ترک نموده و طواف کرد، ظاهر این است که طوافش باطل و واجب است بعد از تدارک قربانی اعاده اش نماید.

مسئله ۳۸۷

ی ک قربانی فقط برای یک نفر کفایت می کند و نمی شود برای دو نفر یا بیشتر باشد.

مسئله ۳۸۸

قربانی بایستی یا شتر یا گاو یا گوسفند باشد. و شتر بایستی سال پنجم را تمام کرده و در سال ششم داخل شده باشد و شتر اگر

شش ساله نباشد کافی نیست. و گاو و بز بایستی بنا بر

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵۰

احتیاط سه ساله باشند و کمتر از آن کافی نیست. و در گوسفند بایستی هشت ماه باشد و کمتر از آن کافی نیست و احتیاط این است که یک سال تمام و در سال دوم داخل شده باشد. و چنان چه پس از قربانی کردن معلوم شد که قربانی در سن معتبر نبوده، لازم است قربانی دیگری در سن معتبر بنماید. و قربانی بایستی از جمیع اعضا سالم باشد و قربانی کور و شل و گوش بریده و شاخ شکسته و مانند این ها کفایت نمی کند. و اظهار این است که اخته شده نیز کفایت نمی کند. و لاغر نیز نباشد. و احوط و اولی این است که بیمار و مومجوع (رگ مالیده) و مرضوض (تخم کوبیده) و پیر که مغز استخوانش آب شده نباشد، و قربانی ای که گوشش شکافته یا سوراخ باشد عیبی ندارد، اگر چه احوط این است که از این ها نیز سالم باشد، و احوط و اولی این است که قربانی طوری نباشد که از اصل

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵۱

خلقت شاخ و دم نداشته باشد.

مسئله ۳۸۹

چنان چه قربانی را به عقیده این که سالم است خریداری نموده و قیمتش را پرداخته و بعد معلوم شد که عیبی دارد، ظاهر این است که می تواند به آن اکتفا نماید و لازم نیست قربانی دیگری بنماید.

مسئله ۳۹۰

آنچه از شرایط در قربانی ذکر شد تماماً در صورت تمکن و قدرت است. و کسی که نتواند قربانی را به این شرایط تهیه کند، هر چه ممکنش باشد همان کافی است.

مسئله ۳۹۱

چنان چه قربانی را به عقیده این که چاق است، کشت و بعد از کشتن معلوم شد لاغر است کافی است و حاجتی به قربانی دیگر ندارد.

مسئله ۳۹۲

هر گاه شک در لاغری قربانی داشته و به جهت فرمانبرداری خداوند متعال او را کشت

*****مناسک حج (فارسی): ۲۵۲

هر چند به امید اینکه به درگاه الهی قبول باشد سپس معلوم شد چاق بوده است کفایت می کند.

مسئله ۳۹۳

هرگاه قربانی سالم و بی عیبی خرید و پس از خریداری ناخوش و مریض شد یا شکستی دید یا عیب دیگری پیدا کرد، کشتن همان کافی است و لازم نیست تعویضش نماید.

مسئله ۳۹۴

هرگاه قربانی خرید و گم شد، قربانی دیگری به جای او بخرد. پس چنان چه اولی را پیش از کشتن دومی یافت، اولی را بکشد و نسبت به دومی مختار است که بکشد یا نکشد و در حکم سایر اموال او خواهد بود. واحوط و اولی این است که او را نیز بکشد. و چنان چه اولی را پس از کشتن دومی یافت، بنابر احتیاط اولی را نیز بکشد.

مسئله ۳۹۵

اگر قربانی گمشده ای را پیدا کرد باید تا روز دوازدهم اعلان و تعریف کند چنان چه

****مناسک حج (فارسی): ۲۵۳

صاحبش پیدا نشد عصر روز دوازدهم او را از قبل صاحبش بکشد.

مسئله ۳۹۶

کسی که پول قربانی را دارد و قربانی گیرش نمی آید، بایستی پول او را نزد شخص امینی امانت بگذارد که تا آخر ماه ذی الحجه با آن پول قربانی خریده و بکشد و چنان چه ماه ذی الحجه گذشت نباید بکشد مگر در سال بعد.

مسئله ۳۹۷

کسی که نه قربانی دارد و نه پولش را، به جای قربانی باید ده روز روزه بگیرد، سه روزش را در حج یعنی روز هفتم و هشتم و نهم ذی الحجه را روزه بگیرد و هفت روز دیگر را در وطن خود بگیرد. و احتیاط این است که هفت روز، پی در پی باشد. و سه روز اول را می تواند پس از شروع به اعمال عمره تمتع از اول ماه ذی الحجه بگیرد و بایستی پی در پی باشند. و چنان چه به وطن خود بر

****مناسک حج (فارسی): ۲۵۴

نگشت و در مکه اقامت نمود، بایستی تا بازگشت اصحاب و همراهانش به وطن یا تا یک ماه صبر نموده و بعد از آن هفت روز را روزه بگیرد.

مسئله ۳۹۸

کسی که باید در حج روزه بگیرد چنان چه نتواند روز هفتم را روزه بگیرد، هشتم ونهم را روزه گرفته وروز دیگر را پس از بازگشت از منی روزه بگیرد. و اگر روز هشتم نیز نتواند روزه بگیرد، هر سه روز را تا بعد از برگشتن از منی تأخیر نماید. احتیاط این است که پس از بازگشت هر چه زودتر روزه ها را بگیرد وبدون عذر تأخیر ننماید. وچنان چه پس از گذشت از منی نتوانست روزه بگیرد، این سه روز را در راه بازگشت به وطن روزه بگیرد یا در وطن خود ولی نباید بین سه روز وهفت روز جمع نماید یعنی بین روزه سه روز وروزه هفت روز فاصله بگذارد وچنان چه تا اول محرم سه روز را

****مناسک حج (فارسی): ۲۵۵

روزه نگرفت، روزه از او ساقط می شود وقربانی برای سال بعد از او متعین می شود.

مسأله ۳۹۹

کسی که نه قربانی داشته ونه پولش را ودر حج سه روز روزه گرفته سپس قربانی برای او ممکن شد، بنا بر احتیاط قربانی بر او واجب خواهد شد.

مسأله ۴۰۰

کسی که نتواند به تنهایی قربانی تهیه نماید ومی تواند با دیگری شرکت نماید، احتیاط این است که بین شرکت در قربانی وروزه گرفتن به ترتیبی که گفته شد جمع نماید.

مسأله ۴۰۱

هرگاه قربانی یا پولش را به کسی داده ودر کشتن آن وکیلش نماید پس شک کند که وکیل قربانی را کشته یا نه، بنا را به نکشتن بگذارد. بلی اگر وکیل راستگو ومورد وثوق باشد وبگوید کشته ام کافی است.

****مناسک حج (فارسی): ۲۵۶

مسأله ۴۰۲

آنچه از شرایط در قربانی ذکر شد، در كفاره شرط نیست، هرچند احتیاط این است که آن شرایط در كفاره نیز مراعات شود.

مسأله ۴۰۳

کشتار واجب در قربانی وكفاره، لازم نیست به مباشرت خود شخص باشد بلکه جایز است درحال اختیار دیگری را نایب قرار دهد. وبایستی کشنده مسلمان باشد ونیت از صاحب قربانی تا هنگام کشتن مستمر باشد وكشنده لازم نیت کند هر چند احوط واولی نیت نمودن اوست.

مصرف قربانی

مسأله ۴۰۴

احتیاط این است که قربانی را سه قسمت نموده یک قسمت را به فقیر مومن صدقه

****مناسک حج (فارسی): ۲۵۷

داده و یک قسمت را به مؤمنین هدیه نموده و یک قسمت باقی را خود بخورد. و واجب نیست ثلث فقیر را به شخص خود فقیر بدهد بلکه جایز است به وکیل فقیر داده شود گرچه وکیل فقیر خود صاحب قربانی باشد. وکیل در آن قسمت بر حسب اجازه موکل خود هر تصرفی را که گفته است می نماید چه بخشیدن به دیگر یا فروش یا اعراض و غیر این ها. و جایز است اخراج گوشت قربانی از منی. (مراعات این نکته برای حجاج محترم بسیار مفید است که هنگام حرکت از وطن از فقیری و کالت بگیرد که در یک سوم قربانی طبق خواسته او تصرف کند. زیرا یافتن فقیر مؤمن در منی برای حجاج بسیار مشکل است).

مسأله ۴۰۵

افراز جدا کردن هر قسمتی از یکدیگر لازم نیست و همین که یک سوم مشاع را به عنوان صدقه و یک سوم مشاع را به عنوان هدیه داده

****مناسک حج (فارسی): ۲۵۸

و از قسمت باقی مانده مقداری بخورد کافی است.

مسأله ۴۰۶

کسی که صدقه یا هدیه را قبض می کند، هر طور بخواهد می تواند تصرف کند. و چنان چه او را به غیر مؤمن یا غیر مسلمان ببخشد عیبی ندارد.

مسأله ۴۰۷

چنان چه قربانی را کشت و پیش از تصدق و هدیه نمودن، دزدی قربانی را دزدید یا کسی به زور از او گرفت، صاحب قربانی ضامن نخواهد بود. بلی اگر خود به اختیار خود او را تلف یا به نااهل بخشید، بنابر احتیاط دو سوم هدیه و صدقه را ضامن خواهد بود.

۶ - حلق یا تقصیر

اشاره

واجب ششم از واجبات حج تمتع، حلق (سر)

****مناسک حج (فارسی): ۲۵۹

تراشیدن) یا تقصیر (گرفتن مقداری از مو یا ناخن) است. و قصد قربت در او معتبر است. و احتیاط این است که در روز انجام شود و بعد از رمی جمره و قربانی باشد. ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم، آن را بر رمی جمره یا قربانی یا هر دوی آن ها مقدم داشت اعاده اش لازم نیست.

مسئله ۴۰۸

سر تراشیدن بر زنان جایز نیست، و در حق آن ها تقصیر متعین است.

مسئله ۴۰۹

مرد بین حلق و تقصیر مخیر است و هر کدام را خواسته باشد می تواند اختیار کند و سر تراشیدن (حلق) بهتر است. و کسی که برای دفع شپش و مانند آن موی سر خود را با غسل یا صمغ چسبانیده یا موی سر خود را جمع کرد و در هم پیچیده و گره زده یا بافته باشد، احتیاط این است که سر تراشیدن را اختیار کند بلکه وجوب آن اظهر

****مناسک حج (فارسی): ۲۶۰

است. و ضروره (کسی که برای اولین بار حج می نماید) احتیاط این است که سر تراشیدن را اختیار کند، هر چند مخیر بودنش بین حلق و تقصیر خالی از قوت نیست.

مسئله ۴۱۰

کسی که بخواهد سر بتراشد و بدانند سلمانی سر او را زخمی خواهد کرد، بایستی اول تقصیر کند و مقداری از موی سر خود را چیده سپس سر تراشد.

مسئله ۴۱۱

خنثای مشکل اگر موی سر خود را نچسبانده یا نبافته باشد باید تقصیر نماید. و آلا - باید هم تقصیر و هم حلق نماید و بنابر احتیاط تقصیر را بر حلق مقدم بدارد.

مسئله ۴۱۲

پس از حلق یا تقصیر آنچه بر محرم به احرام حرام شده بود حلال می شود جز زن و بوی خوش (عطر زن) بلکه شکار نیز بنابر

****مناسک حج (فارسی): ۲۶۱

احتیاط.

مسأله ۴۱۳

هرگاه از روی فراموشی یا ندانستن حکم، حلق و تقصیر نمود تا از منی بیرون رفت، بایستی به منی برگشته و در آن جا سر تراشیده یا تقصیر نماید. و چنان چه بازگشت به منی غیر ممکن یا دشوار باشد، در جای خود حلق یا تقصیر نموده و موی خود را در صورت امکان به منی بفرستد.

مسأله ۴۱۴

هرگاه از روی فراموشی یا نادانی، حلق و تقصیر نمود یا پس از فراغت از اعمال حج یادش آمد و تدارک نمود، بنا بر اظهار اعاده طواف واجب نخواهد بود، هر چند اعاده آن بلکه اعاده سعی نیز احوط است. و در صورتی که تذکر یا دانستن حکم پیش از خروج از مکه باشد، احتیاط به اعاده طواف در صورت امکان ترک نشود.

****مناسک حج (فارسی): ۲۶۲

[۷-۸-۹] طواف حج و نماز آن وسی

اشاره

واجب هفتم و هشتم و نهم از واجبات حج طواف و نماز وسی است و کیفیت و شرایط این سه واجب، عین کیفیت و شرایطی است که در طواف عمره تمتع و نماز وسی آن بیان شد.

مسأله ۴۱۵

در حج تمتع واجب است طواف حج بعد از حلق یا تقصیر باشد. و چنان چه با علم و عمد پیش از حلق یا تقصیر طواف نمود واجب است طواف را بعد از حلق یا تقصیر اعاده نموده و یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۴۱۶

احتیاط این است که طواف حج از روز یازدهم ذی الحجه تأخیر نشود، گرچه جواز تأخیرش تا بعد از ایام تشریق (سه روز پس از

****مناسک حج (فارسی): ۲۶۳

عید اضحی: یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) بلکه تا آخر ماه ذی الحجه خالی از قوت نیست.

مسأله ۴۱۷

تقدیم طواف حج و نماز وسی بر وقوفین در حج تمتع جایز نیست مگر برای پیرمردان یا زنی که بیم حیض شدن دارد، که این دو می توانند طواف حج و نمازش را قبل از وقوفین به جا آورده و سعی را در وقت خودش بنمایند. و احوط این است که سعی

را نیز مقدم داشته و در وقتش هم اعاده نمایند. واولی بهتر نیز در صورت امکان، اعاده طواف و نماز است در ایام تشریق یا بعد از آن تا آخر ماه ذی الحججه.

مسئله ۴۱۸

کسی که از رفتن به مکه بر جان خود می ترسد، می تواند طواف حج و نماز وسعی را بر وقوفین مقدم بدارد. بلکه مقدم داشتن طواف نساء نیز عیبی ندارد. و بعد از اعمال منی هر جا دلش

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶۴

بخواهد برود.

مسئله ۴۱۹

کسی که عارضه ای برایش رخ داد که نتواند طواف نماید، مانند زنی که حیض ببیند یا زاهو شود، و نتواند تا پاک شدن خود در مکه بماند که طواف کند لازم است برای طواف و نماز نایب بگیرد و پس از طواف نایب شخصاً سعی کند.

مسئله ۴۲۰

وقتی متمتع طواف حج و نماز آن را به جا آورد وسعی نمود بوی خوش بر او حلال می شود. و از محرمات احرام فقط زن و بنا بر احتیاط شکار باقی می ماند. و ظاهر این است که بتواند بعد از طواف وسعی عقد نماید ولی لذت بردن از زن برایش جایز نیست بنا بر احتیاط، اگر چه اظهر جواز غیر از جماع است.

مسئله ۴۲۱

کسی که تقدیم طواف وسعی بر وقوفین برایش جایز باشد هرگاه طواف وسعی نمود

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶۵

بوی خوش بر او حلال نمی شود تا مناسک منی (رمی و ذبح و حلق یا تقصیر) را به جا نیاورد.

۱۰ - ۱۱ - طواف نساء و نماز آن

اشاره

واجب دهم و یازدهم از واجبات حج تمتع، طواف نساء و نماز آن است. و این دو گرچه واجبند ولی از اعمال و مناسبات حج نیستند و ترک آن ها حتی عمداً موجب فساد و به هم خوردن حج نمی شود.

مسئله ۴۲۲

طواف نساء همچنان که بر مردان واجب است بر زنان نیز واجب است. پس اگر مرد به جا نیاورد، زن بر او حرام، وچنان چه زن ترک نماید، مرد بر او حرام می شود وکسی که به نیابت دیگری حج می نماید، طواف نساء را برای او به جا می آورد نه برای خود.

****مناسک حج (فارسی): ۲۶۶

مسئله ۴۲۳

طواف نساء و نمازش در کیفیت و شرایط عیناً مانند طواف حج و نماز آن است.

مسئله ۴۲۴

کسی که از جهت بیماری یا غیر آن به تنهایی نمی تواند طواف نساء را به جا بیاورد، از دیگری کمک بگیرد و طواف نماید هر چند بر دوش انسان یا پشت حیوانی سوار شود. وچنان چه از این هم متمکن نباشد، لازم است دیگری را نایب بگیرد. و این حکم نسبت به نماز طواف نیز جاری است.

مسئله ۴۲۵

کسی که عمداً با دانستن حکم یا ندانستن یا از روی فراموشی آن، طواف نساء را به جا نیاورد تا وقتی که شخصاً تدارکش ننماید، زن بر او حرام خواهد بود. وکسی که از روی فراموشی به جا نیاورد، در صورتی که مباشرتش غیر ممکن یا دشوار باشد می تواند دیگری را نایب نماید و هر وقت

****مناسک حج (فارسی): ۲۶۷

نایب طواف را به جا آورد، زن بر او حلال خواهد شد.

و چنان چه قبل از تدارک فوت نماید، احتیاط این است که از ترکه اش قضای آن به جای آورده شود.

مسئله ۴۲۶

تقدیم طواف نساء بر سعی جایز نیست وکسی که از روی علم و عمد تقدیم نماید، لازم است بعد از سعی اعاده کند. و همچنین است در صورتی که از روی نادانی و فراموشی مقدم نماید بنا بر احتیاط.

مسئله ۴۲۷

کسی که از روی عذر طواف نساء را قبل از وقوفین به جا می آورد تا وقتی که مناسک منی (رمی و ذبح و حلق یا تقصیر) ننموده، زن بر او حلال نمی شود.

مسأله ۴۲۸

زنی که حائض شود وقافله تا وقت پاکی او منتظرش نشود، می تواند طواف نساء را ترک نموده وبا قافله خود همراه شود. ودر این صورت

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶۸

و احتیاط این است که برای طواف نساء و نمازش نایب بگیرد. چنان چه مشغول طواف بوده وپس از به جا آوردن نصف آن حیض شود، می تواند باقی را ترک وبا قافله برود. و احتیاط در این صورت این است که برای باقی مانده طواف و نمازش نایب بگیرد.

مسأله ۴۲۹

فراموشی نماز طواف نساء مانند فراموشی نماز طواف حج است. و حکم آن گذشت.

مسأله ۴۳۰

هر گاه متمتع، طواف نساء و نمازش را به جا آورد، اگر مرد است زن بر او حلال و اگر زن است، مرد بر او حلال می شود. و فقط چیزی که از حرام ها باقی می ماند شکار است که تا ظهر روز سیزدهم حرام است بنا بر احتیاط. و اما کندن گیاه و درخت حرم و شکار در حرم، گفته شد که حرمتش اختصاص به محرم ندارد و شامل غیر محرم نیز هست.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۶۹

۱۲ - بیتوته در منی

اشاره

واجب دوازدهم از واجبات حج، بودن شب یازدهم و دوازدهم است در منی. و قصد قربت در آن معتبر است. و چنان چه حاجی روز عید را جهت به جا آوردن طواف و سعی به مکه برود، واجب است به منی برگشته و شب را در آن جا بماند، و کسی که در حال احرام از شکار خودداری نکرده، واجب است شب سیزدهم را نیز در منی بماند. و همچنین است کسی که با زن نزدیکی کرده است بنا بر احتیاط. و برای غیر این ها کوچ کردن از منی بعد از ظهر روز دوازدهم جایز است. ولی چنان چه تا شب در منی باقی ماند، واجب است شب سیزدهم را نیز بماند.

مسأله ۴۳۱

هر گاه آماده حرکت و کوچ از

*****مناسک حج (فارسی): ۲۷۰

منی شد و از جای خود حرکت نمود و به جهت ازدحام و مانند آن نتوانست قبل از غروب از منی برایش ممکن باشد واجب است بماند. و اگر ممکن نباشد یا دشوار باشد جایز است از منی شبانه خارج شود و بنا بر احتیاط یک گوسفند باید بکشد.

مسئله ۴۳۲

کسی که بودن شب در منی بیش از مقداری که بتواند رمی جمرات کند واجب نیست. و واجب نیست تمام شب را در منی باشد و می تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب یا از قبل از نیم شب تا طلوع فجر در آن جا بماند. و اولی برای کسی که نصف اول شب را آن جا مانده و بیرون رفته، این است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود.

مسئله ۴۳۳

چند طایفه از وجوب بیتوته در

****مناسک حج (فارسی): ۲۷۱

منی مستثنی هستند:

۱ - کسانی که از بیتوته معذورند، مانند بیمار و پرستارش و کسی که بر جان و مال خود در آن جا بترسد.

۲ - کسی که در مکه تمام شب و یا باقیمانده از شب اگر بعد از دخول در شب از منی خارج شده و مشغول به عبادت بوده به جز حاجت ضروری مانند خوردن و آشامیدن و تطهیر و امثال آن ها کار دیگری نداشته.

۳ - کسی که طواف خانه خدا را نموده و در عبادت خود باقی مانده و در عبادت خود باقی مانده سپس از مکه بیرون رفته و از عقبه مدینین گذشته باشد. چنین شخصی می تواند در راه بیتوته نماید و لازم نیست خود را به منی برساند.

مسئله ۴۳۴

کسی که بیتوته منیراً عمداً ترک کند، برای هر شب باید یک گوسفند کفاره بدهد.

****مناسک حج (فارسی): ۲۷۲

و احتیاط این است که در صورت فراموشی یا ندانستن حکم نیز کفاره بدهد. و احوط برای شخص معذور از بیتوته را ترک نموده کفاره نیست. و همچنین کسی که بعد از انجام طواف وسیعی از مکه به سوی منی خارج شده و در اثر راه بندان قبل از فجر به منیرسیده، بر چنین شخصی نیز کفاره نیست.

مسئله ۴۳۵

کسی که از منیکوچ کرده و بعد از اینکه شب شد در شب سیزدهم جهت کاری به منیرگشت، واجب نیست در منی بیتوته

کند.

۱۳ - رمی جمرات

اشاره

واجب سیزدهم از واجبات حج، رمی جمرات

****مناسک حج (فارسی): ۲۷۳

سه گانه (جرمهء اولی، جمرهء وسطی، جمرهء عقبه) است. ورمی در روز یازدهم و دوازدهم واجب است. و هر گاه شب سیزدهم در منییتوته کند، رمی روز سیزدهم نیز بنا بر احتیاط واجب خواهد شد. ورمی جمرات بایستی به مباشرت خود شخص انجام شود و نایب گرفتن در حال اختیار جایز نیست.

مسأله ۴۳۶

در رمی واجب است ابتدا از جمرهء اولی سپس جمرهء وسطی و در آخر جمرهء عقبه باشد. و چنان چه برخلاف این ترتیب عمل شود دوباره رمی کند، هر چند مخالفت از روی نادانی یا فراموشی باشد. بلی اگر بعد از اینکه جمر سابق را چهار ریگ زد فراموش نموده و به جمر بعدی رفت، واجب نیست رمی را تماماً اعاده کند بلکه اگر سه ریگ دیگر به جمر قبلی زد کفایت می کند.

****مناسک حج (فارسی): ۲۷۴

مسأله ۴۳۷

واجباتی که در رمی جمرهء عقبه در اعمال روز عید قربان ذکر شد، در جمرات سه گانه نیز واجب است.

مسأله ۴۳۸

رمی جمرات باید در روز انجام شود. و کسی که در روز نتواند رمی کند مانند غلام و چوپان و بدهکاری که می ترسد گرفتار شود و هر کسی که بر جان و مال و ناموس خود بترسد (و این حکم شامل پیرمرد وزن و بچه و ضعیف که بر جان خود از ازدحام می ترسند می باشد)، برای چنین کسانی جایز است رمی را شب آن روز انجام دهند. و لکن جایز نیست برای غیر از کسی که ترس از مکث در منی دارد، کوچ کردن در شب دوازدهم بعد از رمی تا بعد از ظهر آن روز.

مسأله ۴۳۹

کسی که رمی روز یازدهم را فراموش کند واجب است روز دوازدهم آن را قضا

****مناسک حج (فارسی): ۲۷۵

نماید. وکسی که رمی روز دوازدهم را فراموش کرده، بایستی در روز سیزدهم قضا نماید. احتیاط این است که در بین ادای همان روز و قضای روز قبل فاصله گذاشته، و قضای روز قبل را پیش از ادای همان روز به جا آورد و قضای روز قبل طرف صبح و ادای همان روز هنگام زوال باشد.

مسئله ۴۴۰

کسی که رمی را در منی فراموش نموده و پس از کوچ به مکه یادش آمد، واجب است به منی بازگشته و رمی نماید. وچنان چه فراموش شده رمی دو روز یا سه روز باشد، احتیاط این است که بین وظیفه هر روز و روز دیگری یک ساعت فاصله بگذارد. وچنان چه پس از خروج از مکه یادش آمد که رمی نکرده، واجب نیست به منی برگردد بلکه در سال بعد خود یا نایبش آن را قضا نماید.

مسئله ۴۴۱

بیماری که امید ندارد تا مغرب

****مناسک حج (فارسی): ۲۷۶

بهبود حاصل کند، برای رمی نایب بگیرد. وچنان چه اتفاقاً پیش از غروب آفتاب بهبودی یافت و حالش خوب شد، بنا بر احتیاط خودش نیز رمی کند.

مسئله ۴۴۲

حج به ترک رمی هر چند عمداً باشد باطل نمی شود و واجب است در سال بعد قضای آن را شخصاً یا به نایب گرفتن به جا آورد بنا بر احتیاط.

احکام مصدود

مسئله ۴۴۳

مصدود کسی است که بعد از بستن احرام برای عمره یا حج از انجام اعمال آن جلوگیری و منع شود.

مسئله ۴۴۴

مصدود از عمره در جای خود قربانی کرده و از احرام خارج می شود. احتیاط این

****مناسک حج (فارسی): ۲۷۷

است که حلق یا تقصیر را به آن ضمیمه نماید بلکه احتیاط این است که حلق را اختیار نماید در صورتی که قربانی را با خود آورده باشد در عمره مفرده.

مسئله ۴۴۵

مصدود از حج چنان چه از موقف عرفات و مشعر یا خصوص موقف مشعر مصدود باشد، وظیفه اش قربانی در محل صد (جلوگیری) و بیرون آمدن از احرام است. و احتیاط این است که علاوه بر قربانی، حلق یا تقصیر نیز بنماید. و چنان چه مصدود از طواف وسعی بعد از موقوفین و قبل از اعمال منی باشد یا بعد از آن، در این صورت اگر نتواند نایب بگیرد وظیفه اش قربانی در محل صد و جلوگیری است و اگر بتواند برای طواف وسعی نایب بگیرد، احوط این است که هر دو وظیفه را انجام دهد یعنی هم قربانی کند و هم نایب بگیرد، گرچه اظهر جواز اکتفا به قربانی است در صورتی که جلوگیری از دخول در

****مناسک حج (فارسی): ۲۷۸

مکه باشد، و جواز اکتفا به نایب گرفتن است اگر جلوگیری بعد از آن باشد. و چنان چه فقط از اعمال منی جلوگیری شده باشد نه از رفتن به مکه، در این صورت چنان چه بتواند برای رمی و قربانی نایب بگیرد، صحیح است و خود حلق یا تقصیر نموده و از احرام خارج شده سپس بقیه مناسک و اعمال را به جا آورد. و چنان چه نتواند نایب بگیرد، در این صورت ظاهراً وظیفه اش این است که پول قربانی را نزد کسی بگذارد که به جای او قربانی کند و در جای خود حلق یا تقصیر نموده و برای به جا آوردن اعمال مکه به مکه رفته و پس از

انجام اعمال آن جا از سعی و طواف تمام چیزهایی که به احرام بر او حرام شده بود حلال خواهد شد حتی زن و حاجتی به چیز دیگر ندارد و حجش صحیح است و بایستی در سال بعد بنا بر احتیاط رمی را اعاده نماید.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۷۹

مسئله ۴۴۶

در صورتی که مصدود از سالهای پیش مستطیع بوده یا استطاعتش تا سال بعد باقی بماند به قربانیی که ذکر شد حج از او ساقط نمی شود بلکه واجب است در سال بعد حج نماید.

مسئله ۴۴۷

کسی که تمام اعمال حج را به جا آورده و در مکه است و جهت بیتوته در منی و رمی جمرات می خواهد به منی برود و منع و جلوگیری شود، حجش تمام است و برای رمی در صورت امکان همان سال نایب می گیرد و در صورت عدم امکان برای سال بعد نایب بگیرد بنا بر احتیاط. و حکم مصدود بر چنین شخصی جاری نیست.

مسئله ۴۴۸

کسی که نتواند حج خود را ادامه دهد از جهت پیش آمد مانعی غیر از صد و حصر، احتیاط این است که در جای خود قربانی نموده و از احرام خارج شود.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۰

مسئله ۴۴۹

قربانیی که در این موارد گفته شد خواه شتر باشد خواه گاو یا گوسفند فرقی ندارد. و چنان چه نتواند قربانی کند، بنا بر احتیاط بدل آن را که روزه است به ترتیبی که گفته شد انجام دهد.

مسئله ۴۵۰

کسی که حج خود را خراب کرده و بعداً مصدود شود آیا حکم صد بر او جاری می شود یا نه، دو وجه دارد ظاهر این است که جاری می شود ولی بایستی علاوه بر قربانی کفارهء افساد حج را نیز بدهد.

مسئله ۴۵۱

کسی که قربانی همراه خود برده و مصدود شود، کشتن همان قربانی کافی است و قربانی دیگری بر او واجب نمی شود.

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۱

مسئله ۴۵۲

محصور کسی را گویند که در اثر بیماری و مانند آن پس از پوشیدن احرام نتواند اعمال عمره و حج را انجام دهد.

مسئله ۴۵۳

وظیفه کسی که در عمره مفرده محصور شده این است که یک قربانی بفرستد و با دوستان خود وقت بگذارد که در آن وقت معین قربانی نمایند و خود در آن وقت معین از احرام خارج می شود. و برای چنین شخصی بخصوص جایز است در جای خود قربانی نموده و از احرام بیرون بیاید. و بر چنین شخصی بعد از این کار، تمام محرمات احرام حلال می شود بجز زن، وزن بر او حلال نمی شود مگر بعد از آن که خوب شود و عمره مفرده را به جا آورد. و کسی

****مناسک حج (فارسی): ۲۸۲

که در عمره تمتع محصور شده حکمش حکم سابق است با این فرق که زن هم بر این شخص حلال می شود. و کسی که محصور در حج شده باز هم حکمش حکم سابق است و احتیاط این است که با زن نزدیکی نکند تا آن که طواف حج وسیعی و طواف نساء را در حج یا عمره مفرده به جا آورد، آن وقت زن بر او حلال می شود.

مسئله ۴۵۴

هرگاه محصور شد و قربانی خود را فرستاد و بعد از آن مرضش سبکتر شد، چنان چه گمان کند یا احتمال دهد که حج را درک خواهد نموده، واجب است خود را برساند. و چنان چه هر دو موقف یا فقط موقف مشعر را درک نمود، حج را درک نموده و در غیر این صورت اگر قربانیش کشته نشده، حج او بدل به عمره مفرده می شود و اگر کشته شده باشد از احرام بیرون آمده است و تمام محرمات

****مناسک حج (فارسی): ۲۸۳

بر او حلال شده مگر زن. و بر او واجب است که طواف حج و نماز طواف وسیعی و طواف نساء و نمازش را به جا آورد تا زن نیز بر او حلال شود بنا بر احتیاط.

مسئله ۴۵۵

اگر محصور از اعمال و واجبات منی شد و یا محصور از طواف وسیعی بعد از درک و قوفین شد، پس وظیفه آن همان است که در مسئله «۴۴۵» برای مصدود گذشت. بلی اگر حصر از طواف وسیعی بعد از دخول مکه شد، پس هیچ اشکالی نیست در اینکه وظیفه اش نایب گرفتن است.

مسئله ۴۵۶

هرگاه شخص محصور شد و قربانی خود را فرستاد سپس به سر خود آسیبی رساند قبل از آن که قربانی به جای خود برسد، جایز است خود گوسفندی کشته یا سه روز روزه گرفته یا شش مسکین را اطعام نماید که به هر کدام دو مُد بدهد

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۴

و حلق نماید.

مسئله ۴۵۷

در صورتی که محصور، استطاعتش تا سال بعد باقی بماند یا از سال های پیش حج بر او واجب شده باشد به فرستادن قربانی و بیرون آمدن از احرام، حج از او ساقط نمی شود و بایستی در سال بعد حج نماید.

مسئله ۴۵۸

هرگاه شخص محصور نه قربانی داشته باشد و نه قیمت آن را، بایستی به ترتیبی که گذشت ده روز روزه بگیرد یعنی سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت به وطن.

مسئله ۴۵۹

مستحب است محرم هنگامی که می خواهد احرام ببندد، بر پروردگار خود شرط کند که هر جا نتواند اعمال را ادامه دهد از احرام بیرونش بیاورد، هر چند بیرون آمدن از احرام متوقف بر او نیست، زیرا هر جا که نتواند وعذر یا مانعی پیدا

*****مناسک حج (فارسی): ۲۸۵

کرد خود به خود از احرام بیرون خواهد آمد، چه این شرط را کرده باشد چه نکرده باشد.

تا این جا واجبات حج بیان شد و از این به بعد مستحبات و آداب آن را بیان خواهیم نمود، وفقها - رضوان الله علیهم آداب و مستحبات زیادی بیان فرموده اند که این رسال مختصر، گنجایش آن را ندارد و ما به بیان مختصر و مقدار کمی از آن ها اکتفا می نماییم.

آداب و مستحبات حج

اشاره

بدان که مستحبات حج بیش از آن است که در این رساله بیان نماییم. لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا کرده و بقیه را به کتب مفصله وا می گذاریم.

مستحبات سفر

کسی که اراده سفر به مکه یا سفر دیگر را دارد، مستحب است که از حضرت حق جل و علا طلب خیر کند و وصیت بنماید و صدقه بدهد تا آن که به آن صدقه سلامتی خود را خریداری نماید، و وقتی که برای مسافرت مهیا شده، مستحب است در خانه خود چهار رکعت نماز در هر رکعتی فاتحه الكتاب و سوره توحید را بخواند و بگوید { «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِنَّ فَاجْعَلْنِي خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَ مَالِي» }.

و مستحب است به درب خانه خود ایستاده و سه مرتبه از پیش رو و طرف راست و چپ سوره فاتحه و به همین ترتیب سه مرتبه آیهء الکرسی را بخواند و بعد بگوید { «اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاخْفَظْ {

{ مَا مَعِيَ، وَ سَلَّمْنِي وَ سَلَّمْ مَا مَعِيَ، وَ بَلَّغْنِي وَ بَلَّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ» }.

مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

۱ - آن که قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲ - کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند. و بعضی از فقها به وجوب آن قائل شده اند. و این قول اگر چه ضعیف است ولی احوط است.

۳ - آن که پیش از احرام در میقات غسل

احرام بنماید. و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است. و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آن یافت نشود، جایز است. و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد،

مستحب است غسل را اعاده بنماید. وبعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است، باز هم اعاده مستحب است. و اگر مکلف در روز غسل نمود، آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند و همچنین اگر غسل در شب نموده، تا آخر روز آینده کافی است. ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴ - هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

{ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَ أُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي، وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَ أَنْتَهَى {

****مناسک حج (فارسی): ۲۸۹

{ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ قَبْلَعْنِي وَ أَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبْلَنِي وَ لَمْ يَفْطَعْ بِي، وَ وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي، فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مَنْجَايَ وَ ذُخْرِي وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي.} {

۵ - آن که دو جامه احرام از پنبه باشد.

۶ - آن که احرام را به ترتیب ذیل ببندد: در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله در رکعت اول پس از حمد سور توحید و دو رکعت دوّم سوره جحد را بخواند، و شش رکعت افضل است و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد آن گاه بگوید:

{ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ {

****مناسک حج (فارسی): ۲۹۰

{ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ، وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا

وَقِيَتْ وَلَا آخِذَ إِلَّا مَا أُعْطِيَتْ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْئَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسَيْنَهُ نَبِيِّكَ (صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَتَقْوِيَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ وَتَسَلِّمْ مِنِّي مَنَاسِكَ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفِدِكَ الَّذِينَ رَضِيَتْ وَارْتَضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شِقَهِ بَعِيدَةٍ وَأَنْفَقْتُ مَالِي ائْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجِّي وَ عُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسَيْنَهُ نَبِيِّكَ (صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْسِبُنِي فَحُلَّنِي حَيْثُ حَبَسَتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَهُ فَعُمْرَهُ، أَحْرَمَ لِمَكَ شِعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مَخِي وَ عَصَبِي مِنَ النَّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيْبِ، أُبْتَغِي بِذَلِكَ {

****مناسک حج (فارسی): ۲۹۱

{ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ. }

۷- آن که به نیت احرام تلفظ نموده و به اخطار یا مجرد داعی نفسانی اکتفا ننماید. و برای مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

۸- سابقاً گفتیم که تلبیه واجب که احرام به آن محقق می شود، بنابر احوط این است:

(«لَيْبِكَ اللَّهُمَّ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْبِكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَ النُّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ»)

و مستحب است بعد از آن بگوید:

(«لَيْبِكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ غَفَّارِ الذُّنُوبِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ أَهْلِ التَّيْبَةِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ تَبَدُّئِ وَالْمَعَادِ الْيَكُ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ تَسْتَعْنِي وَيَفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ)

****مناسک حج (فارسی): ۲۹۲

)

لَيْبِكُ، لَيْبِكُ كشاف الكرب العظام لَيْبِكُ، لَيْبِكُ عبدك وابن عبدك لَيْبِكُ، لَيْبِكُ يا كريم لَيْبِكُ».)

و این جملات را نیز بگوید خوب است:

(«لَيْبِكُ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَيْبِكُ، لَيْبِكُ بِحُجَّهٍ أَوْ عَمْرَةٍ لَيْبِكُ، لَيْبِكُ وَهَذِهِ عَمْرَةٌ مَتَعَهُ إِلَى الْحَجِّ لَيْبِكُ، لَيْبِكُ أَهْلُ التَّلْبِيَةِ لَيْبِكُ، لَيْبِكُ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ»)

۹ - آن که تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند و در موارد آینده نیز آن را بگوید: وقت برخاستن از خواب، بعد از هر نماز واجب و مستحب، وقت رسیدن به سواره هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن، وقت سوار شدن یا پیاده شدن و اوقات سحر تلبیه بسیار بگوید، وزن حائض و نفساء نیز این تلبیه ها را بگویند. و شخص متمتع تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن که خانه های مکه را ببیند و پس از آن

****مناسک حج (فارسی): ۲۹۳

قطع خواهد شد. و اما حج، پس تلبیه آن تا ظهر روز عرفه مستمر است و پس از آن بریده خواهد شد.

مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱ - احرام در جامه سیاه بلکه احوط ترک آن است، و افضل احرام در جامه سفید است.

۲ - خوابیدن محرم در رخت و بالش زرد رنگ.

۳ - احرام بستن در جامه چرکین، و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.

۴ - احرام بستن در جامه راه راه.

۵ - استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

****مناسک حج (فارسی): ۲۹۴

۶ - حمام رفتن، واولی بلکه احوط آن است که محرم بدن خود را با کیسه

و نحو آن نساید.

۷- لیبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید، بلکه احوط ترک آن است.

مستحبات دخول حرم

۱- همین که حاجی به حرم رسید پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

۲- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل و علا، پا برهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳- وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

(«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: وَ أَدْنَىٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّيْ رَبِّ جَلَا وَ عَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ)

****مناسک حج (فارسی): ۲۹۵

(مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقْمَاءَ بَعِيدَةٍ وَ فَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعاً لِدَائِكَ، وَ مُسْتَجِيباً لِمَكَ، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ وَ كُلِّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أُتَبِّعِي بِجَدْلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ، وَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَنْزِلَةَ لِمَدْيِكَ، وَ الْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي، وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَي النَّارِ، وَ آمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ)

۴- وقت دخول حرم مقداری از علف «اذخر» گرفته آن را مضغ نماید.

مستحبات دخول مکه معظمه

برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است

****مناسک حج (فارسی): ۲۹۶

مكلف غسل بنماید و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود. و کسی که از راه مدینه برود، از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

آداب مسجد الحرام

مستحب است مكلف برای دخول مسجد الحرام غسل بنماید. و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود، و هنگام ورود از در «بنی شیبه» وارد شود. و گفته اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل «باب السلام» است، بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از اسطوانات بگذرد. و مستحب است بر در مسجد الحرام

****مناسک حج (فارسی): ۲۹۷

(«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»)

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست ها را بلند نموده و بگوید:

(«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي، أَنْ تَقِيلَ تَوْبَتِي، وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ، الَّذِي جَعَلْتَهُ مِثَابَةً لِلنَّاسِ، وَأَمْنًا مُبَارَكًا، وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأُؤَمُّ طَاعَتَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ)

****مناسک حج (فارسی): ۲۹۸

(وَ مَرَضَاتِكَ)

و در روایت دیگر وارد است

که نزد در مسجد بگوید:

(بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ مِنْ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ)

****مناسک حج (فارسی): ۲۹۹

(عِبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، وَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَ اسدِّ تَعْمَلِنِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ، وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مَنًى وَ فُسْدِهِ وَ زُورِهِ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَ عَلَى كُلِّ مَائْتَةٍ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَائْتَةٍ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ حَيْدُكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صِدْقٌ، لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ (لَكَ خ ل) كُفْوًا أَحَدٌ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِيَّايَ بَرِيَارَتِي إِيَّاكَ، أَوَّلَ شَيْءٍ)

****مناسک حج (فارسی): ۳۰۰

(تُعْطِنِي)

فَكَأَكْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.») پس سه مرتبه می گوید: («اللَّهُمَّ فَكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»)

پس می گوید:

(«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَشَرَّ فَسَقَهَاءِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ»)

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الاسود شد بگوید:

(«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ»)

پس نزدیک حجر الاسود رفته و آن را استلام نماید و بگوید:

(«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا)

***مناسک حج (فارسی): ۳۰۱

(اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، أَكْبَرُ مِمَّنْ أَخْشَى وَأَخِذَرُ، وَلَا- إِلَهَ إِلَّا- اللَّهُ وَخِيَدُهُ لَا- شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»)

و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و سلام بر پیغمبران بدهد چنان چه وقت دخول مسجد سلام می داد. آن گاه می گوید:

(«إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوْفِي بِعَهْدِكَ»)

و در روایت معتبر وارد است که وقتی نزدیک حجر الاسود رسیدی دست های خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جای آور و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند، پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما، و اگر بوسیدن ممکن نشد با دست استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

***مناسک حج (فارسی): ۳۰۲

(«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي»)

أَدِّيْتَهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ، لِيَتَّسَهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاهَةِ، اَللّٰهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ، وَ عَلَي سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ، اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوْتِ، وَ بِاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَ عِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَ عِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُوْنِ اللهِ» (

و اگر نتوانی همه را بخوانی، بعضی را بخوان و بگو:

(«اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ بَسَّطْتُ يَدِي، وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظَمْتُ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سُبْحَتِي، وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ، وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»)

آداب و مستحبات طواف

در حال طواف مستحب است بگوید:

****مناسک حج (فارسی): ۳۰۳

(«اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَي طَلَلِ الْمَاءِ، كَمَا يُمَشَى بِهِ حُدُودِ الْاَرْضِ، وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرُوشُكَ، وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ اَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ اَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَاَخَّرَ، وَ اَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ اَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا) » و حاجت خود را بطلبد. و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

(«اَللّٰهُمَّ اِنِّي اِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَ اِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُعَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تُبَدِّلْ اِسْمِي» و صلوات بر محمد و آل او بفرستد) به خصوص وقتی که به در خانه کعبه می رسد. و وقتی که به حجر اسماعیل رسید به ناودان نگاه نموده و بگوید:

(«اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ اجْزِنِي)

****مناسک حج (فارسی): ۳۰۴

(بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ، وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَ اَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْاَنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ

وَ الْعَجْمِ) « و چون از حجر بگذرد به پشت سر کعبه برسد بگوید:

(« يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ، وَالْحُرُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَتَقَبَّلَهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. ») چون به رکن
یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

(« يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَ الْمُنْعِمُ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمَنَّانُ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ
جَمِيعَ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ، وَ شُكْرَ
الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ») پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

****مناسک حج (فارسی): ۳۰۵

(« الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَ كِبَكَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا، وَ جَعَلَ عَلَيْنَا إِمَامًا، اللَّهُمَّ اهْدِ لَهٗ خِيَارَ خَلْقِكَ، وَ جَنِّبْهُ
شِرَارَ خَلْقِكَ. ») و چون میان رکن یمانی و حجر الاسود برسد بگوید:

(« رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ. »)

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار
کعبه بچسباند و بگوید:

(« اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ. ») پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند آمرزش
بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد. بعد بگوید:

(« اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَ الْفَرْجُ وَ الْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَ اغْفِرْ لِي مَا طَلَعَتْ)

****مناسک حج (فارسی): ۳۰۶

(عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ. ») و آن چه خواهد آمد دعا

کند، و رکن یمانی را استلام کند و به حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

(«اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِي مَا آتَيْتَنِي.»)

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانهء کعبه و حجر الاسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:

(«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ.»)

مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در

****مناسک حج (فارسی): ۳۰۷

رکعت اولی سورهء توحید، و در رکعت دوم سورهء جحد را بخواند، و پس از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید. و در بعضی از روایات است که حضرت صادق (علیه السلام) بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

(«سَبَّحَدَ وَجْهِي لِمَكَ تَعْبُدًا وَرِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَاصِيَةِ يَدِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ.»)

و بعد از سجده روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

و بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی مستحب است به نزد چاه زمزم رفته یک یا دو دلو آب

****مناسک حج (فارسی): ۳۰۸

بکشد و آن را به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

(«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ وَعِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا، وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ.»)

پس از آن به نزد حجر الاسود بیاید.

مستحبات سعی

مستحب است که از در مقابل حجر الاسود به طرف صفا خارج شود، با رعایت وقار و آرامش. و وقتی بر صفا بالا رفت به کعبه نگاه کند، و به طرف رکنی که حجر الاسود در آن است متوجه شود و خدای را حمد و ثنا گوید و نعمت های الهی را به یاد

آورد. سبب هفت مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگويد، وهفت مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگويد، وهفت مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگويد، وسه مرتبه:

****مناسك حج (فارسی): ۳۰۹

)

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

سپس بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد بعد سه مرتبه بگوید:

(«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ»)، سپس سه مرتبه بگوید:

(«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا آيَاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»)، و سه مرتبه بگوید:

(«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ») .

و سه مرتبه بگوید:

(«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ») .

بعد صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید،

مناسک حج (فارسی): ۳۱۰

و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، و صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، صد مرتبه «الحمد لله» بگوید و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، بعد بگوید:

(«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلْنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ») .

و دین و خویشتن و اهل و عیال خود را به خدا بسپارد و این کار را زیاد کند، پس بگوید:

(«اسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِ وَ أَعِدْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ») .

سپس سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، و آن

را دو بار اعاده کند، و یک بار دیگر نیز تکبیر بگوید، و بعد

****مناسک حج (فارسی): ۳۱۱

آن را اعاده کند، و اگر همه آن را نتواند پس مقداری را که می تواند انجام دهد.

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده است که آن حضرت به صفا بالا می رفت به طرف کعبه روی می کرد و بعد دو دست خود را بلند می کرد سپس می گفت:

(«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعِيدْ عَلَيَّ بِالمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغُفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلْتَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَانْتِ عَنِّي عَنْ عَذَابِي، وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، يَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ أَرْحَمَنِي اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلْتَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي، وَ لَمْ تَطْلُمْنِي، أَصِيبِحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ، وَلَا أَخَافُ جُورَكَ يَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ أَرْحَمَنِي. »)

و از امام صادق (علیه السلام) روایت شده

****مناسک حج (فارسی): ۳۱۲

است که فرمود: اگر می خواهی مال و ثروت زیاد شود پس وقوف در صفا را زیاد کن (در صفا زیاد بایست).

و مستحب است پیاده سعی کند و با آرامش و وقار راه برود تا به محل مناره اولی برسد پس به طرف مناره دومی هروله نماید، سپس با وقار و آرامش راه برود تا به مروه بالا رود و بر بالای مروه همان اعمالی را انجام دهد که در صفا انجام داده بود، و از مروه به طرف صفا بر می گردد به همین صورت که گفتیم، و اگر سواره باشد در میان دو مناره سرعت کند.

پس سزاوار است که بکوشد تا گریه کند (خود را به گریه وادار کند) و بسیار خدا را بخواند.

و برای زنان هروله نیست.

****مناسک حج (فارسی):

مستحبات احرام تا وقوف به عرفات

اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است. و پس از اینکه شخص احرام بسته و از مکه بیرون آمد همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه منیشود بگوید:

(«اللَّهُمَّ إِنِّي أَكُ أَرْجُو، وَ إِنِّي أَكُ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَ أَصْلِحْ لِي عَمَلِي.») و با تن ودلی آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود. و چون به منی رسید بگوید:

(«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحًا فِي عَافِيَةٍ وَ بَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ»، پس بگوید:)

(«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي، وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ)

****مناسک حج (فارسی): ۳۱۴

(«أُنْبِيَاءِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ.»)

و مستحب است شب عرفه را در منی بوده و به طاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد، و چون نماز صبح را بخواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت بلکه احوط آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی محسّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه و از بعضی حرمت آن را نقل نموده اند، مگر از برای ضرورت مانند بیمار و کسی که از ازدحام مردم خائف باشد. و چون به عرفات متوجه این دعا را بخواند.

(«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ، وَ إِنِّي أَكُ اعْتَمَدْتُ، وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي)

****مناسک حج (فارسی): ۳۱۵

(«حَاجَتِي، وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي.»)

تا رسیدن به عرفات تلبیه بگوید.

مستحبات و قوف به عرفات

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

۱ - با طهارت بودن در حال وقوف.

۲ - غسل نمودن، و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.

۳ - آن چه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آن که قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.

۴ - نسبت به قافله ای که از مکه می آید، وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.

****مناسک حج (فارسی): ۳۱۶

۵ - وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا رفتن کوه مکروه است.

۶ - در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه به جا آورد.

۷ - قلب خود را به حضرت حق جل و علا متوجه سازد و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را به جا آورد، پس از آن صد مرتبه «الله اکبر»، و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید و، صد مرتبه سورهء توحید را بخواند و آن چه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد، و بگوید:

(«اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أُخْيَبٍ وَفِدِكَ، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْفَجِّ الْعَمِيقِ») و این دعا را نیز بخواند:

(«اللَّهُمَّ رَبِّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنْ»)

****مناسک حج (فارسی): ۳۱۷

(النَّارِ وَ أَوْسَعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَادِ قَهَاءِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي اللَّهُمَّ
انی اسألك و حودك و كرمك و منك و فضلك یا أسمع السامعين و یا أبصر الناظرين و یا أسرع الحاسيين و یا أرحم الراحمين
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.)

و حاجت خود را نام ببرد، پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

(«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيتِهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَ الَّتِي إِنْ مَنَعْتِهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُ يَدِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَفِّقَنِي لِمَا يُرِضُ بِكَ عَنِّي وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكَ الَّتِي أَرَبْتَهَا خَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،)

****مناسک حج (فارسی): ۳۱۸

(اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلَهُ وَ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاهً طَيِّبَةً.)

۸ - این دعا را بخواند:

(«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حِيدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَ خَيْرٌ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صِلَاتِي وَ دِينِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي وَ لَكَ تُرَاثِي (براعتی خ ل) وَ بِحُكْمِ حَيُولِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ وَسْوَاسِ الصُّدْرِ وَ مِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَأْتِي الرِّيَّاحُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيَّاحُ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُوراً وَ سَمِعِي وَ بَصَرِي نُوراً وَ فِي لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرْوَقِي وَ مَقْعَدِي وَ مَقَامِي)

****مناسک حج (فارسی): ۳۱۹

(وَ مَدْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُوراً وَ أَعْظَمْ لِي نُوراً يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْقَاكَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.)

و در

این روز تا می تواند از خیرات و صدقات تقصیر نکند.

۹ - آن که کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه، «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه، «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه، («أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ») صد مرتبه، پس از اول سوره بقره ده آیه بخواند پس سوره توحید سه مرتبه، و آیه الکرسی را بخواند تا آخر، پس این آیات را بخواند:

(«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
(

***مناسک حج (فارسی): ۳۲۰

(وَالنُّجُومَ مُسَيَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * اُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ،) پس سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند، پس آن چه از نعم الهی به یاد داشته باشد یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید، و همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده حمد بنماید و بگوید:

(«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ.»)

و به آیاتی از قرآن که در آن ها حمد شده است خدا را حمد نماید، و به آیاتی که در آن ها ذکر تسبیح شده است، خدا را تسبیح نماید، و به آیاتی که در

آن ها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید،

****مناسک حج (فارسی): ۳۲۱

و به آیاتی که در آن ها تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید، وبر محمد و آل محمد (علیهم السلام) زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند، و به آن چه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی که در آخر سورهء حشر موجود است خدا را بخواند، و آن ها عبارتند از:

(«اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ» .)

و این دعا را بخواند:

(«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ عِزَّتِكَ، وَ بِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ بِجَمِيعِكَ وَ بِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ بِإِسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَ بِإِسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُحَيِّبَهُ، وَ بِإِسْمِكَ)

(الْأَعْظَمِ)

****مناسک حج (فارسی): ۳۲۲

(الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ، وَ أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ » .)

و هر حاجت که داری بخواه، و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو: «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ».

پس بخوان این دعا را:

(«اللَّهُمَّ فَكِنِّي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَيْقَهَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَيْقَهَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ» .)

۱۰ - آن که نزدیک غروب آفتاب بگوید:

(«اللَّهُمَّ

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنْ تَشْتُّتِ الْأُمْرِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ،)

****مناسک حج (فارسی): ۳۲۳

(وَ أَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَ أَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَ أَلْبَسَنِي عَافِيَتَكَ، وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ.)

و بدان که ادعیه وارد در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است. و بسیار خوب است که در این روز دعای صحیفه کامله و دعای حضرت سید الشهداء و حضرت زین العابدین (سلام الله علیما) خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

(«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمُوقِفِ، وَ ارزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَمْسٍ مَا أَبْتَقِيْتَنِي، وَ أَقْلِنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، وَ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ،)

****مناسک حج (فارسی): ۳۲۴

(وَ أُعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَهَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَ بَارِكْ لِي فِي مَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَ بَارِكْ لَهُمْ فِيَّ)

و بسیار بگوید:

(«اللَّهُمَّ اُعْتَقِنِي مِنَ النَّارِ»)

مستحبات و قوف به مزدلفه

بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مزدلفه متوجه شده و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید بگوید:

(«اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي، وَ زِدْهُ فِي عَمَلِي، وَ سَلِّمْ لِي دِينِي، وَ تَقَبَّلْ مَنَاسِكِي»)

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد. مستحب است نماز شام و خفتن را تا

****مناسک حج (فارسی): ۳۲۵

تأخیر اندازد اگر چه ثلث شب نیز بگذرد، و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد. و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نینداخته و در میان راه بخواند. و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست راه نزول نماید. و اگر حاجی صیروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد. و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادات و اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند.

(«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسِنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَ أَنْ تَقِينِي)

****مناسک حج (فارسی): ۳۲۶

(جوامع الشرّ).

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت، حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند، و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، آن گاه دعا نماید، و بعضی به وجوب آن قائل شده اند. و این دعا را نیز بخواند:

(«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَيْقَهَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَ خَيْرُ مِدْعُوٍّ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ، وَ لِكُلِّ وَاقِدٍ جَائِزُهُ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا، أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَ تَقْبَلَ مَعْدِرَتِي، وَ أَنْ تُجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي. »)

و مستحب

است سنگریزه هایی را که در منی

****مناسک حج (فارسی): ۳۲۷

رمی خواهد نمود از مزدلفه بردارد. و مجموع آن ها هفتاد است.

و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی محسّر رسید به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود، و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

(«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي، وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَأَخْلُفْنِي فِي مَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي.»)

مستحبات رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱ - با طهارت بودن در حال رمی.

۲ - هنگامی که سنگ ها را در دست گرفته این دعا را بخواند:

(«اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي وَارْفَعِهِنَّ فِي عَمَلِي.»)

****مناسک حج (فارسی): ۳۲۸

۳ - با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید:

۴ - هر سنگی را که بیندازد این دعا را بخواند:

(«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ، وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا، وَ عَمَلًا مَقْبُولًا، وَسَعْيًا مَشْكُورًا، وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا.»)

۵ - میان او و جمره در جمره عقبه، ده یا پانزده ذراع فاصله باشد، و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

۶ - جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

۷ - سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۸ - پس از برگشتن به جای خود در منی این

****مناسک حج (فارسی): ۳۲۹

دعا را بخواند:

(«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَعِنَّمِ الرَّبُّ، وَنِعْمَ الْمَوْلَى، وَنِعْمَ النَّصِيرُ»)

مستحبات هدی

مستحبات هدی چند چیز است:

۱ - در صورت تمکن، قربانی شتر باشد و در صورت نبودن آن، گاو و در صورت نبودن آن، گوسفند باشد.

۲ - قربانی بسیار فربه باشد.

۳ - در صورت شتر یا گاو بودن آن، از جنس ماده و در صورت گوسفندی یا بز بودن آن، از جنس نر باشد.

۴ - شتری که می خواهند او را نحر کنند، ایستاده و از سر دست ها تا زانوی او را ببندند و شخص

***مناسک حج (فارسی): ۳۳۰

از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا

خنجر به گودال گردن او فروبرد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

(«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مَّا أُنزِلَ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صِلَاتِي وَنُكُوتِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي »)

۵ - اینکه خود، قربانی را بکشد و اگر نتواند دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

مستحبات حلق

در حلق چند چیز مستحب است:

****مناسک حج (فارسی): ۳۳۱

۱ - آن که از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

(«اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ »)

۲ - آن که موی را در منی در خیمه خود دفن نماید. واولی این است که بعد از حلق، از اطراف ریش وشارب خود گرفته و همچنین ناخن ها را بگیرد.

مسحبات طواف حج و نماز آن وسی

آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن وسی ذکر شد این جا نیز جاری است. و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می آید، در روز عید قربان بیاید و بر در مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

****مناسک حج (فارسی): ۳۳۲

(«اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نُسُكِكَ، وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمَهُ لِي، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ، الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَ أَنْ تُزَجِّعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بِلَدِّكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتِكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ أُوْمُّ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَّرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ »)

پس به نزد حجر الاسود بیاید و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست بر حجر مالیده و دست خود را ببوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل ایستاده و تکبیر بگوید، و بعد آنچه در طواف عمره به جا آورده بود به جا آورد.

****مناسک حج (فارسی): ۳۳۳

مستحبات منی

بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود. و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آن ها نماز

ظهر روز عید است مستحب می باشد و بعضی آن را واجب دانسته اند. واولی در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

(«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَوْلَانَا.»)

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد

****مناسک حج (فارسی): ۳۳۴

نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف به جا آورد. و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هر کس در آن جا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است، و هر کس در آن جا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیای نفس کرده باشد، و هر کس در آن جا صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدیق نماید.

مستحبات دیگر مکهء معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکهء معظمه از این قرار است.

****مناسک حج (فارسی): ۳۳۵

۱ - زیاد ذکر نمودن خدا و خواندن قرآن.

۲ - ختم نمودن یک قرآن.

۳ - خوردن از آب زمزم، و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

(«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ وَعِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ» و) نیز بگوید:

(«بِسْمِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالشُّكْرُ لِلَّهِ»)

۴ - نظر نمودن به کعبه و اکتار از آن.

۵ - در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن: در اول شب سه طواف و در آخر شب سه طواف و پس از دخول صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف.

۶ - هنگام

توقف در مکه به عدد آیام سال یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف مکه نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر

****مناسک حج (فارسی): ۳۳۶

مقداری که بتواند.

۷- شخص صروره به خانه کعبه داخل شود. و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

(«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ »)

پس دو رکعت نماز گزارده در رکعت اول بعد از حمد، حم سجده و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بین ستون بر سنگ قرمز بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند.

(«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعْدَأَ أَوْ اسْتَعَدَّ، لِرَفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ، فَالَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتُ وَ تَعَبَّيْتُ وَ إِعْدَادِي »)

****مناسک حج (فارسی): ۳۳۷

(«وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتَهُ وَ لَا شَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لَكِنِّي آتَيْتُكَ مُقَرَّراً بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي، فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ، فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تُعْطِنِي مَسْأَلَتِي وَ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْلِبَنِي بِرِعْبَتِي وَ لَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَ لَا خَائِبًا، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ »)

مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «الله اکبر» بگوید پس بگوید:

(«اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا، رَبَّنَا وَ لَا تُشِمِّتْ »)

بِنَا أَعْدَاءَنَا، فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ»)

بعداً پایین آمده وپله ها را دست چپ قرار داده

****مناسک حج (فارسی): ۳۳۸

کعبه را استقبال نماید و نزد پله ها دو رکعت نماز بخواند:

طواف وداع

بدان که برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجر الاسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید. و چون به مستحجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد و آنچه خواهد دعا نماید. بعداً حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند، یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف در گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

****مناسک حج (فارسی): ۳۳۹

(«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَآمِيَّتِكَ وَحَبِيْبِكَ وَنَجِيْبِكَ وَخَيْرِ رَجُلٍ مِّنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا لَغَّ رِسَالَتَكَ جَاهِدًا فِي سَبِيلِكَ وَصِدْعَ بِأَمْرِكَ وَأُوذَى فِيكَ وَفِي جَنْبِكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِيْنُ، اللَّهُمَّ أَقْبَلْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجَعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَهَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ. »)

و مستحب است وقت بیرون آمدن، از باب حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد. و وقت بیرون رفتن یک درهم خرما خریده و آن را به فقرا تصدیق نماید.

****مناسک حج (فارسی): ۳۴۰

زیارت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بعد از حج

بدان که از جمله امور مستحبه که بسیار موکد است این است که شخص هنگام برگشتن از راه مدینه طیبه برگردد تا آن که به زیارت حضرت رسول الله (صلی

الله عليه وآله وسلم) وحضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) وائمه بقیع (علیهم السلام) مشرف گردد.

زیارت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)

(«الْسَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا صِدِّيقَهُ، الْسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ)

(فی)

****مناسک حج (فارسی): ۳۴۱

(سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَبَدْتَهُ حَتَّى آتَيْتَكَ الْيَقِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ.)

زیارت حضرت صدیقه (علیها السلام)

که هر یک از ائمه به آن زیارت می شود:

(«يَا مُنْتَحَنَةً، اِمْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجِدَكَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَ زَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصِيبٌ قُونَ، وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّيَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، وَ آتَانَا بِهِ وَصِيَّتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ فَانَا نَسِيئُكَ أَنْ كُنَّا صَدِّقَتِكَ اَلَا الْحَقَّتْنَا بِتَصَدِيقِنَا لَهْمَا (بالبشرى خ ل) لُبَشْرًا أَنْفُسَنَا بِأَنَا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ.)

****مناسک حج (فارسی): ۳۴۲

زیارت جامعه

(اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصِيْفِيَاءِهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ أَمَنَاءِ اللَّهِ وَ أَحِبَّائِهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ مَظَاهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ الْمُسْتَقْرِرِينَ فِي مَرَضَاتِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ الْأَدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ، وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ، وَ مَنْ اِعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَشْهَدُ اللهُ أَنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ، وَ حَرْبٌ)

****مناسک حج (فارسی): ۳۴۳

)

لِمَنْ حَارَبْتُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عِدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، وَابْتَرَأَ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوَّلًا وَآخِرًا .

****مناسك حج (فارسی): ۳۴۴

****مناسك حج (فارسی): ۳۴۵

****مناسك حج (فارسی): ۳۴۶

****مناسك حج (فارسی): ۳۴۷

دعاء امام حسين (عليه السلام) در روز عرفه

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصَيْعِنِهِ صَيْعُ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَاتَّقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيغُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ، جَازَى كُلَّ صَانِعٍ، وَرَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، وَمُنزِلُ الْمَنَافِعِ، وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعْوَاتِ سَامِعٌ، وَ لِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ، وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَ لِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۴۸

(مَوْلَا شَيْءٍ يَعْدِلُهُ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقَرَّرًا بِإِنِّكَ رَبِّي، وَ إِلَيْكَ مَرْدِي، إِبْتِدَاءً تَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكَورًا، وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ أَسِيكْتَنِي الْأَضْيَالَ، آمِنًا لِرَيْبِ الْمُتَمُونِ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَ السَّنِينِ، فَلَمْ أَزَلْ طَاعِنًا مِنْ صَيْلِبِ إِلَى رَحِمِ فِي تَقَادُمِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَ لُطْفِكَ لِي وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فِي دَوْلَةِ أَيْمَةِ الْكُفْرِ الذِّينِ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۴۹

(نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رُوِّفَتْ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَ سَوَابِغِ نِعْمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِي يُمْنِي، وَ أَسِيكْتَنِي فِي ظُلُمَاتِ ثَلَاثِ بَيْنِ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ، لَمْ مَشْهَدْنِي خَلْقِي، وَ لَمْ تَجْعَلْ

إِلَى شَيْئًا مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامِيًا سَوِيًّا، وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهِيدِ طِفْلًا صَبِيًّا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ
الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمَ،)

****مناسك حج (فارسی): ۳۵۰

(وَكَلَّمَاتِنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَنَانِ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ،
أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْأَنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي، وَاعْتَدَلَتْ مِرَّتِي، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ
أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ، وَأَيْقَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَتَبَهْتَنِي لِشُكْرِكَ
وَ ذِكْرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَ يَسَّرْتَ لِي تَقْبُلَ مَرْضَاتِكَ، وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي
جَمِيعِ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۵۱

(ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ لَطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى، وَ رَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَ
صُنُوفِ الرِّيشِ، بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَ صَيَّرْتَ عَنِّي كُلَّ النَّقْمِ،
لَمْ يَمْنَعِكَ جَهْلِي وَ جُرْأَتِي عَلَيَّ، أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، وَ وَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَعْدِيكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَ إِنْ
سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَ إِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَ إِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ
سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِي)

****مناسك حج (فارسی): ۳۵۲

(مُعِيدِ حَمِيدِ مَجِيدٍ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَ عَظُمَتْ الْأَوْكُ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدَدًا وَ ذِكْرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا
شُكْرًا، وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا)

الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَدِرْتِ وَ دَرَأَتْ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَالضَّرَّاءِ، أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ، وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي، وَ عَقْدِ عَزَمَاتِي يَقِينِي، وَ خَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَ عَلَاقِ مَجَارِي نُورِ بَصْرِي، وَ أَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي، وَ حُزْقِ مَسَارِيرِ نَفْسِي، وَ خَذَارِيفِ مَارِنِ عَزِينِي،)

****مناسك حج (فارسي): ٣٥٣

(وَ مَسَارِيرِ سِيْمَاخِ سِيْمَعِي، وَ مَا ضُمَّتْ وَ أَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَقَاتِي، وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَ مَعْرَزِ حَنِكِ فَمِي وَ فَكِّي، وَ مَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي، وَ حِمَالِهِ أُمَّ رَأْسِي، وَ بُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ غُنْقِي، وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صِدْرِي، وَ حَمَائِلِ حَبْلِ وَ تِينِي، وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَ أَفْلَازِ حَوَاشِي كِبَدِي، وَ مَا حَوَتْهُ شَرَّاسِيْفُ أَضْلَاعِي وَ حِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَ قَبْضُ عَوَامِلِي، وَ أَطْرَافِ أُنَامِلِي، وَ لَحْمِي وَ دَمِي، وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي، وَ عَصْبِي وَ قَصْبِي، وَ عِظَامِي وَ مُخِي وَ عُرْوَقِي، وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي، وَ مَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ)

****مناسك حج (فارسي): ٣٥٤

(أَيَّامِ رِضَاعِي، وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي وَ سِيْكُونِي، وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي وَ سِيْجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ لَوْ عُمِّرْتُهَا أَنْ أُودَى شُكْرُ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتِطَعْتُ ذَلِكَ، إِلَّا بِمَنْكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرُكَ أَيْدَاءَ جَدِيدًا، وَ ثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا أَجَلْ، وَ لَوْ حَرَضْتُ أَنَا وَ الْعَادُّونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَ آئِفِهِ، مَا حَصَيْرْنَا عِيدًا، وَ لَا أَحْصَيْنَاهُ أَمْدًا هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ، وَ أَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَ النَّبِيُّ الصَّادِقِ، وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا، صَدَقَ

****مناسک حج (فارسی): ۳۵۵

(اللَّهُمَّ وَإِنْبَاؤُكَ، وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلِكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجُهْدِي وَجِدِّي، وَ مَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَورُوثًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مَلِكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَ لَا وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ فَيُرِيدُهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمِدِ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمِيدًا يُعَادِلُ حَمِيدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِهِ)

****مناسک حج (فارسی): ۳۵۶

(الْمُرْسَلِينَ، وَ صِيَلَى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ، وَ سَلِّمْ) . پس شروع فرمود آن حضرت در سؤال واهتمام نمود در دُعا و آب از دیده های مبارکش جاری بود پس گفت: (اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَمَا نِي أَرَاكَ، وَأَسْبَغْ عَذَنِي بِتَقْوِيكَ، وَ لَا- تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَ خِزْلِي فِي قَضَائِكَ، وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا- أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَ النُّورَ فِي بَصْرِي، وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَ مَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي وَ انصُرْنِي عَلَى)

****مناسک حج (فارسی): ۳۵۷

(مَنْ ظَلَمَنِي، وَ أَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَ مِأْرَبِي، وَ أَقِرَّ بِجَدْلِكَ عَيْنِي، اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبِيَّتِي، وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي، وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَ اخْسِئْ شَيْطَانِي، وَ فَكِّ رِهَانِي، وَ اجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي، الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْأَخْرَةِ وَ الْأُولَى، اللَّهُمَّ لَكَ

الْحَمِيدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً، وَ لَكَ الْحَمِيدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً سَوِيّاً رَحِمَهُ بِي، وَ قَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَيِّباً، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعِيدَلْتُ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسِنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسِنْتَ إِلَيَّ وَ فِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا كَلَّمْتَنِي وَ وَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطَعَمْتَنِي)

****مناسك حج (فارسی): ۳۵۸

(وَ سَمِعْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْيَيْتَنِي وَ أَفَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَ أَعَزَّزْتَنِي رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَ يَسَّرْتَ لِي مِنْ صُدُوعِكَ الْكَافِي صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَعْنَى عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ، وَ صُرُوفِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ، وَ نَجَّيْتَنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْأَخِرَةِ وَ أَكْفَيْتَنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَأَكْفِنِي وَ مَا أَخْذَرُ فَقْنِي، وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَاحْرُسْنِي، وَ فِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي وَ فِي أَهْلِي وَ مَالِي فَاحْلُقْنِي، وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَ فِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَ بِدُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي)

****مناسك حج (فارسی): ۳۵۹

(وَ بِسِيرِيرَتِي فَلَا- تُخْزِنِي، وَ بِعَمَلِي فَلَا- تَبْتَلِنِي، وَ نِعْمِكَ فَلَا- تَسْلُبْنِي، وَ إِلَى غَيْرِكَ فَلَا- تَكِلْنِي إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي، إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعْنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمْنِي، أَمْ إِلَى الْمُشْتَضِعِّينَ لِي وَ أَنْتَ رَبِّي، وَ مَلِيكَ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ غُوبَتِي، وَ بُعِيدَ دَارِي، وَ هَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا تُحِلِّلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تُكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْ سِعَ لِي، فَاسْئَلْكَ يَا رَبُّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَ

السَّمَوَاتِ، وَ كَشِفَتْ بِهِ الظُّلْمَاتُ، وَ صَلَّحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخِيرِينَ، أَنْ لَا تُمَيِّنِي عَلَى غَضَبِكَ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۶۰

(وَ لَا- تُنَزِّلْ بِي سَيِّحَظَكَ لَمَكَ الْعُتْبَى لَمَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَخْلَقْتَهُ الْبَرَكَهَاءَ، وَ جَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُيْدَتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي وَ إِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ، وَ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ، وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَ إِلَهِي الْمُتَتَجِبِينَ، وَ مُنَزَّلَ التَّوْرِيهِ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۶۱

(وَ الْبِئْرِ نُجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ، وَ مُنَزَّلِ كَهَيْعِصَ وَ طهَ وَ يسَ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمِيذَاهِبُ فِي سَيِّعَتِهَا، وَ تَضِيقُ بِي الْأَرْضَ بِرُحْبِهَا، وَ لَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَ أَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَ لَوْلَا سِتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَ أَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصِيرِ عَلَى أَعْيِدَائِي، وَ لَوْلَا- نَصِيرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَ الرَّفْعَاءِ، فَأَوْلِيَاثُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَرُونَ، يَا مَنْ جَعَلَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمِيذَاهِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَيِّطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَتَهُ الْأَعْيُنُ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمَنَةُ وَ الدُّهُورُ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۶۲

(يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ. إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَ سَدَّ

الْهُوَآءِ بِالسَّمَآءِ يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَيْدَاءُ، يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَ جَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَ الْبَلْوَى عَنْ أَيُّوبَ، وَ يَا مُمَسِّكَ يَدَيِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَ فَنَاءِ عُمُرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَّبَ لَهُ يَحْيَى، وَ لَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ (

****مناسك حج (فارسی): ۳۶۳

(يُؤْنَسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمُعْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيِ رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَتَقَدَّ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَ قَدْ عَدُوا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَ يَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَ قَدْ حَادُّوهُ وَ نَادُّوهُ وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا بَدِي يَا بَدِيْعًا، لَا نَدْلُكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَ عَظُمَتْ خَطِيئَتِي)

****مناسك حج (فارسی): ۳۶۴

(فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَ رَانِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِهْرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى، وَ نِعْمُهُ لَا تُجَازَى، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَ الْإِحْسَانِ، وَ عَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَ الْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي بِاللَّيْمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَ عَزِيَانًا فَكَسَانِي، وَ جَائِعًا فَاشْبَعْنِي، وَ عَطْشَانًا فَارَوَانِي، وَ ذَلِيلًا

فَاعَزَّنِي، وَ جَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَ غَائِبًا فَرَدَّنِي، وَ مُقِلًّا فَاغْنَانِي، وَ مُتَّصِرًا فَنَصَّرَنِي، وَ غَتِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَ أَمْسَكْتُ (

****مناسك حج (فارسی): ٣٦٥

(عَنْ جَمِيعِ ذَلِمِكَ فَابْتَدَأَنِي، فَلَمَّكَ الْحَمِيدُ وَ الشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَ نَفَسَ كُرْبَتِي، وَ أَجَابَ دَعْوَتِي، وَ سَتَرَ عَوْرَتِي، وَ غَفَرَ دُنُوبِي، وَ بَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَ نَصَّيْرَنِي عَلَى عِدْوِي، وَ إِنْ أَعَدَّ نِعَمَكَ وَ مَنَّكَ وَ كَرَامَتِكَ مِنْحَكَ لَا أُخْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتِ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي)

****مناسك حج (فارسی): ٣٦٦

(هَيْدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَيْمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَيَّرْتِ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَضَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيْدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَّرْتِ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ، فَلَمَّكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَ لَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي، الْمُعْتَرِفُ بِدُنُوبِي، فَاعْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ أَنَا الَّذِي سَيَّهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَيْدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ)

****مناسك حج (فارسی): ٣٦٧

(وَ أَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَثْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَ أَبُوءُ بِدُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ دُنُوبُ عِبَادِهِ، وَ هُوَ الْغَنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ، وَ الْمُؤَفَّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ، فَلَمَّكَ الْحَمِيدُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي، إِلَهِي أَمْرَتِي)

فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبِرْ لِي فَاعْتِذِرْ، وَلا إِذَا قُوَّةٌ فَانْتَصِرْ فَبِأَيِّ شَيْءٍ اسْتَيْقَلِكَ يَا مَوْلَايَ،
أَبْسَمِعِي أَمْ بَبَصَرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ)

****مناسك حج (فارسي): ٣٦٨

(عَلَيَّ، يَا مَنِ سَيَّرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَ مِنَ الْعَشَائِرِ وَالْبِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَ مِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَ
لَوْ أَطْلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطْلَعْتَ عَلَيَّ مَنِي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَ لَرَفَضُونِي وَ قَطَعُونِي، فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ، يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ
ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرِّ آتَهُ فَاعْتِذِرْ، وَ لَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، وَ لَا حُجَّةٍ فَاحْتَجْ بِهَا وَ لَا قَائِلٌ لَمْ اجْتَرِحْ، وَ لَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَ مَا
عَسَى الْجُحُودُ، وَ لَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعَنِي، كَيْفَ وَ أَنِّي ذَلِكُ وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ
ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ)

****مناسك حج (فارسي): ٣٦٩

(الْمَأْمُورُ، وَ أَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَ عِدْلُكَ مُهْلِكِي، وَ مِنْ كُلِّ عِدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِعَذُوبِي بَعْدَ
حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَ إِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَخِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الْخَافِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،)

****مناسك حج (فارسي): ٣٧٠

(سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،)

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأُولِينَ، اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَإِقْرَارِي بِالْإِيكَ مُعَدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أُحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا وَتَظَاهِرِهَا، وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي)

****مناسك حج (فارسی): ۳۷۱

(وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَكَشَفِ الضَّرِّ، وَتَسْبِيبِ الْمَيْسِرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ، وَالْعَافِيَةِ فِي الْيَدَنِ، وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَ لَوْ رَفَعْتَنِي عَلَى قَدَرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصِي الْآوُكُ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَتَمَّ عَلَيْنَا نِعَمَكَ وَاسْتَجِدْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ وَتَكْشِفُ الشُّوَاءَ وَتُغِيثُ الْمَكْرُوهَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ،)

****مناسك حج (فارسی): ۳۷۲

(وَتُغْنِي الْفَقِيرَ، وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطَلِّقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِضْمَاءَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَ أَنْتَ أَحَدًا مِنْ

عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُوَلِّئُهَا، وَالْإِثْمَ تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا، وَكَرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَغْمَدُهَا،
إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَيْرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۷۳

(مَنْ دُعِيَ، وَاسْتَرَعُ مَنْ أَجَابَ وَ أَكْرَمُ مَنْ عَفَى، وَ أَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَ أَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، لَيْسَ
كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ، وَ لَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَاكَ فَاجْتَنَيْ، وَ سَأَلْتَكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فَارْحَمْتَنِي، وَ وَثِقْتُ بِكَ فَجَجَيْتَنِي، وَ
فَزَعَيْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اللَّهُمَّ فَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ، وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ، وَ عَلَى الْإِسْمَاءِ الطَّاهِرِينَ الْأَجْمَعِينَ، وَ تَمِّمْ لَنَا
نِعْمَاتِكَ، وَ هُنَّ عَطَائِكَ، وَ اكْتَبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَ لِأَلْبَائِكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ قَدْرًا، وَ قَدَرَ
فَقَهَرَ، وَ عَصَى)

****مناسك حج (فارسی): ۳۷۴

(فَسْتَرِ، وَاسْتَغْفِرْ فَغَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ وَ مُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَ وَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَ
رَحْمَةً وَ حِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيِّهِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ
أَمِيَّتِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ فَصِلْ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدَلِيكَ مِنْكَ، يَا عَظِيمُ فَصِلْ عَلَيْهِ وَ عَلَى الْإِسْمَاءِ الطَّاهِرِينَ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۷۵

(أَجْمَعِينَ، وَ تَغْمَدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَإِنَّكَ عَجَبُ الْأَصْوَاتِ بِصُيُوفِ اللَّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيِّهِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ
تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ نُورٍ تَهْدِي بِهِ وَ رَحْمَةً تَنْشُرُهَا، وَ بَرَكَهَةً تُنْزِلُهَا،

وَ عَافِيَهُ تَجَلَّلَهَا، وَ رِزْقٍ تَبَسَّطَهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَ لَا تَخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ لَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَ لَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَايِكَ قَانِطِينَ، وَ لَا تَرُدَّنَا)

****مناسك حج (فارسی): ٣٧٦

(خَائِبِينَ، وَ لَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَحْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَ لِيَبْتِكَ الْحَرَامَ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا، وَ اكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا، وَ اغْفُ عَنَّا وَ عَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيَّدِينَا، فَهِيَ بِذَلِكَ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ، اللَّهُمَّ فَأَعِظْنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَ اكْفِنَا مَا اسْتَكْمَفِينَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِدٌ فِينَا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ، إِفْضُ لَنَا الْخَيْرَ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ، وَ كَرِيمَ الدُّخْرِ، وَ دَوَامَ)

****مناسك حج (فارسی): ٣٧٧

(الْيُسْرِ، وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَ لَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَ لَا تَضْرِبْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلْنَاكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَ شَكَرَكَ فَرِذْتَهُ، وَ تَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ وَ نَقِّنَا وَ سَدِّدْنَا وَ اقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِعْمَاضُ الْجُفُونِ، وَ لَا لِحْظُ الْعُيُونِ، وَ لَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ، وَ لَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ)

****مناسك حج (فارسی): ٣٧٨

(قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَ وَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ)

عُلُوًّا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَكَأَنَّ الْحَمْدَ وَالْمَجْدَ وَعُلُوَّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيْدِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَامِنْ خَوْفِي، وَأَعِثْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالنَّاسِ)

****مناسک حج (فارسی): ۳۷۹

پس سر و دیده خود را به سوی آسمان بلند کرد و از دیده های مبارکش آب می ریخت مانند دو مشک و به صدای بلند گفت: (يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، السَّادَةِ الْمِيَامِينَ، وَأَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْئَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَخَدَّكَ لِشَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ، وَ لَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ.)

****مناسک حج (فارسی): ۳۸۰

پس مکرر می گفت: یا رَبُّ وُكْسَانِي که دور آن حضرت بودند تمام گوش داده بودند به دعاء آن حضرت و اکتفا کرده بودند به آمین گفتن پس صداهایشان بلند شد به گریستن با آن حضرت تا غروب کرد آفتاب و بار کردند و روانه جانب مشعر الحرام شدند مؤلف گوید: که کفعمی دعاء عرفه امام حسین (علیه السلام) را در بلد الامین تا این جا نقل فرموده و علامه مجلسی در زاد المعاد این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد نموده و لکن سید بن طاووس در اقبال بعد از یا رَبِّ یا رَبِّ این زیادتی را ذکر فرموده:

)

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي، إِلَهِي إِنَّ
اِخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَ سُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ،)

****مناسك حج (فارسي): ٣٨١

(مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِهَكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ، وَ الْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ، إِلَهِي مَنِي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي، وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ،
إِلَهِي وَ صَيِّفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَ الرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي، أَفْتَمْنَعُنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي، إِلَهِي إِنَّ ظَهَرْتَ الْمَحَاسِنَ مَنِي
فَبَفْضِلِكَ، وَ لَمَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَ إِنَّ ظَهَرْتَ الْمَسَاوِي مَنِي فَبِعِذْلِكَ وَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ، إِلَهِي كَيْفَ تَكِلْنِي وَ قَدْ تَكَفَّلْتَ لِي، وَ
كَيْفَ أَضَامُ وَ أَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ)

(أَحِبُّ وَ أَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هَا أَنَا اتَّوَسَّلْتُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَ كَيْفَ اتَّوَسَّلْتُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ)

****مناسك حج (فارسي): ٣٨٢

(أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَ هُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أُتْرَجِمُ بِمَقَالِي وَ هُوَ مِنْكَ بَرَزُ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُحْيِي أَمَالِي وَ هِيَ قَدْ وَفَدَتْ
إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَ بِهَكَ قَامَتْ، إِلَهِي مَا الْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَ مَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَيْحِ فِعْلِي، إِلَهِي مَا
أَقْرَبَكَ مِنِّي وَ أَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَ مَا أَرْأَفَكَ بِي، فَمَا الَّذِي يَحُجِّبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي عَلِمْتُ بِاِخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَ تَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ، أَنْ
مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ، إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ، وَ كُلَّمَا ابْتَسَنِي
أَوْصَافِي أَطْمَعَنِي)

****مناسك حج (فارسي): ٣٨٣

(مِنْكَ، إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي، وَ مَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ لَا

تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمَكَ النَّافِذُ، وَ مَشِيئَتِكَ الْقَاهِرَةُ، لَمْ يَثْرُكَ لِتَدِي مَقَالٍ مَقَالًا، وَلَا لِتَدِي حَالٍ حَالًا، إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا، وَ حَالَةٍ شَيَّدْتُهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ، إِلَهِي أَنْكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَ إِن لَمْ تَدْمِ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا- جُزْمًا، فَصَدَّ دَامَتْ مَحَبَّتُهُ وَعَزَمًا، إِلَهِي كَيْفَ أَعَزَّمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ، وَ كَيْفَ لَا أَعَزَّمُ وَ أَنْتَ الْأَمْرُ، إِلَهِي تَرُدُّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بُعْدَ الْمَزَارِ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۸۴

(فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِحُدْمَةٍ تُوَصِّلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسَدِّدُ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرُ لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَ مَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوَصِّلُ إِلَيْكَ، عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا- تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا، وَ حَسِبَتْ صِفْقَهُ عَيْنٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا، إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ، فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَ هِدَايَةِ الْإِسْتِْبْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا، كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُونٌ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۸۵

(السِّرُّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا، وَ مَرْفُوعِ الْهَمَّةِ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ هَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ، وَ أَقِمْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِلَهِي عَلَّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمُخْزُونِ، وَ صِدْقِي بِسِرِّكَ الْمَصُونِ، إِلَهِي حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ، وَ اسْلُكْنِي بِي مَسْلَكَ أَهْلِ الْجَذْبِ إِلَهِي أَعْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي، وَ بِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي، وَ أَوْقِفْنِي عَلَى مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي، إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي،)

****مناسك حج (فارسی): ۳۸۶

(وَ طَهَّرْنِي مِنْ شَكِي وَ شِرْكِي، قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرْنِي، وَ)

عَلَيْكَ اتَّوَكَّلْتُ فَلَا تَكِلْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي، وَبِحَنَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي وَبِبَايِكَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنِي، إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عَلَيْهِ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عَلَيْهِ مِنِّي، إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِمَدَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي، إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمْنِنِي، وَإِنَّ الْهَوَى بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسِيرَنِي، فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبْصِرَنِي، وَاغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَغْنِيَ بِكَ عَنْ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۸۷

(طَلَبِي، أَنْتَ الَّذِي أَشْرَفْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ، حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَدُوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ، حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجِدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلاً، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَلْتَ عَادَةَ الْإِيمَانِ، يَا مَنْ إِذَا ق)

****مناسك حج (فارسی): ۳۸۸

(أَحِبَّائُهُ حَلَاوَةً الْمُؤَانَسَةِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَائَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبِيلَ الذَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لِنَامِنِ الْمُسْتَفْرِضِينَ، إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْذِبْنِي بِمَنَّكَ حَتَّى أُقْبَلَ عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۸۹

(دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمَ إِلَيْكَ، وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي، إِلَهِي

كَيْفَ اسْتَعَزُّ وَ فِي الذَّلَّةِ ارْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ لَا اسْتَعَزُّ وَالْيَكِ نَسَبْتَنِي، إلهي كَيْفَ لَا افْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي، أَمْ كَيْفَ افْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتُ لِكُلِّ شَيْءٍ، فَمَا جَهَلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتُ إِلَيْ فِي كُلِّ شَيْءٍ، فَارَائِكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ اسْتَوَى)

****مناسك حج (فارسی): ۳۹۰

(بِرَحْمَاتِيهِ، فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتْ الْأَثَارَ بِالْأَثَارِ، وَمَحَيَوَتِ الْأَغْيَارَ، بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ، يَا مَنْ اخْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنِ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ، فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ [مِنْ] الْإِسْتِوَاءِ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ.)

****مناسك حج (فارسی): ۳۹۱

دعاء امام زين العابدين (عليه السلام) در روز عرفه

(«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِدِيَعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَإِلَهُ كُلِّ مَلُوءٍ، وَخَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ. أَنْتَ اللَّهُ لِمَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحِيدُ الْمُتَوَحَّدُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لِمَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكْرِمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَظَّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمِحَالِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ، الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ

قَبِيلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْآخِرُ بَعِيدٌ كُلُّ عَدِيدٍ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، دُو
 الْبُهَيَاءِ وَالْمَحِيدِ، وَالْكَبِيرِيَاءِ وَالْحَمِيدِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّتِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سَنَخٍ، وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ
 مِثَالٍ، وَابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِدَاءٍ. أَنْتَ الَّتِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا، وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا
 أَنْتَ الَّتِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ، وَلَمْ يُوَارِزِكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَلَمْ يَكُنْ لِمَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا نَظِيرٌ. أَنْتَ الَّتِي أَرَدْتَ
 فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ، وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، وَحَكَمْتَ فَكَانَ نَصِيحًا مَا حَكَمْتَ. أَنْتَ الَّتِي لَا يَحْوِيكَ مَكَانٌ، وَلَمْ يَقُمْ
 لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَلَمْ يُعِيكَ بُرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ. أَنْتَ الَّتِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَدًا، وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ
 تَقْدِيرًا. أَنْتَ الَّتِي قَصَّرْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ ذَاتِيَّتِكَ، وَعَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَلَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْتِيَّتِكَ. أَنْتَ الَّتِي
 لَا تَحُدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا، وَلَمْ تُمَثَّلْ فَتَكُونِ مَوْجُودًا، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ مَوْلُودًا. أَنْتَ الَّتِي لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيَعَانِدُكَ،)

****مناسك حج (فارسی): ۳۹۲

(وَ لَا عَدْلَ لَكَ فَيَكَاثِرُكَ، وَ لَا يَتَدَلَّ لَكَ فَيَعَارِضُكَ. أَنْتَ الَّتِي ابْتَدَأْتَ، وَ اخْتَرَعْتَ، وَ اشْتَبَحْتِ، وَ ابْتَدَعْتَ، وَ أَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ.
 سُبْحَانَكَ مَا أَجَلَ شَأْنِكَ، وَ أَسْنَى فِي الْأَمَاكِينِ مَكَانَكَ، وَ أَضِيدَعُ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفِ مَا أَلْطَفَكَ، وَ رءُوفِ مَا
 أَرْأَفَكَ، وَ حَكِيمِ مَا أَعْرَفَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكِ مَا أَمْنَعَكَ، وَ جَوَادِ مَا أَوْسَعَكَ، وَ

رَفِيعَ مَا أَرْفَعَكَ ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجِيدِ وَالْكَبِيرِ بَاءً وَالْحَمِيدِ. سُبْحَانَكَ بَسَّطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَعَرَفْتَ الْهَدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنْ
الْتَمَسَكَ إِدِينِ أَوْ دُنْيَا وَحَدَكَ سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَخَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَانْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ
لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ سُبْحَانَكَ لَا تُحْسُ وَلَا تُجْسُ وَلَا تَمْسُ وَلَا تُكَادُ وَلَا تُمَاطُ وَلَا تُتَازَعُ وَلَا تُجَارَى وَلَا تُمَارَى وَلَا تُخَادَعُ وَلَا
تُمَاكِرُ سُبْحَانَكَ سَبِيلُكَ حِدْدٌ. وَأَمْرُكَ رَشْدٌ، وَأَنْتَ حَيٌّ صَيِّمٌ. سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حُكْمٌ، وَقَضَاؤُكَ حُكْمٌ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ.
سُبْحَانَكَ لَا رَادَ لِمَشِيئَتِكَ، وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ. سُبْحَانَكَ بَاهِرَ الْآيَاتِ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ، بَارِي النَّسِيمَاتِ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ
بِدَوَامِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ. وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ. وَ لَكَ
الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمِيدٍ كُلِّ حَامِدٍ، وَ شُكْرًا يَقْضِرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ حَمِيدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَ لَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ حَمِيدًا
يُسَبِّحُ بِهَ الْأَوَّلَ، وَ يُسَبِّحُ بِهَ دَوَامَ الْآخِرِ. حَمِيدًا يَنْضَاعُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمَنِ، وَ يَتَرَايِدُ أَضْعَافًا مُتَرَادِفَةً. حَمِيدًا يَعْجِزُ عَنْ
إِحْصَائِهِ الْحَفْظَةَ، وَ يَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَيْتَهُ فِي كِتَابِكَ الْكُتُبَةَ حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَ يُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ الرَّفِيعَ. حَمْدًا يَكْمُلُ
لِعَدِيكَ ثَوَابُهُ، وَ يَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ حَمِيدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفَقُّ لِحَقِّهِ حَمِيدًا لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ، وَ لَا
يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ حَمْدًا يُعَانُ مِنَ اجْتِهَادِهِ فِي تَعْدِيدِهِ، وَ يُؤَيِّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيئِهِ. حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ،
وَ يَنْتِظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدِ. حَمْدًا لَا

حَمْدٌ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَ لَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ. حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۹۳

(بِوُفُورِهِ، وَ تَصَلُّهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوَّلًا مِنْكَ حَمْدًا يَجِبُ لِكْرَمِ وَجْهِكَ، وَ يُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَّجِبِ الْمُضِيَّطَى الْمُكْرَمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ، وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعْ رَحْمَاتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَرْكَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُرَضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرَضِيكَ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَمَّا تُرَضِي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَمَّا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَ يَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبِقَائِكَ، وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ، صَلَاةً مَرْضِيَةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونِكَ، وَ تُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَ تَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفِ لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفِظَهُ دِينِكَ، وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ

عَلَى عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِزَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صِيَّامَهُ تَجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ، وَ تَكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَ نَوَافِلِكَ، وَ تُوفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحِطَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ صِيَّامَهُ لَا أَمَدَ فِي أَوْلَاهَا، وَ لَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا، وَ لَا نِهَائِيَةَ لِآخِرِهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زَنَهُ عَزْشِكَ وَ مَا دُونَهُ، وَ مِلْءَ سَمَاوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ، وَ عَدَدَ أَرْضِيكَ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۹۴

(وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، صِيَّامَهُ تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى، وَ تَكُونُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضَى، وَ مُتَّصِلَةً بِنظَائِرِهِنَّ أَيْدَاءً. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ حِدَّدْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَ أَمَرْتَ بِإِثْبَالِ أَوَامِرِهِ، وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَالْأ - يَتَقَدَّمُهُ مُتَقَدِّمٌ، وَ لَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مُتَأَخَّرٌ فَهُوَ عَضِيْمَةٌ اللَّائِنِينَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِرُؤْيَاكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيْرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيْرًا، وَ أَعِنِّهِ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَ اشْدُدْ أَرْزُهُ، وَ قَوِّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَ احْمِهِ بِحِفْظِكَ وَ انصُرْهُ بِمَلَائِكِكَ، وَ امْدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْمَاعْلَبِ. وَ أَقِمْ بِهِ كِتَابِكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سِيْرَةَ رَسُوْلِكَ، صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجْلُ بِهِ صِيْدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ أَبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَ أزلْ بِهِ

النَّاكِبِينَ عَنِ صِرَاطِكَ، وَامْحَقْ بِهِ بُعَاةَ قَضِيْدِكَ عَوْجًا وَ أَلِنْ حَيَانِيَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ، وَ هَبْ لَنَا رَافِقَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ، وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَ إِلَى نُصْرَتِهِ وَ الْمِدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رُسُولِكَ صِلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. اللَّهُمَّ وَ صِلْ عَلَيَّ أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُزْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسَلِّمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَيَادِينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّاكَبَاتِ النَّامِيَّاتِ الْغَادِيَّاتِ الرَّائِحَاتِ. وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيَّ أَرْوَاحِهِمْ، وَ اجْمَعْ عَلَيَّ التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَ اضْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَ تَبَّ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ، وَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَ اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَ مَنَنْتَ فِيهِ)

****مناسك حج (فارسی): ۳۹۵

(بَعْفُوكَ، وَ أَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَيَّدَيْتَهُ لِإِسْدِينِكَ، وَ وَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ، وَ عَصَيْتَهُ بِحَيْلِكَ، وَ أَدْخَلْتَهُ فِي حِزْبِكَ، وَ أَرْشَدْتَهُ لِمَوَالِيهِ أَوْلِيَائِكَ، وَ مُعَادَاهِ أَعْدَائِكَ. ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَ زَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةً لَكَ، وَ لَا اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَ إِلَى مَا حَيَّدَرْتَهُ، وَ أَعَانَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَ عَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ، رَاجِيًا لِعَفْوِكَ، وَائْتِقًا بِتَجَاوُزِكَ، وَ كَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ. وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا

دَلِيلًا خَاصَةً عَا خَاشِعًا خَائِفًا، مُعْتَرِفًا بِعَظِيمِ مِنَ الذَّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ، وَ جَلِيلٍ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ، مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِكَ، لَأَنْدَأَ بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ، وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ. فَعِيدُ عَلَيَّ بِمَا تَعُودُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ اقْتِرَافٍ مِنْ تَعَمُّدِكَ، وَ حُجْدُ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَ ائْمُنْ عَلَيَّ بِمَا لَمَّا يَتَعَاطَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَمْلَكَ مِنْ غُفْرَانِكَ، وَ اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنْالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ لَا تَرُدَّنِي صِفْرًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ إِنِّي وَ إِن لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَ نَفْيَ الْأَضْدَادِ وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْكَ، وَ أَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا، وَ تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتَيْتُكَ بِذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَ التَّدَلُّلِ وَ الْإِسْتِكَانَةِ لَكَ، وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، وَ الثَّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَ شَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّتِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ رَاجِيكَ. وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، وَ مَعَ ذَلِكَ خَيْفَهُ وَ تَضَرُّعًا وَ تَعَوُّذًا وَ تَلَوُّذًا، لَمَّا مُسِيَّتْ طَبْلًا بِتَكْبَرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَ لَا مُتَعَالِيًا بِدَالِهِ الْمُطِيعِينَ، وَ لَا مُسِيَّتْ طَبْلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ. وَ أَنَا بَعِيدٌ أَقْلُ الْأَقْلِينَ، وَ أَذَلُّ الْأَذَلِّينَ، وَ مِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونِهَا، فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ، وَ لَا يَنْدَهُ الْمُتْرَفِينَ،)

****مناسك حج (فارسی): ۳۹۶

(وَ يَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالِهِ الْعَاثِرِينَ، وَ يَنْفَضُّ بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ. أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ. أَنَا الَّذِي أَقَدَّمْتُ عَلَيْكَ مُجْتَرِنًا. أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا. أَنَا الَّذِي اسْتَحْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَ بَارَزَكَ. أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمِنَكَ. أَنَا

الَّذِي لَمْ يَزْهَبْ سَطْوَتَكَ، وَ لَمْ يَخْفُ بِأَسْكَ. أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ أَنَا الْمُزْتَهَنُ بِبِلَّتِيهِ. أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ. بِحَقِّ مَنْ
اِتَّجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ بِمَنْ اضْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنْ اخْتَزَتْ مِنْ بَرِّيَّتِكَ، وَ مَنْ اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتَهُ
بِطَاعَتِكَ، وَ مَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مَوَالِيَهُ بِمَوَالِيَتِكَ، وَ مَنْ نُطِتَ مَعَادَاتَهُ بِمَعَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي
هَذَا بِمَا تَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا، وَ عَادَ بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا. وَ تَوَلَّيْنِي بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَ الزُّلْفَى لِمَدْيِكَ وَ الْمَكَانَةَ
مِنْكَ. وَ تَوَخَّضَنِي بِمَا تَتَوَخَّضُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ، وَ أَنْعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَ أَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ. وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي
جَنْبِكَ، وَ تَعَدَّى طَوْرِي فِي حُدُودِكَ، وَ مُجَاوَزَهُ أَحْكَامِكَ. وَ لَا تَسِيءْ تَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَعْنَى خَيْرٍ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ
يَشْرُكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي. وَ نَبَّهْنِي مِنْ رَفْدِهِ الْعَافِلِينَ، وَ سَنِّهْ الْمُسْرِفِينَ، وَ نَعْسَهُ الْمَخْذُولِينَ وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ
الْقَانِتِينَ، وَ اسْتِعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ، وَ اسْتِنَقَدْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِينَ. وَ أَعِزَّنِي مِمَّا يُبَاءِ دُنِي عَنْكَ، وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ، وَ
يُضِيءُ دُنِي عَمَّا أَحْبَبْتُ لِمَدْيِكَ وَ سَهَّلَ لِي مَسِيلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمُسِيءَ بَاقِيَهُ إِلَى يَوْمِ الْمَوْتِ، وَ الْمُسْأَحَاءَ فِيهَا عَلَى مَا
أَرَدْتَ. وَ لَا تَمَحِّقْنِي فِيمَنْ تَمَحَّقُ مِنَ الْمُسِيءِ تَخْفِينًا بِمَا أُوْعَدْتُ وَ لَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ وَ لَا تُتَبِّرْنِي فِيمَنْ
تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنِّي عَنْ سُبُلِكَ وَ نَجِّنِي مِنَ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَ خَلِّصْنِي مِنَ لَهَوَاتِ الْبُلُوَى، وَ أَجْرِنِي مِنَ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ. وَ حُلِّ بَيْنِي وَ
بَيْنَ عَدُوِّ يَضِلُّنِي، وَ هَوَى يُوبِقُنِي، وَ مَنْقَصَهُ تَرْهَقُنِي وَ لَا

تُعْرِضُ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ وَ لَا تُؤَيِّسُنِي مِنَ الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقَنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَمْنَحْنِي بِمَا
لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَظْنِي)

****مناسك حج (فارسی): ۳۹۷

(مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ. وَ لَمَّا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِزْسَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَ لَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَ لَا إِنْابَةَ لَهُ وَ لَا تَزِمْ بِي
رَمَى مِنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَ مَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطِهِ الْمُتَرَدِّينَ، وَ وَهَلَهُ الْمُتَعَسِّفِينَ، وَ
زَلَّهِ الْمَغْرُورِينَ، وَ وَرَطَهُ الْهَالِكِينَ. وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ، وَ بَلَّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنَيْتَ بِهِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ،
وَ رَضِيَتْ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِيداً، وَ تَوَفَّيْتَهُ سَعِيداً وَ طَوْفَنِي طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا يُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ، وَ يَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ وَ أَشْعِرْ قَلْبِي
الْأَزْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَ فَوَاضِحِ الْخَوْبَاتِ. وَ لَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أُذْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ وَ أَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ
دُنْيَا دَنِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصِيدُ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تَذْهَلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ. وَ زَيِّنْ لِي التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَ
النَّهَارِ وَ هَبْ لِي عِضِي مَهْمَةً تُدْنِيَنِي مِنْ حَشِيَّتِكَ، وَ تَقْطَعْنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، وَ تَفُكِّنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ. وَ هَبْ لِي التَّطْهِيرَ مِنْ
دَنَسِ الْعِضِيَّانِ، وَ أَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا، وَ سَيْرِبْلِي بِسِرْبَالِ عَافِيَّتِكَ، وَ رَدِّنِي رِدَاءَ مُعَافَاتِكَ، وَ جَلِّلْنِي سَوَابِغَ نِعْمَائِكَ، وَ ظَاهِرِ
لَدَيَّ فَضْلِكَ وَ طَوْلِكَ وَ أَيْدِي بِنُؤْفَيْكَ وَ تَشْدِيدِكَ، وَ أَعِنِّي عَلَى صَالِحِ الشِّيْءِ، وَ مَرْضِي الْقَوْلِ، وَ مُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِ، وَ لَا تَكْلِنِي
إِلَى حَوْلِي وَ قُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ. وَ لَا تُخْزِنِي

يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِكَ، وَ لَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيِ أَوْلِيَائِكَ، وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ
عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَمِّكَ، وَ أَوْزِعْنِي أَنْ أُثْبِتَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَ أَعْتَرِفَ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ. وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ
الرَّاعِبِينَ، وَ حَمِيدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمِيدِ الْحَامِدِينَ وَ لَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَ لَا تُهْلِكْنِي بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيْكَ، وَ لَا تَجْبِهْنِي بِمَا
جَبِهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لِمَكَ، فَإِنِّي لِمَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لِمَكَ، وَ أَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَ أَعُوذُ بِالْإِحْسَانِ، وَ أَهْلُ التَّقْوَى، وَ
أَهْلُ الْمَغْفَرَةِ، وَ أَنَّكَ بِأَنْ تَغْفُوَ أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ، وَ أَنَّكَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَيَّ أَنْ تَشْهَرَ. فَأَحْبِبْنِي حَيَاهً طَيِّبَةً تَنْتَضِمُ
بِمَا أُرِيدُ،)

****مناسك حج (فارسی): ۳۹۸

(وَ تَبْلُغُ مَا أَحْبَبْتُ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ، وَ لَا أُرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَ أَمْتِنِي مِيتهً مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ. وَ ذَلَّلْنِي
بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْفِكَ، وَ ضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَ ارْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ أَعِنِّي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَ زِدْنِي إِلَيْكَ
فَاقَةً وَ فَقْرًا. وَ أَعِزَّنِي مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ، وَ مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ، وَ مِنَ الدُّلِّ وَ الْعَنَاءِ، تَعَمَّدْنِي فِيَمَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ
الْقَادِرُ عَلَى الْبُطْحِ لَوْ لَمَّا حَلَمُهُ، وَ الْأَخْذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْ لَمَّا أَنَاثُهُ وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِي مِنْهَا لَوْ إِذَا بَكَ، وَ إِذْ لَمْ
تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ وَ اشْفَعْ لِي أَوَائِلَ مَنِّكَ بِأَوَاخِرِهَا، وَ قَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا، وَ لَا
تَمُدُّ لِي مَدًّا يَفْشُو مَعَهُ قَلْبِي، وَ لَا تَفْرَعْنِي

قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَ لَا تَسْمِنِي خَسِيْسَةً يَصْغُرُ لَهَا قَدْرِي وَ لَا نَقِيصَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي. وَ لَا تُرْعِنِي رَوْعَةً أَيْلَسُ بِهَا، وَ لَا مَا خِيْفَةً أَوْ جِسْ دُونَهَا، اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ، وَ حِدْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَ إِنْذَارِكَ، وَ رَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ. وَ اَعْمُرْ لَيْلِي بِإِقْطَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَ تَفَرُّدِي بِإِلْتِهَادِكَ لَكَ، وَ تَجَرُّدِي بِسِيْ كُونِي إِلَيْكَ، وَ إِنْزَالِ حَوَائِجِي بِسَمْعِكَ، وَ مُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقِيْبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَ إِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ. وَ لَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِيهَا، وَ لَا فِي غَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ، وَ لَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ اتَّعِظَ، وَ لَا نَكَالًا لِمَنْ اعْتَبَرَ، وَ لَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَ لَا تَمَكُّرًا بِي فِيمَنْ تَمَكَّرَ بِهِ، وَ لَا تَسِدْ تَبْدُلَ بِي غَيْرِي، وَ لَا تُغَيِّرْ لِي اسْمِي، وَ لَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمِي، وَ لَا تَتَّخِذْنِي هُزُوءًا لِخَلْقِكَ، وَ لَا سِيْ خَرِيًّا لَكَ، وَ لَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَ لَا مُمْتَهِنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ. وَ أَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ، وَ حِلْمًا وَهَاءَ رَحْمَتِكَ وَ رَوْحَكَ وَ رِيْحَانِكَ، وَ جَنَّةَ نَعِيْمِكَ، وَ أَذِقْنِي طَعْمَ الْفِرَاحِ لِمَا تُحِبُّ بِسِعَةِ مَنْ سِعَتِكَ، وَ الْاجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلُّ لِمَدِيكَ وَ عِنْدَكَ، وَ أَنْتِحِفْنِي بِتُحْفَةٍ مِنْ تُحَفَاتِكَ. وَ اجْعَلْ تَحِيَّارَتِي رَابِحَةً، وَ كَرْتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ، وَ أَخْفِنِي مَقَامِكَ، وَ شَوْفِي لِقَاءِكَ، وَ تُبِّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لِمَا تُبْقِي مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً، وَ لَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَ لَا سَرِيرَةً.)

****مناسك حج (فارسی): ۳۹۹

(وَ انْزِعِ الْعِلَّ مِنْ صِدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ اعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ، وَ كُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَ حَلِّبْنِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ، وَ ذِكْرًا نَامِيًا فِي

الْمَآخِرِينَ، وَوَافِ بِي عَزْصَهَ الْأَوَّلِينَ. وَتَمَّمْ سُبُوحَ نِعْمَتِكَ، عَلَيَّ، وَظَاهِرَ كَرَامَاتِهَا لَعَدَيَّ، امْلَأْ مِنْ فَوَائِدِكَ يَدَيَّ، وَسُقْ كَرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ، وَجَاوِزِ بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ، وَجَلَّلْنِي شَرَائِفَ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ. وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا آوِي إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَمَثَابَةً أَبْتَوُّوْهَا، وَاقْرَأْ عَيْنًا، وَ لَا تُقَايِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَزَائِرِ، وَ لَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَ أَرْزُلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ، وَ اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ، وَ اجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ، وَ وَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ. وَ اجْعَلْ قَلْبِي وَائِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَ هَمِّي مُسْتَفْرَعًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَشِي تَعْمَلُ بِهِ خَالِصِيَّتِكَ، وَ أَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَ اجْمَعْ لِي الْغِنَى وَ الْعَفَافَ وَ الدَّعَاءَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الصِّحَّةَ وَ السَّعَةَ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَ الْعِافِيَةَ. وَ لَمَّا تُحِبُّ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُبُّهَا مِنْ مَعْصِيَّتِكَ، وَ لَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِكَ، وَ صُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ، وَ ذُنْبِي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ. وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا، وَ لَا لَهُمْ عَلَيَّ مَعْوِ كِتَابِكَ يَدًا وَ نَصِيرًا، وَ حُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةً تَقِينِي بِهَا، وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ رَأْفَتِكَ وَ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّآغِبِينَ، وَ أَتَمِّمُ لِي إِنْعَامَكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعِمِينَ وَ اجْعَلْ بَاقِيَ عُمُرِي فِي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً وَجْهَكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَ السَّلَامَ عَلَيَّهِ وَ عَلَيْهِمْ أَبَدَ الْأَبْدِينَ.»)

****مناسك حج (فارسی): ۴۰۰

صفحه فارغه

(مطابق للمطبوع)

****مناسك حج (فارسی): ۴۰۱

دعاء امام زين العابدين (عليه السلام) در روز عرفه

مناسك حج

مقدمه... ص: ۵

وجوب حج... ص: ۷

شرايط وجوب حج... ص: ۱۰

بلوغ... ص: ۱۰

عقل... ص: ۱۳

ستطاعت... ص: ۱۵

سعه وقت... ص: ۱۵

امنيت وسلامتی... ص: ۱۶

****مناسك حج (فارسی): ۴۰۲

زاد وراحله... ص: ۱۸

رجوع به كفایت... ص: ۲۱

حج با مال غصبی... ص: ۴۱

حج زن وزوجه... ص: ۴۳

نذر مزاحم حج... ص: ۴۳

كفایت نایب گرفتن از میقات... ص: ۴۴

وصیت به حج

احکام نیابت. ص: ۶۵

****مناسک حج (فارسی): ۴۰۳

حج مستحبی. ص: ۸۰

اقسام عمره

اقسام حج. ص: ۸۸

حج تمتع

اعمال عمره تمتع

اعمال حج تمتع. ص: ۹۴

شرایط حج تمتع. ص: ۹۶

حج افراد. ص: ۱۰۳

حج قران. ص: ۱۰۶

میقات های احرام

۱ - مسجد شجره. ص: ۱۰۸

****مناسک حج (فارسی): ۴۰۴

۲ - وادی عتیق. ص: ۱۰۹

۳ - جحفه. ص: ۱۱۰

۴ - یلملم. ص: ۱۱۱

۵ - قرن المنازل. ص: ۱۱۱

۶ - مکه مکرمه. ص: ۱۱۱

۷ - منزل خود شخص. ص: ۱۱۲

۸ - جعرانه. ص: ۱۱۲

۹ - محاذات مسجد شجره. ص: ۱۱۳

۱۰ - ادنی الحل. ص: ۱۱۴

احکام میقات ها. ص: ۱۱۴

کیفیت احرام

نیت، ی. ص: ۱۲۵

تلبیه. ص: ۱۲۷

****مناسک حج (فارسی): ۴۰۵

پوشیدن دو جامه احرام. ص: ۱۳۲

تروک احرام. ص: ۱۳۶

- شکار حیوان صحرائی. ص: ۱۳۹

کفارات شکار. ص: ۱۴۲

تزدیکی با زنان. ص: ۱۴۷

- بوسیدن زن. ص: ۱۵۲

- لمس زن. ص: ۱۵۳

- نگاه کردن به زن وملاعبه با او. ص: ۱۵۳

- استمناء. ص: ۱۵۵

- عقد نکاح. ص: ۱۵۶

استعمال

بوی خوش. ص: ۱۵۸

پوشیدن لباس دوخته بر مردان. ص: ۱۵۹

سرمه کشیدن. ص: ۱۶۱

نگاه کردن در آینه. ص: ۱۶۲

****مناسک حج (فارسی): ۴۰۶

پوشیدن چکمه و جوراب. ص: ۱۶۳

دروغ و دشنام. ص: ۱۶۴

جدال نمودن. ص: ۱۶۵

کشتن جانور بدن. ص: ۱۶۶

زینت نمودن. ص: ۱۶۷

مالیدن روغن به بدن. ص: ۱۶۸

جدا نمودن مو از بدن. ص: ۱۶۹

پوشانیدن سر بر مردان. ص: ۱۷۱

پوشانیدن رو بر زنان. ص: ۱۷۲

زیر سایه رفتن مردان. ص: ۱۷۳

- بیرون آوردن خون از بدن. ص: ۱۷۶

ناخن گرفتن. ص: ۱۷۶

دندان کنندن. ص: ۱۷۸

- برداشتن سلاح. ص: ۱۷۸

۱ - شکار در حرم. ص: ۱۷۹

۲ - کندن درخت و گیاه حرم. ص: ۱۸۰

****مناسک حج (فارسی): ۴۰۷

جای کشتن کفارات. ص: ۱۸۱

طواف

: نیت. ص: ۱۸۳

طهارت از حدث. ص: ۱۸۳

حیض شدن در عمره تمتع

حیض هنگام احرام. ص: ۱۸۷

حیض بعد از بستن احرام. ص: ۱۸۷

از شرایط طواف، طهارت. ص: ۱۹۲

واجبات طواف

نقص در طواف

زیادی در طواف

شک در عدد اشواط

****مناسک حج (فارسی): ۴۰۸

نماز طواف

سعی

سعی یعنی چه؟

احکام سعی. ص: ۲۲۱

شک در سعی. ص: ۲۲۵

واجبات حج

۱ - احرام حج. ص: ۲۲۹

۲ - وقوف در عرفات. ص: ۲۳۳

۳ - وقوف در مزدلفه. ص: ۲۳۸

****مناسک حج (فارسی): ۴۰۹

درک و قوفین. ص: ۲۴۰

واجبات منی. ص: ۲۴۳

۱ - رمی جمره عقبه. ص: ۲۴۳

۲ - ذبح ونحر در منی. ص: ۲۴۷

مصرف قربانی. ص: ۲۵۶

۳ - حلق یا تقصیر. ص: ۲۵۸

طواف حج و نماز آن وسعی. ص: ۲۶۲

طواف نساء و نماز آن. ص: ۲۶۵

بیتوته در منی. ص: ۲۶۹

رمی جمرات.

.... ص: ۲۷۲

احکام مصادود

****مناسک حج (فارسی): ۴۱۰

احکام محصور

آداب و مستحبات حج. ص: ۲۸۵

مستحبات سفر. ص: ۲۸۶

مستحبات احرام. ص: ۲۸۷

مکروهات احرام. ص: ۲۹۳

مستحبات دخول حرم. ص: ۲۹۴

مستحبات دخول مکه معظمه. ص: ۲۹۵

آداب مسجد الحرام. ص: ۲۹۶

آداب و مستحبات طواف. ص: ۳۰۲

مستحبات نماز طواف. ص: ۳۰۶

مستحبات سعی. ص: ۳۰۸

مستحبات احرام تا وقوف به عرفات. ص: ۳۱۳

مستحبات وقوف به عرفات. ص: ۳۱۵

مستحبات وقوف به مزدلفه. ص: ۳۲۴

مستحبات رمی جمرات. ص: ۳۲۷

مستحبات هدی. ص: ۳۲۹

مستحبات حلق. ص: ۳۳۰

مسحبات طواف حج و نماز آن وسعی. ص: ۳۳۱

****مناسک حج (فارسی): ۴۱۱

مستحبات منی. ص: ۳۳۳

مستحبات دیگر مکه معظمه. ص: ۳۳۴

طواف وداع. ص: ۳۳۸

زیارت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بعد از حج. ص: ۳۴۰

زیارت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم). ص: ۳۴۰

زیارت حضرت صدیقه (علیها السلام). ص: ۳۴۱

زیارت جامعه. ص: ۳۴۲

دعاء امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه. ص: ۳۴۷

دعاء امام زین العابدین (علیه السلام) در روز عرفه. ص: ۳۹۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

